



کارگران، زحمتگان، خلقهای قهرمان ایران!
 سالگرد قیام خونین ۲۲ بهمن را زیر پرچم سرخ
 کمونیسم هر چه باشو بهتر برگزار کنیم!

قیام خونین ۲۲ بهمن آتششان خشم يك خلق بپاخاسته!

سرمقاله

قیام بهمن و مارشی دیگر بسوی انقلاب

چشمکهاست و مردم و همگنان با شمشیر
 وجه غرور آفرین است حماسه خلق با وجه افتخار
 - آمیزاست نهادت فرزندان رنج و کپال در
 عرصه شبردخوسین طبقه تنی!
 خلق قهرمان ایران تصمیم فاطم خود را
 برنا بودی دشمنان خویش گرفته و بر آن است
 که چون کوهساران استوار ایستد، چون رودی
 خروشان برافند، چون دریای طوفانی
 طغیان کند چون آتش، خرمن ستمگران را
 بسوزاند و بر ویرانه های این بنیاد ستم
 استعمار، حاکمین زحمتگان و خلقهای اینان نهد،
 خلق ما و دیگر سران دارنده که در برابر
 دشمنان طبقه تنی اسلخ می کشند، از مرگ سرخ
 تیرا سدوا هر آنچه در اختیار دارنده نبرد
 قهرمان میر و حماسه آمیز خود علیه امپریالیسم
 و مزدوران داخلی اس ادا مدهد.
 اولین گامهای انقلاب را زحمتکشان
 خارج از محدوده که رژیم مینفور پهلوی خانه و
 کاشانه را بزرگان خراب کرده بود برداشتند
 و اولین ضربه را نیرها نهاد بر سگ سرما به -
 داری و ایستادند. این گامهای اولیه
 بعدها با مبارزات سراسری و یکپارچه
 دانشجویان انقلابی دانستگها که پیش از آن
 نیز نقش بارری در مبارزات دمکراتیک و ضد
 امپریالیسمی خلق ما داشته اند، دنبال
 کردند. و در ادامه آن سراسر نظرات خونین
 قم و خیزش قهرمانان مردم نیز بزرگ آورد. این
 خیزش و این حرکت جسورانه و انقلابی مردم
 بیانگر شدت ختم و کینه طبقه تنی توده های
 رنج دیده ما علیه امپریالیسم و مزدوران داخلی
 او در عین حال بیانگر ارتقا سطح مبارزه و
 گسترش هر چه وسیعتر آن بود. امپریالیستها و
 رژیم مزدورشان از تمامی شیوه های سرکوب و
 تیرنگ استفا ده کردند تا مگر بیتوانند با
 موج خروشان را از حرکت باز دارند. امپریالیسم
 بقیه در صفحه ۲



توده ها در پیگیری انقلاب علیه امپریالیسم و رتجاع با زهم از این حماسه ها خوانند آفرید

۱۷ شهریور و تعرض انقلابی
 توده ها علیه رژیم مینفور پهلوی
 سال های ۵۶ و ۵۷ سالهای اعتلا بودند،
 سالهای اوجگیری مبارزات توفنده مردم
 زجر دیده و ستمکش بودند. سالهای بودند که
 مبارزات اعتراضی و اعتصابی، نظرات و
 نمایشات خیابانی، حملات بی دربی به بانکها
 و مقرهای حزب فاشیستی رستاخیر و سایر
 موسسات سرکوبگر ارتجاع، دیگر عمل روز شده
 بود و طبقه تنی، انفعالها و قنای میهای نبود
 مردم بحر و موزحمتکشان بزرگترین شهرها و محل
 جمعیت را در پی بوردیدند و دانش خود را در
 شهرهای کوچک و حتی روستاهای اطراف پسر
 می گسترانیدند.
 بقیه در صفحه ۹

انقلابیون اسیر در زندان شیراز،
 به خلق گزارش میدهند:

در آستانه دومین سالگرد
 قیام خونین بهمن ماه
 هر زندانهای رژیم
 جمهوری اسلامی
 چه می گذرد؟
 صفحه ۱۳

نگاهی به گوشه هایی
 از فعالیت سازمان
 در دور قیام
 صفحه ۱۷

گرامی باد
 خاطره
 پیکارگر شهید
 فائق محمود صمدی
 صفحه ۲۲

مصاحبه با عده ای از رفقا:
 همسروش با خلق در
 قیام مسلحانه شکو همند بهمن
 صفحه ۱۹

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱ سرمقاله

دربارای عظیم و توفنده جنبش خلق سرآرامش و با زیستادن نداشت و همچنان امواج سهمگین خود را بر سرست بنیان ارتجاع و ارگانهای سرکوبگرش مینواخت و چه دل انگیز بود آوای این امواج خروشان و چه پرشکوه بود آهنگرزم توده‌های جان برکفی که برای آزادی انسانها از قیدبردگی سرمایه‌استوار و آهنگین به پیش می‌آفتند و با خون سرخ خویش پرچم خونرنسنگ انقلاب را برافراشته نگاها داشتند.

زمان به پیش می‌رود و هر روزها منتهی اعتراضات و تظاهرات امواج بیشتری میگردد، شهرها یکی پس از دیگری همچون دژی استوار در برابر ارتش سرکوبگر شاه قهرمانانه مقاومت میکنند، زندانی می‌دهند، مجروح می‌دهند، کشته می‌دهند، ولی شعارشان همواره مقاومت است و مبارزه آوروژیم شاه و مانده در برابر این همه خروش، این همه سرور و این همه قدرت توده‌ها و همانا نتوانستند تا می‌توانستند تا رنج‌ها را در سرکوب و کشتار با زهم بیشتر زحمتکش و خلقه‌ها می‌بینند، و بدینسان "جمع‌سپاه" که در آن فدائیکاری و قهرمانی توده‌ها و ددمنش و وحشیگری امپریالیستها و مزدوران سرمایه به هم آمیخت بوجود آمد.

حادثه خونین ۱۷ شهریور که در آن بیش از چهار هزار نفر از توده‌های رجمتکشان مسادر خون سرخ خود غوطه ور شدند، نقطه عطفی در تاریخ مبارزات خلق‌های ایران گردید و از فردای آن موج اعتراضات و تظاهرات سیاسی در سراسر کشور بیشکلی فراپهنه و تصاعدی بالا گرفت.

کشتی طوفان زنده رژیسم پهلوی شکستاف برداشته بود و میرفت که در دریای طوفانی جنبش عظیم توده‌ها بگل بنشیند، ناخدا کشتی امپریالیسم آمریکا، تنها می‌کوش خود را بنگاز گرفت تا کشتی بگل نشسته را از خطر غرق شدن نجات دهد، دولت شریف اما می‌که علی‌رغم تمام جنایات و سرکوبگریهای خود و علی‌رغم عقب نشینی‌ها و با مطلع امتیاز زاده‌ها، در برابر فشار رعیظیم جنبش توده‌ای بزانورد آمد، کشتار ۱۳ آبان جای خود را به زاری، آیین چکمه پوش جلاد رژیسم شاه داد و خود با نفاخت و شکست تمام کناره گرفت، و اتفاقاً زاری چه کاری میتوانست انجام دهد که پیش از آن شریف اما می‌و امثال او انجام نداده بودند، آنچه و بیخاطر آن نخست وزیر شد، سرکوب بازهم بیشتر جنبش توده‌ها و زحمتکشان ما بود و این نیز چیزی بود که خلق ما در گذشته و بویژه در "جمع‌سپاه" و امف‌های پس از آن با شما مت و فدائیکاری و صف تا پذیرد و مقابل آن ایستادگی کردند و دشمن را با تمام دستگا سرکوب و کشتارش تحقیر و زبون ساختند.

در دوره نخست وزیری از هاری مسز دور تحول جدیدی در کمیت و کیفیت جنبش مکرانیک و ضدا امپریالیستی و مبارزات خلقهای قهرمان ایران بوجود آمد و آن بمیدان آمدن هر چه گسترده تر طبقه کارگر به صحنه فعالیت سیاسی بود، اعتمادات منفی و بویژه سیاسی کارگران رسته‌های مختلف در سطح کشور در پیش آنها اعتمادات سیاسی و یکپارچه نداشتند، قهرمان جنوب، بزرگترین ضربه را چه از نظر اقتصادی و چه از نظر سیاسی به رژیسم شاهن پهلوی وارد آورد و خود سرآرامش را غنا بخشید و تظاهرات سیاسی کارگران سا بیورشته‌ها و رشد و ارتقا و آگاهی و شکل مبارزاتی آنان گردیدند.

در مدت چنین شرایطی از موقعیت انقلابی و امکان قریب الوقوع قیام توده‌ای، امیر - یا لیسوم رژیسم شاه، چاره‌ای جز عقب نشینی نداشت و برای حفظ حاکمیت ارتجاعی خود، در صدد اجرای طرح سازش با لیبرالها برآمدند طریقی که منجر به روی کار آمدن بختیار میز دور و کتار گذاشتن شاه از سلطنت و فرار او از ایران گردید.

اما کارگران و سایر توده‌ها همچنان به پیش می‌رفتند و با طرد و نفی هرگونه سازش و با صلاح امتیازات مورد نظر بختیار و دیگر لیبرالها، خواستار رنا بودی رژیسم سلطنتی و سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم بودند. توده‌ها که در تجربه عینی خود دریا فته بودند با دست‌خالی قادر به ایستادگی و مقاومت همه‌جا نبودند در برابر دشمنان تا دندان مسلح نیستند، "رهبران" سازشکار خود را مورد خطاب قرار داده و می‌خواستند که آنها را مسلح کنند اما پاسخ این بود که "ما دستورچها دنداده است" "آیت الله خمینی، درست زمانی که توده‌ها خواستار رنا بودی ارتش سرکوبگر رژیسم آریا مهوری بودند، میگفت "ارتش برادر ما است" و این به معنی رهاندن ارتش آمریکائی شاه از زیر ضربات کوبنده توده‌ها و ادا مسه حاکمیت سیستم سرمایه‌داری وابسته و ادا مسه کشتار زحمتکشان توسط این ارتش مزدور بود. توده‌ها خواستار رپیشت جنبش و نا بودی قطعی رژیسم وابسته و ارگانهای سرکوب آن بودند، ولی آیت الله خمینی و عناصری چون بهشتی‌ها و فرسناجی‌ها، در کتار و لیبرالها در پی سازش با امپریالیسم آمریکا و با صلاح کسب قدرت سیاسی از طریق مسالمت آمیز بودند. آنها در پی انجام این نقشه‌ها - آمیز خود در جریان سازش با ارتش امپریالیسم آمریکا و ارتشید قهرمانی رئیس ستابار ارتش شاه بودند که خروش خشم توده‌ها همه جا را فرا گرفت، و بدون اعتناء به دستور "رهبران" یورش عظیم و حماسه آفرین آنها به ارتش و دیگر موسسات و نهادها می‌رژیم پهلوی آغاز گردید. سلاح بدست توده‌ها افتاد و به تکان آن رژیسم منفور سلطنتی و دولت مزدور بختیار رزبا له دانی تاریخ افکنده شدند. قیام مسلحانه توده‌ها، هر چند ما نخواستیم تا تحقق یافت "رهبران" در ابعا دستورده خود گردید، لیکن بخاطر عدم حضور پرولتاریا در اس جنبش، این قیام نتوانست به حاکمیت زحمتکشان منجر شود، قدرت سیاسی توسط بورژوازی متوسط و نمایندگان خرده بورژوازی مرفه‌سنتی غصب

گردید و به این ترتیب توده‌ها از دستبای به اساسی ترین خواسته‌های دمکراتیک محروم شدند، اما این مساله هیچگاه بمفهوم شکست قیام منبوده نیست، چرا که توده‌ها علی‌رغم عدم حاکمیت خویش، از همان فردای قیام لحظه‌ای از حرکت باز نایستادند و جنبش توده‌ای هیچگاه درجا نرکود و توقف نگردد و هر روز که میگذرد در شد و گسترش بیشتری میابد رژیسم جمهوری اسلامی با دلیل ما هیت طبقا نیاش نه تنها نتوانسته به خواسته‌های اساسی توده‌ها پاسخ دهد، بلکه همواره در برابر این خواسته‌ها گزیرا از اعمال سرکوب و خیانست بوده و متقابلا در برابر فشار جنبش توده‌ای و بحران ناشی از آن در "بالا" نتوان از تثبیت قدرت خود و سرکوب متمرکز جنبش توده‌ای گردیده است. توده‌ها بتدریج درمی‌یابند که آنچه که آنها بخاطر قیام نگردانند، جز گام اول آن هنوز برداشته نشده و آنچه که با بدبران پای فشرده‌ها و ما انقلاب و تداوم مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی است.

در این میان کمونیستها وظیفه‌ای بس دشوار بر دوش دارند، چرا که تداوم انقلاب و تداوم مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی و تصرف قدرت سیاسی در کشور و حوزة فعالیت طبقه کارگر و ایفای نقش رهبری نسبت به جنبش دمکراتیک و ضدا امپریالیستی خلق است و ایفای این نقش جز از طریق کار وسیع آگاه - گرانده‌سیاسی و سازماندهی مبارزات پرولتاریا و کوشش در جهت ایجاد حزب کمونیست ایران امکان پذیر نخواهد بود. هرگونه حرکت و هرگونه مواضع تاکتیکی کمونیستها با بیدار استای چنین برنانه‌ای و در جهت تحقق آن صورت گیرد، بزرگداشت دومین سالروز قیام خونین بهمن از سوی کمونیستها نیز از این قاعده مستثنی نبوده و میبایست این راه هیمنانی، وسیله‌ای باشد جهت مطرح شدن هر چه گسترده‌تر آلترناتیو کمونیستی و اشکاس هر چه بزرگتر استهای پرولتاریا و توده‌های تحت ستما و گامی باشد در جهت افشای آلترناتیوهای ارتجاعی حزب جمهوری لیبرالها، بختیاری‌ها، رویزیونیستها و افشای تزلزل دمکراتهای ناپیکر.

یکوشیم با لکرده قیام خونین ۲۲ بهمن را زیر پرچم سرخ کمونیستها هر چه باشد شکره‌تر برگزاکر کنیم، و این آموزش را به میان توده‌ها ببریم که بزرگداشت قیام خونین ۲۲ بهمن تنها با تداوم مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی امکان پذیر است!

پاسداران جنایتکار تظاهرات رفقای فدائی را بخون کشیدند

به مناسبت حماسه‌های هکل و قیام ۲۲ بهمن از جانب سازمان چریکهای فدائی میهنی در روز جمعه ۱۷ بهمن ساعت ۱۰ صبح در میدان آزادی اعلام گردید، از ساعت ۹ صبح پاسداران جنایتکار جمهوری اسلامی میدان را به اشغال خود درآوردند و جماعت بدستان که اغلب همان پاسداران در لباس شخصی میباشند، ماسه شدتاً جناحیات همیشگی خود را تکرار کردند. امپریالیست‌ها و امپریالیست‌ها در مبارزه مسلحانه و مسلحانه شروع کردند، آنها به رفقای کمونیست مستقر در شمال شرقی میدان حمله کرده و وعده‌های زیادی دستگیر میکنند، اجتماع کنندگان تصمیم به تظاهرات موضعی گرفته و به همین خاطر به سمت میدان توحید (کندی) حرکت میکنند، در راه، تظاهرات کنندگان فریاد میزنند، "آزادی ما، گل‌گوله‌سیرینه ما" و بدین ترتیب ما هیت جناحیات رژیسم جمهوری اسلامی را مزدوران را بر ملا کردند، در میدان توحید صف تظاهرات کنندگان که به چندین هزار نفر می‌رسید تشکیل شد، تظاهرات کنندگان شعار می‌دادند: "زندانی سیاسی، به همت توده‌ها، آزادی یا بگردد"، "شعار ره‌فدائی، استقلال، کار، مسکن، آزادی"، "تنها ره‌فدائی، پیوند با فدائی"، "مسلسل فدائی، جواب آمریکا بی" "پاسداران سادرا، می‌سرمایه‌دار" ... صف تظاهرات حرکت کرده، بطرف نواب سرا زیر شد، در این موقع رفقای فدائی پرچم سرخی که بر روی آن آرم سازمانشان نقش بسته بود را بر سر دست بلند کرده که مورد تشویق تظاهرات کنندگان و انشوب جمعیتی که کناره‌های بان جمع شده بودند قرار میگردد، صف تظاهرات با خیابان آزادی نرسیده بود که مورد یورش فאלانتهای مزدور قرار میگردد که در مقابل مقاومت انقلابی هیمنان مجبور به عقب نشینی میگردد، به دنبال این حمله شکست خورده پاسداران لباس شخصی، پاسداران از دوسویه بر تانک‌ها و اوروتیرا نندازی هواشی وزمیانی اقدام میکنند، به جزوه کمیته مستقر در خیابان آزادی نزدیک ۲۵ متری نواب‌مدا می‌تیرایر مستقر روی پشت بام بسوی محل تظاهرات شلیک میکنند، پاسداران جانی که از اسواکیهای محمدرضا شاه گسوی سبقت را برنده‌اند، وحشیانه تظاهرات کنندگان را مورد اصابت گل‌گوله‌ها قرار داده که حدقل یک نفر شهید و چندین نفر توسط گل‌گوله زخمی گردیدند، پاسداران به کمک فאלانتهای اقدام به دستگیری تعداد دوسمی از تظاهرات کنندگان و افراد حمایت کننده پرداختند، این جنایات یکبار دیگر و حشمت رژیسم جمهوری اسلامی را از او جگری جنبش توده‌ای و کمونیستها و انقلابیون به نمایش گذاشت، رژیسم حاکم شدیداً از شدت جنبش میترسد و بنا به هیت ارتجاعی خود میکوشد تا هر تظاهرات و میتینگ کمونیستها و انقلابیون را به خون بکشد، اما اگر چه یوشان محمدرضا شاه می‌توانستند با زور مسلسل و توبوتانک‌ها و جگری جنبش بقیه در صفحه ۷

متن پیام سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر که در تاریخ ۲۳ بهمن ۱۳۵۷ ساعت ۸ صبح از راه بیکار در تصرف انقلابیون بود پخش شد:

هموطنان مبارز!

قیام قهرمانانه شما در سایه قدرت سلاح هم اکنون در آستانه پیروزی قرار دارد. ماکه همچون قطره‌ای در میان توده‌های مردم و در کنار آنها به مبارزه مسلحانه خود با دشمنان انقلاب ادامه میدهم ا ز کلیه هم - وطنان مبارز و بخصوص واحد های رزمنده میخوانیم تا نامودی کامل ضد انقلاب و نیروهای سرکوبگران به مبارزه خود ادامه دهند.

پیروزی با قیام مسلحانه مردم قهرمان ایران!

۲۲ بهمن، دومین سالگرد قیام مسلحانه و شکوهمند خلقهای ایران گرامی باد!



سینس کارگری

جواب کارکنان مپسا از صنعت نفت به یاهوهای روزنامه‌های کیهان و جمهوری اسلامی

در تاریخ ۵۹/۱۰/۹ و ۵۹/۱۰/۱۰ روزی - نامه‌های کیهان و جمهوری اسلامی به‌فحاشی به‌کارکنان مپسا از صنعت نفت برداخته و بدینوسیله ترس و وحشت و زبونی رژیم را در مقابل مبارزات یکپارچه کارگران و کارکنان مپسا از صنعت نفت به‌نمایش گذاشتند. کارکنان مپسا از صنعت نفت در نامه‌ها جوابیه خود به این یاهوهای کیهان، با ناکید مجددی بر همبستگی خود با رادیکال‌ها و تفرقه افکنان رژیم را نقش بر آب ساختند. در زیرکوشی از این جوابیه‌ها به‌ویژه کوشش‌های روزنامه‌ها را میخوانید:

در جواب افتراهای روزنامه‌ها و جهت فتنه و تهمین بران و بخصوص جنگردگان

... بیست و سه ماه است که عده مپسا رزبانان را از موشان ما با آزدست دادن خانه‌ها و کاشانه‌ها و ماستی خود را در دیگر شهرها و روستاهای ایران هستند. در این میان عده هزار خانوادگی کارکنان جنگرده صنعت نفت آبادان و خویشین شهر هم‌بخش کوچکی از این جمعیت عظیم آواره و بی‌خانمان را تشکیل می‌دهند. ما نمی‌گوئیم که رنج و محنتی که بر ما رفته غیر از سایر جنگردگان است و مسا خود را تا فتنه‌جدا با فتنه‌آزمایان پیرین نمیدانیم ولی اگر ما در اینجا بیشتر از جنگ زدگان صنعت نفت صحبت می‌کنیم به این خاطر است که شما فشار و تضییقاتی را که در این مدت فقط بر این گروه رفته یعنی بر کسانی که به اعتراف همه اعصاب و شکر همنه‌دویکیا رچه آنها رژیم مزدور شاه‌خا و آمریکا را بزبان خود آوردند و ببینید آتوقت خود میتوانید در مورد سایر جنگردگان و در دورنج آنها قضاوت کنید.

آری کسانی که یک عمر گرامی بیش از ۵۰ درجه خوشتان را جان‌کندنند و نیکو نگردند و پاپیه‌های اقتصادی مملکت را چرخانند و سپس از اینکه بر اثر جنگ خانمانسوزا خیرآواره شهرها و دیارهای دیگر میگردند بجای زور بردن با سیمان‌سازی و دلجوئی، فراری و ترسو خا گن لقب بگیرند، در نما زجمع آنها را بی غیرت خطاب میکنند دستور میدهند که برویشان تنف بیا نندازند و... شدت جنگ و خمیازه‌ساران آنچنان زیبا داست که گاهای مزرعه شرکت نفت (دیری فارم) را از شهر خا راج میکنند ولی هنگامیکه کارکنان شرکت نفت با خانواده‌های خود در موارزبان بدستور ارتش شهر را ترک میکنند در اولین برخورد با بختنا ۵۹/۷/۲۷ و زیر نفث روبرو میشوند که با یک دستور حدود ۸۵ درصد کارکنان را با بدلیل ترک آبادان اخراج و معلق میگرددند. آنها به این بخشنامه اعتراض کرده‌و پس از مدتی موفق به لغو آن میشوند. از آن تاریخ تاکنون بغیر از دریافت مبلغی ناچیز نمیتوان علی الحساب در مورد سایر خواسته‌های خود فقط وعده و وعید

شده اند و اما وقتی مشاهده میکنیم که به‌تعماد ما سواد کارکنان جنگرده در روز اول حکم فتنه‌جها را سه هزار تومان علی الحساب برداخته و مینودولی روسای با لایشکا آبا دان در همین مدت حواله ۲۰ هزار تومان برای خانواده خود در شیراز میفرستند. در تهران هم روسا و سرپرستان حقوق کامل خود را که اغلب بالای ۲۰ هزار تومان است تمام و کمال دریافت میکنند. خانم یکی از مدیران قبلی با لایشکا (که در خانه اش سر ترا مایت خمیا ره کشته شد) فقط حدود ۲۳۰ هزار تومان (با حقوق ۳۸ هزار تومان در ماه) با بیت خرج کفن و دفن میگردد در صورتیکه به خانواده آن کارگر زیربوشی که در آبادان شهید میشود حتی پنج هزار تومان هم نمیدهند و...

آیا ما که این تضییقات را می‌بینیم و بر ادعای مسئولین مبنی بر اینکه پول در مملکت وجود ندارد شک میکنیم و اعتراض میکنیم چرا به ما که تمام زندگی خود را از دست داده ایم و حتی مجبوریم ابتدائی ترین وسائل زندگی را در آبادان تهیه کنیم حقوق کامل نمیدهند؟ انقلاب هستیم؟ مزدوریم؟ هستیم؟ و یا آن روزنامه نگاری که بدون اطلاع از جریانات (شاید مطلع) در دفتر کار خود نشسته و قلم بدست گرفته و هر نوع برجسی را که بیشتر زبینه‌دخوش میباید شده ما می‌چسباند؟

میگویند ما جنگردگان را اسکان داده ایم و با نشان دادن عکس و فیلم و گزارش هر روز این مسئله را بزرگ میکنند ولی شما را بخدایانید و ما دقتاً نه بگوئید که شرکت نفت با آتکمه امکانات تا بحال در مورد اسکان هزاران خانوادگی شرکتی چه کرده است؟ آیا زندگی بر روی قهرهای خانوادگی در زمینیهامهان بنظر شما اسکان است؟ آیا خوابیدن در کنار خیابانهای ماهشهر اسکان است؟ آیا زندگی در اردوگاه جبرفت که هلی کوپتر رئیس جمهور و همراهان بر اثر طوفان نتوانست فرود آید اسکان است؟ یا بسریچه فلجی که در شیراز زبیر ننداز و روزها زش روزها مست اسکان پیدا کرده است؟ آیا آن خانوادگی که با ۱۷ ساعه ۱۲ ساعه تحت تکفل که در یک دکان بی‌درو و بیگرد در شصدهستگا شیرا زندگی میکند از نظر شما اسکان است؟ چه کسی را میخواهد فریب بدهید بغیر از چند محلی را که خود کارکنان بعد از آن امیدشان از وعده و وعیدهای شما گرفته اند و بغیر از چند دستگا خانه دیگر که مخصوص شهدا و وگروگانهاست شما کارکنان را در کارگاه اسکان داده‌اید؟ البته از حق نباید گذشت چون شما در هفتلیهای شرا پتون - کمودور روسای جنگرده را اسکان داده‌اید... آتای روزنامه نگار تو که حتی اسکان شوا ده‌های کارکنانی را که به آبادان نتر

طبقه کارگر از قیام می‌آموزد!

تسا مچونسن ۲۲ بهمن ۵۷، در سیای کراسه‌اشی به‌را دادنت، طبقه کارگر آبادان در سیای رابرایکیرد، و آتیا را در سیای رز دظناتی و انقلاب آینده بکار رساند، بدون جمعیتی از مسازرات گذشته، بدون ارتقا، دادن آن تا سطح ثنوری راهنا و بدون بکار بست این ثنوریه‌ها حبس نوده‌ای زمینوا نده به‌مرحله متکا ملتری ار حرکت خود دست با بد، در قیام به‌مپهن کارگران و توده‌های بی‌علماری دست به‌فدا کاری زدند و، جان بارانده جنگ دشمن و ما شین حنکی آن یعنی ارتش رفتند، آنها طالسازادی دمکراسی و استقلال بودند، آنها میخواستند بر سر نوشت خویش حاکم بوسند، آنها میخواستند کفالت و انحطاط دنیای گذشته را از جانی کندن و زندگی نوینی برپا دارند، اما آنها به اهداف خود نرسیدند رژیم متکین سلطنتی در زیرکامیای پولادین کارگران و زحمتکشان منکوب و باوید شد، ارتش شاهنا همی ضربات مهلکی در با ناست کرد و امیریا لیسنا چاره عقب نشینی‌های بس مهمی گردید، اما قدرت بدست کارگران و زحمتکشان نیافتاد، بلکه قدرت بدست سرمایه داران و سردمداران خرده‌بورژوازی مرده - سنتی افتاد، واقعا متکرا بین کارگران و سایر رزده‌های ستم‌دیده نبودند که با رزادته‌ها و تهمین‌های خود در راه آزادی خون ریختند؟ پس چرا نتوانستند بمرور رژیم را از چنگ آوردند؟

اولین درس - اولین میگوید: "در دوران انقلاب میلیونها و دهها میلیون تن از مردم در هر هفته پیش از یکسال زندگی عادی و خواب - آلودگی میا میوزند، زیرا همکا میکه تحول ناکهانی و شدید در زندگی یک ملت روی می‌دهد و با وضوح خاصی معلوم میگردد که هر یک از طبقات این ملت چه هدفی را تعقیب میکنند چه سرنوشتی را در رویا چه سالی عمل می‌نمایند" (درسهای قیام - تاکید از ماست)

در راه انقلابی با ایداز حزب و نیروها را شناخت، با ایدید آنها از منافع چه طبقه‌ای دفاع می‌نمایند و مناسبات میان آنها کدا مند؟ در زمان قیام نیروها نی که در مخالفت با رژیم شاه قرار داشتند به دودست بزرگ تقسیم میشدند در یکسوا حزب لیبرال مانند نهضت آزادی به رهبری با زرگان، جبهه ملی دوم به رهبری سنجابی و جبهه ملی سوم به رهبری سنی صدر و جریانات مذهبی مانند جریانی که بهشتی در آن بود و جریانی شریعتداری قرار داشتند، این احزاب و جریانات علیرغم اختلافات و تفاوتهای که با یکدیگر داشتند در این مسائل اساسی دارای اشتراک نظر بودند، مخالفت با دیکتاتوری خن‌شاه و موافقت با حفظ سیستم سرمایه‌داری وابسته بقیه در صفحه

اخبار کوتاه

ورامین: رژیم کارگران کارخانه مهمات سازی "پارچین" را وادار کرده است تا با شدت هر چه بیشتر به تولید مهمات بیشتر برای کشتار زحمتکشان عراقی و سرکوب توده‌های انقلابی ایران بپردازد، رژیم در پیشبرد این هدف فذخلتی خود، حتی برای جان کارگران و زحمتکشان ارزشی قائل نیست، او را خریدیام هنگامیکه ریک گلوله آرپی. جی ۷ متفجر میشود که موجب قطع شدن سربکها و گروقطع دست کارگر دیگری میشود.

تهران: جنیدی قنبل کارگران شرکت "پلاستیران" برای کم شدن ساعات کارشان از ۱۲ ساعت به ۸ ساعت در روز، اعصاب میکنند و موفقی میشوند که برای مدتی بخواس خود بترسند اما با ردیگر مدیریت کارخانه و شورای ضد کارگری اسلامی کارخانه مسئله ۱۰ ساعت ۱۲ ساعت کار در روز را مطرح میکنند، این مسئله

خواتنده میتونند با اسکان آنها در مناطقی جنگی اشتباه گرفته‌ای چطور بخودت اجازه داده‌ای که خواسته‌های ما را تعبیر و تفسیر نمائی؟ یا میدانی که فقط در چند هفته اخیر چندین نفر از همکاران ما در بین راه ما شهر - آبادان در اثر شتمنا دف‌لنج شهید شده و عده زیادی مجروح گشته‌اند، آیا میدانی که در آبادان از کارگران تعهد گرفته‌اند آنها را

مجبور میکنند که با یورقهای را امضاء کنند که در آن قید شده و در آینده شرکت نفت مجاز است هرگونه تصمیمی را در مورد آنها اتخاذ کند... شورای سراسری کارکنان جنگرده صنعت نفت آبادان و خویشین شهر (قریباً د آوارگان شماره ۱۱).

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

اعلام حکومت نظامی به بهانه جنگ در شهرک طالقانی

حکومت نظامی سلاح کهنه‌ای است که رژیم‌های ارتجاعی به هنگام واچگیسری مبارزات توده‌ها و ناتوانی خود در سرکوب آن‌ها در متوسل میشوند، اکنون نیز افزایش دیدن رضایتی در میان توده‌ها بطور عموم و وارگان جنگ علی‌الخصوص، فعالیت پیگیری نه‌گمونیست‌های راستین برای افشاء حکومت یا لا بودن سطح آگاهی توده‌ها و... رژیم جمهوری اسلامی را مجبور ساخته که به این سلاح سنگ زده دست ببرد تا به خیال خام خود با سرکوب مبارزات توده‌ها به زندگی نتواند بکوشد. لویج چندصبا می‌آدا مه‌دهد.

در شهرک طالقانی (کوره‌ها) از ساعت ۸ شب بعد عبور و مرور ممنوع گردیده است. به

دشمن این اعلامیه‌های افشاگرانه‌ها زمان در رابطه با سیاست‌های ارتجاعی رژیم پاسدار - ان‌حالی حکومت به تکیه بر افتاده‌های از ساعت ۸ شب (با تریک شدن هوا) هرکسی را که در کوچه‌ها در رفت و آمد ببینند مورد بازخواست و پیرس وجود قرار میدهند و در صورت مشکوک بودن او را به‌سیاه برده و سپس از تحقیقات لازم آزاد میکنند.

براستی که تاریخ سنگوبیا و زنده‌های است اگر رژیم بوسیده‌پهلوی با اعلام حکومت نظامی در چندین شهر بزرگ توانست خود را نجات دهد، رژیم جمهوری اسلامی هم‌قادر خواهد بود و اگر نتواند آن‌ها بی که در راه است در امان باشد.

ملاقات بنی صدر با آوارگان یادآور بازدیدهای شاه‌خائن

بازدیدهای عوام‌فریبانه‌ها خائن زحمتکشان ما بخوبی بیاد دارند که چگونه با قیافه‌ای "پدران سعی در پوشاندن ماهیت فدکاگر و ضد خلقی خود داشتند، با بازدید بنی صدر از اردوگاه‌ها و آوارگان در خوابگاه‌ها نشگاه صنعتی امفهان هم‌برای آوارگان یا آوار باز - دیدهای شاه‌جلاد بود. بنی صدر با هلیکوپتر وارد خوابگاه میشد و قبیل از او یک کامیون سرباز و تشه‌ادی ما شینهای لوکس وارد خوابگاه شده بودند، اطراف خوابگاه و داخل ساختمانها را سربازان پر کرده بودند، بنی صدر و همراهانش پس از بازدید از ساختمانها به میان آوارگان آمده و سپس از چند کلمه صحبت با هلیکوپتر خوا بگا را ترک می‌گوید پس از رفتن بنی صدر آوارگان در گوشه و کنار از شایعات این بازدیدها با زدیدهای شاه‌خائن صحبت میکردند، مردم از خود می‌پرسیدند که بنی صدر آمد اینجا چکا ر کند؟ این چه بازدیدی بود؟ زکدا میک از ما در مورد مشکلاتمان سوال کرد؟ چه کدا مخواست ما حتی گوش داد؟ زحمتکش آواره میگفت: "اینها نمی‌خواهند بر سر آوارگان کاری بکنند" زحمتکشان ما به‌مهیت پرا زفریب و تیرنگ لیبرالها پیوسته می‌برند و با مرز علیه لیبرالها و نیز حزب جمهوری اسلامی در تداوم انقلاب خونین ایران میکوشند.

به بهای خانه‌خرابی زحمتکشان،

میلیونها تومان صرف ساختن فیضیه می‌شود

روز نیست که رژیم جمهوری اسلامی در بوق و کرنای تبلیغاتی اش بدروغ خیرکمک به آوارگان جنگ‌زده را نهد، در این میان با باز کردن حسابهای مختلف کوشید تا آخرین رمق زحمتکشان را به بهای نه‌کمک به جنگ‌زدگان بگیرد، اما جرس ولع رژیم جمهوری اسلامی بسیار فراتر است تا آنجا که زحمتکشان را به بخشیدن ما محتاج زندگی خود ترغیب کرده و حتی از چند تخم مرغ زن زحمتکش که در چاروتوم نسبت به حکومت است نیز نمی‌گذرد، اما زحمتکشان ما با پیدا بندها این می‌تواند صرف چه هدفی میشود؟

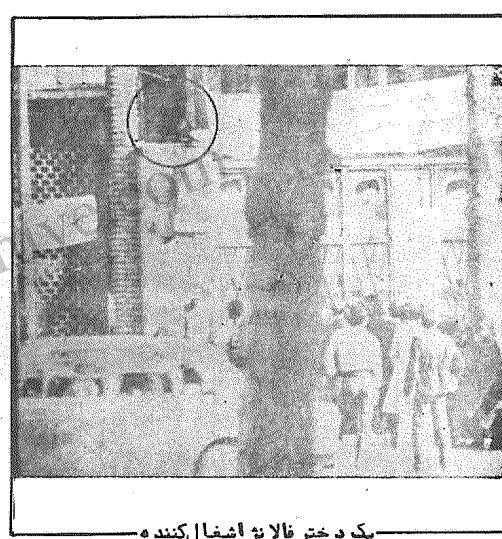
درست در شرایطی که آوارگان جنگ از فقدان بهداشت، مسکن و... بجان آمده‌اند و درست در زمانی که اعراض حق طلبان آوارگان جنگ نسبت به اوضاع نا بسا مانسان با سرکوب مزدوران سرما به پاسخ داده میشود دست اندرکاران حکومت بودجه‌های کلانی را به تائین نیازهای خود، نیازهای بی‌کفایتی در جهت حفظ نظام بوسیده سرما به‌داری و تحقیق توده‌ها و گسترش جهل برآورد شده، اختصاص داده‌اند، احداث فیضیه جدید تبریز که هزینه آن از عرق جبین زحمتکشان تامین میشود،

از آن جمله است، حدود چهار ماه است که شب و روز برای احداث فیضیه تبریز کار میکنند، این ساختمان در بهترین نقطه تبریز قرار دارد و دارای بیش از ۱۲۰ اتاق می‌باشد و اکنون بیش از ۱۰ میلیون تومان صرف آن کرده‌اند در اینجا با بیرون نیون مرتجع‌های پرورش یافته که با "موظفه‌های خود به تحمیل توده‌ها پرداخته و آنها را به قناعت نسبت به آنچه که دارند (یعنی هیچ چیز) واگذارند، سرما به‌داری و مفتخوران با استعمار زحمتکشان جیبهای خود را آسوده خاطر پر کنند و فریب تر شوند.

آری اینست آن نیازی که حکومت را به ساختن مکانهایی از دسترنج زحمتکشان و امیدارد، اما زحمتکشان به بهیود زندگی رفاه اجتماعی، کسب آزادی و استقلال نیاز دارند و هنگامیکه این نیازی با آگاهی طبقاتی همراه باشد و تحت رهبری با کفایت طبقه کارگر قرار بگیرد این ساختمانها و مثال آن در اختیار کارگران و زحمتکشان قرار خواهد گرفت و بصورت سنگری برای درهم کوبیدن سرما به‌داری و بسته‌وهمه مرتجعین در خواهد آمد.

اشتغال دبیرستان خوارزمی:

آغاز گرسبوه‌ای فاشیستی در سرکوب مبارزات دانش آموزان



یک دختر فالانز اشتغال کننده در حال نگرانی از در رب بسته دبیرستان

روز دوشنبه ۱۳ بهمن دبیرستان دخترانه خوارزمی شماره ۲ توسط عوامل حزب جمهوری اسلامی و بر طبق یک برنامه از پیش تعیین شده به اشتغال در می‌آید. دانش آموزان هنگام مراجعه به دبیرستان با بسته بودن درب آن و نصب شدن پلاکاردهای حاکی از اشتغال دبیرستان تحت عنوان "بستن آیین یا بگاه توطئه فساد" مواجه گردیدند. شنای لکران که خود را دانش آموزان مسلمان بی‌روخط امام مینامیدند، جازه و روبه هیچکس را ندادند و به فحاشی بر علیه دانش آموزان می‌پرداختند

بر بیرون دبیرستان نیز با شان حرفه‌ای چماقداران "مکتبی" با فحاشی سعی در ایجاد محیط رعب و وحشت داشتند.

این وقایع در شرایطی رخ میدهند که ما با هاد و چگیری جنبش دانش آموزی بطور کلی وجود و انقلابی دانش آموزان ایمن دبیرستان بطور مشخص، می‌باید رژیم فاشیستی را سرکوب نمودن مبارزات پرشور دانش آموزان این مدرسه اقدامات متعددی انجام داده است، از جمله تاکنون به اخراج ۲۰ تن از دانش آموزان انقلابی پرداخته اند که بیشترین رقم اخراج در میان مدارس است. اما دانش آموزان مبارز با ادا مه‌فعلیتهای انقلابی خویش مشت محکمی بر یوز رژیم زده و تلاشهای مذبحوا نه‌ان را خنثی کرده‌اند. بدین ترتیب می‌بینیم که توسل ارتجاع به آخرین حربه خود یعنی سرکوب مستقیم با توسل به شیوه‌های فاشیستی و انجام آن در ایمن مدرسه‌ها اتفاق می‌افتد بلکه کاملاً محاسب شده می‌باشد

حزب جمهوری اسلامی که در نزد توده‌ها مفتضح گشته، با تنگ درمدمدن خوردن ازندگان

بوسیده... بی‌روخط امام است، حزب با کوک کردن عوام‌لش نظیرا شنای لکران سیاهپوش دبیرستان خوارزمی درمدمدن است تا به تکرار اعمال فاشیست‌ها در راه انداختن دسته‌های سرکوبگر "پیراهن قهوه‌ایها" و "پیراهن سیاهها" بپردازد، حزب حاکم درمدمدن است تا در صورت موفقیتش در این شیوه تکرار آن در شما می‌مدارس و عرصه‌های مبارزاتی توده‌ها بپردازد، اما دانش آموزان انقلابی همان گونه که توطئه‌های سرکوبگرانه رژیم را تاکنون خنثی کرده و مبارزات خود را بشکل روزافزونی گسترش داده‌اند، این شیوه جدید ارتجاع را نیز با مبارزات انقلابی خود خنثی خواهند کرد، تقلیدهای حزب جمهوری از شیوه‌های فاشیستی سرکوب نیز چیزی جز کار ریکاوری‌ها می‌رساند و انقلابی جامع به واچگیری مبارزات دانش آموزان انقلابی برده‌ان رژیم مشت محکمی خواهد زد.

به افشای توطئه‌های سرکوبگرانه رژیم درمدمدن سردا خسته و بی‌اتحاد خود آنها را خنثی کنیم!

زحمتکشان: مصادره انقلابی

رژیم جمهوری اسلامی: بازهم سرکوب

مصادره انقلابی آپا رتانهایی سرما به - داران توسط زحمتکشان با رها توسط رژیم جمهوری اسلامی سرکوب شده و میشود. نمونه زیرکوشای از این سرکوب رتانه می‌دهد: حدود یکسال و نیم پیش عده‌ای از خانواده‌های زحمتکش که قبلاً در نازی آباد و کشتارگاه زندگی میکردند، ساختمان "لاله" را در خیابان کارگرشالی مصادره انقلابی کرده و در آن سکنی میگزینند، صاحب این ساختمان مرد ثروتمندی است که ما می‌توانیم فقط ۶۰ هزار تومان کرایه‌ها را بپردازیم. می‌گوید: زن زحمتکشی که ساکن آپا رتانه بود میگفت: "از یکسال و نیم پیش که اینجا آمده‌ام با ما سداران و کلانتری‌های یکبار به اینجا حمله کرده‌ون ما را می‌لرزاند و تهدید میکنند که با پیدا اینجا را تخلیه نمائید، ایسن زن

زحمتکش بوسیده یکی از سداران چندی قبل با قنایق ۳ - ۳ م‌ضروب شده بود. زن زحمتکش ادا مه‌میداد که: "این ساختمان مال بسک سرما به‌داری است اما ما نمیتوانیم حرفها بمان را بگوش مردم بر ما نیم‌جون را دیو و تلو یزبون در دست دولت است" یا سداران سرما به - همراه کلانتری ۸ او خردی ما به زهم به ساختمان بیورش آورده و مردم را تهدید به تخلیه ساختمان می‌نماید. رژیم تهدید و ارباع و سرکوب زحمتکشان ادا مه‌میدهد، در حالیکه زحمتکشان بی مسکن با تمام نیرو در مقابل آنها جماعت رژیم مقاومت میکنند.

مصادره انقلابی آپا رتانهایی سرما به - داران توسط زحمتکشان بی مسکن اقدامی است انقلابی و بر علیه میریالیسم و ارتجاع!

مبارزه علیه جنگ رابه‌اهرمی برای گسترش انقلاب بدل کنیم

خلق ها و مسئله ملی



اسفند ۱۳۵۷: سقوط پادگان مهاباد، سرآغاز جنبش انقلابی خلق کرد

خلق رزمنده کرد با بیای خلقهای زحمتکش ایران در ماههای قبل از قیام ۵۷م با سازماندهی و راهبردی و مبارزات انقلابی خود بر علیه رژیم ضد خلقی شاه قهرمانانه در جنبش انقلابی خلقهای ایران شرکت کرده و شهدای بسیاری را تقدیم راه انقلاب ایران نموده نظرات با شکوه اهالی زحمتکش شهرهای سمنجان، سقز، بانه، مهاباد و دهها شهر دیگر کردستان در ماههای قبل از قیام مهربک با به همراه داشتن دهها شهید زحمتکش کرد، بدرستی پیوند خلق کرد با خلقهای زحمتکش سراسر ایران در جنبش دمکراتیک - ضد امپریالیستی توده های زحمتکش را نشان میداد. آری علی رغم تبلیغات و توطئه و تحریکات رژیم جمهوری اسلامی در جهت تخطئه نقش انقلابی خلق کرد در مبارزات زحمتکشان ایران بر علیه رژیم رژیم شاه، خلق کرد با تمام قوا بر علیه رژیم و با بستن به امپریالیست شاه جنگید با این امید که در زوایا رجوی ایرانی آزاد دمکراتیک با رساله ستم ملی - طبقاتی و استعمار فئودالی و مالکین و سرمایه داران برگزیده خویش را از زمین ببرد. قیام ۲۲م بهمن ۵۷ فرا رسید و خلق زحمتکش کرد، همچون خلقهای سراسر ایران، کردستان را به عرصه نبرد مسلحانه خود با ارتش ضد خلق شاه تبدیل کرد، مبارزات کوششها در زمان جنبش ساواک را به آتش کشید، مزدوران ضد خلقی ساواک را دستگیر و بسزای اعمال خود را ندوخته محکوم کردن تما یلات تجزیه طلبانه عناصر مرتجع و وابسته در کردستان با صدای رسا همبستگی هر چه بیشتر و محکمتر خود و خلقهای ایران را اعلام نمود. ما بیش از یکبار از قیام شکوهمند بهمن ۵۷ نگذشته بود که با طرقاتش برای کسب خود مختاری، این حقوق حقه خود، مورد حمله وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفت، رژیم که بر رویانهای نظام آریا - مهربی لانه کرده و با همان ابزار خلق زحمتکش کرد را قتل عام نمود که شاه خاشاک با آن توده های زحمتکش ایران را کشتار کرد بود.

بدینال سقوط پادگانها بدست توانای خلقهای ایران در شهرها، ارتش ضد خلقی آریا مهربی در سراسر ایران از جمله در مهاباد کردستان به تبعیت از سیاست سازش رهبران امپریالیست به اصطلاح اعلام همبستگی با انقلاب نمود، اعلام همبستگی ارتش با انقلاب در حقیقت فریبی بیش نبود تا بدین وسیله سازشکاران بقدرت خزیده دستگاہی سرکوب - کرورزیست ها و ارگانهای ضد خلقی وابسته به امپریالیست برای سرکوب مجدد خلقهای زحمتکش از آسیب انقلاب وسیل بنیان کن حرکت توده های مسلح محفوظ نگاه دارند. اما خلق زحمتکش و آگاه کرد فریب این همبستگی انقلابی ارتش که تنها و تنها در خدمت حفظ سیستم

سرمایه داری وابسته قرار داشت، نخورده و هشیارانه به مقابله انقلابی با توطئه های ضد انقلابی عوام فریبان سوار شده بر اسواج انقلاب برخاست، چه خلق قهرمان کرد، بدرستی می دانسته و میداند که تحقق خواسته های خلقهای زحمتکش ایران در بر توتیویزی انقلاب خلقهای ایران بوده و این عملی نیست مگر

اینکه ارتش ضد خلق شاه دستگاہی سرکوب - گروا مریکائی از بنیان نابود کرده، بر پایه همین آگاهی انقلابی روز جمعه ۴ اسفند ۵۷ مرد زحمتکش و قهرمان مهاباد، جهت تدوین قیام شکوهمند بهمن و دستیابی به پیروزی نهایی به پادگان مهاباد حمله کردند. این حرکت انقلابی مردم مهاباد مورد حمایت پرستل انقلابی درون پادگان قرار گرفت و آنها به همراه زحمتکشان مسلح مهاباد، ضد انقلابیون ارتش آریا مهربی را که از برکت سازش رهبران امپریالیست بر ما مسبب خود ابقاشده بودند خلع سلاح و دستگیر نمودند. پادگان مهاباد با کلیه تجهیزات و سلاحهای نظامی اش بدست رزمندگان دلیر خلق کرد افتاد و روشن است که جنبش حرکتی نمیتوانست به مذاق جمهوری اسلامی که سودا وراثت نظام سرمایه داری وابسته را در سر می پروراندند خوش بیاید، به همین خاطر طرفداران رژیم مهاباد به پروا زدند و مدتی در مهاباد توطئه های ارتش کرد مورد انواع توهینها و آزارها متوجه شد. انقلابی قرار گرفت، اما خلق زحمتکش کرد از



(این طرح، در بزرگداشت سالروز شهادت قاضی محمد بنیانگذار جمهوری خود مختار کردستان تهیه شده بود)

حرکت با زنا بیستادوبه مبارزه جهت تسدایم انقلاب و کسب خود مختاری بعنوان حقوق حقه خود ادا نماد بود و نوروز و زمین ۵۸، ۲۸ مرداد ۵۸، اوایل اردیبهشت ۵۹ و از آغاز زکسترس جنگ ارتجاعی ایران و عراق با راهها مورد وحشیانه ترین یورش ها و قتل عامها از طرف رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفت، اکنون خلق قهرمان کرد، با به پای خلقهای زحمتکش ایران برای حفظ دستاوردهای قیام شکوهمند و در جهت کسب خود مختاری در پرتو راهی خلقهای سراسر ایران، به پیکار مسلحانه خود ادا می دهد و بیشرگان جنبش مقاومت خلق، این جوشیدگان انقلابی ازدل خلق کرد، رژیم جمهوری اسلامی را با راهها و مبارزات بی امان خود قرار داده اند. آری تخریب پادگان مهاباد، سرآغاز جنبش انقلابی خلق کرد بر علیه رژیم جمهوری اسلامی بشمار می آید، رژیم که چیزی جز محصول سازشانه رهبران امپریالیست نیست، اگر چه رژیم مزدور شاه سقوط کرد اما رژیم جمهوری اسلامی در قبال خلق کردها راهی را در پیش روی خود گذاشت که رژیم شاه گذاشته بود و به همین خاطر خلق دلیر کرد نیز همان راهی را در قبال رژیم جمهوری در پیش گرفت که در مقابل رژیم شاه در پیش روی خود گذاشته بود.

بقیه از صفحه ۲۱ حزب توده ...

آری بنی مدرین لیبرال مرتجع، زمانی نه تنها نابودکننده امپریالیست، بلکه خواهان سوسیالیسم قلمداد میشود، و حزب توده در صدد برقراری "راه رشد غیر سرمایه داری" است. لیبرال مرتجع بر میاید، و زمانی دیگر بخاطر حمایت توده ای ها از جناح حزب، بنی صدر تقریباً در صدد لیبرالها قرار داده میشود و فردا به بد نیست دور راه انقلابی شود!

بدین ترتیب حزب توده به چوچه ضد لیبرالها نیست، بلکه در ارتباط با این مسئله مشخصه در هر زمان منافع سوسیالیست امپریالیست اقتصاد کند، بدفاع از جریانات موجود جامعه برخاسته و به مخالفت با مخالفان آن جریان اقدام میکنند تا بدیجای بائی برای سوسیالیست امپریالیست بنمایند.

ما در اینجا از حما بیتهای بی شائبه خاشنین توده ای، از لیبرالها پس از قیام نمی برداریم و آن را به وقت دیگری موخسول میکنیم ما تنها راهی که می بینیم که حزب توده با راه اعلام کرد که ما می دولت موقت با زرگان است و حزب توده حاضر است بی قید و شرط در خدمت دولت با زرگان قرار گیرد، حزب توده در مردم شماره یک بشدت از حسن نریه خاشن دفاع کرد و مدتی جلاد را ما مهاباد پیش تیبانی خود قرار داد، در انتخابات ریاست جمهوری حبیبی لیبرال کاندید حزب توده بود و در انتخابات خبرگان و مجلس اسلامی نیز عزت الله سخا بی لیبرال کاندید حزب توده بود، آری ما سکا قد لیبرالی گفونی دروغی بیش نیست تا حزب توده بتواند، در حزب جمهوری اسلامی، رهروان "راه رشد غیر سرمایه داری" خویش یعنی تبدیل ایران به "شکارگاه خصوصی" سوسیالیست امپریالیست روس را بنمایند، آری ملوس کوچیلوی ما در زمانی در بخت شاه خاشن است، دیگر سراسر در آغوش لیبرالها و اینک در بخت حزب جمهوری و فردا؟

مرتجعین توده ای را بیش از پیش افشا و طرد نمائیم، ما سکا ضد لیبرالها را از چهره کریمه حزب توده بدرسیم!

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

بقیه از صفحه ۳ طبقه کارگر...

و ضدیت با طبقه کارگر و انقلاب توده ها، ایمن نیروها مدافع طبقه سرمایه دار بوده و مخالفت آنان با شاه از موضع بورژوازی و ضد انقلابی بوده است. در سوسیال دموکراسی و کومنیست، نیروهای دمکرات و چریکات شایسته ایدئولوژیست، مانند آیت الله خمینی قرار داشتند. هرکدام از این نیروها مدافع یک طبقه معین بوده و دارای درکهای متفاوتی از آزادی بودند. کومنیستها اگرچه بسیار ضعیف بودند، اما مدافع منافع پرولتاریا بوده و هدفی را که از سرنگونی رژیم وابسته شاه تعقیب مینمودند، نابودی رژیم سلطنتی و ماشین دولتی، سرنگونی سیستم سرمایه داری و وابسته به امپریالیسم و طبقه سرمایه دار را مستقرا و حاکمیت توده ها به رهبری طبقه کارگر بود. نیروهای دمکرات خواهان سرنگونی رژیم شاه و استقرار دمکراسی خرد بورژوازی بودند و با لایحه چریکی مانند خمینی طرفدار خرد بورژوازی مرفه سنتی بوده، متمایل به سازش با بورژوازی متوسط و در مبارزه علیه رژیم سرمایه داری وابسته، شدیداً تا پیگیر بود. مخالفت این نیرو با خصوصاً در فدیت با شاه و سلطنت تبار زمیندار، این نیرو و مخالفان با ارتش را تبلیغ میکرد و مخالف قهر مسلحانه توده ها بود. این نیرو در مقطع قیام به سازش با نمایندگان بورژوازی متوسط و امپریالیسم دست زده و با اردوگاه ضد انقلاب می پیوستند.

بیردا زند، در زمان شاه شاهان زمانی که جنبش به قیام نزدیک میشد امپریالیستهای آمریکائی و کمپرا دورها عقب نشینی نموده و در مسدد بودند تا با سهیم کردن لیبرالها در قسدرت جنبش را بخوابانند. اما با قدرت جنبش بحسدی بالا بود که این طرح توطئه گرانگیزی گردید بدینا ل آن زمانی که فدا شدند و شاه و سلطنت لازم گردید این فدا شدند و اختلافهای جدید طبقه ای مطرح شد، این با خرده بورژوازی مرفه سنتی در اختلاف با سرمایه داران متوسط، کمپرا دورها و امپریالیسم گرفتار، این اختلاف بود که توانست قیام را در نیمه راه متوقف سازد اما شین دولتی را از نابودی نجات دهد و از سقوط سیستم سرمایه داری و وابسته و سرنگونی طبقه سرمایه دار جلوگیری نماید. بنا بر این طبقه کارگر باید ایدئولوژیست شینی های این جنبش فقط با حفظ سلطه سرمایه و دستگاه حکومتی است و هیچ وجه نمیتواند خدتی گامی در راههای طبقه کارگر و زحمتکشان باشد، بعنوان نمونه هیچ بعید نخواهد بود که در آینده زمانی که جنبش توده ها علیه رژیم جمهوری اسلامی به اوج خود برسد، رژیم حاکم به چنین اختلافاتی دست نزند، شرکت دادن رویزیونیستها یا خدتی مانند حزب توده و یا فدائیان اکثریت و یا شرکت دادن نیروهای ناپیگیری مانند مجاهدین احتمالاتی است که باید ایدئولوژیستها طبقه کارگر را آنگاه به نیروی خود و وحدت مبارزاتی با دیگر اقشار زحمتکش با ایدئوسوی تصرف قدرت به پیش رود، و با پدیدار شدن سلطه سرمایه به حاکمیت کارگران و دیگر توده های ستم دیده حرکت کند.

سومین دورس - علی انقلاب با ایدئولوژی دولتی را با آنگاه به قهر توده های نابود ساخت، دولت بورژوازی با تمام ابزارهای سرکوبگری مدافع طبقه سرمایه دار بوده و هر سرکوب انقلاب توده ها است. در هنگام انقلاب توده های مسلح باید تمام اقوال این ماشین جهنمی را

نابود سازد. اگر این ماشین باقی بماند، بطور حتم ستمگران با توسل به آن در لحظه مناسب خواهد کوشید تا به جنبش و انقلاب آنها چمبریند. در زمان قیام "رهبران" آشکار بطور مستمر و مداوم سازش با ارتش دست پرورده امپریالیسم در میان توده ها تبلیغ می نمودند و با لایحه شتند تا توقف قیام این ماشین فریت خورده را نجات بخشند و امروز می بینیم که چگونه همین ارتش در کربلاستان قتل عام میکند. بیرواضح است که در زمان اوج کسری جنبش توده ها در پاره های ارتش یعنی سربازان شدت تزلزل بوجود آمده و چه بسا سربازان بسیاری متمایل به جنبش میشوند. کومنیستها با ایدئولوژی سربازان را به سمت انقلاب کشیده و صفوف دشمن را شدیداً متزلزل نمایند، رویزیونیستها برای سازش طبقه ای خود تمایل سربازان را به ایدئولوژی میگویند تا بدلیل ارتش به قهر مسلحانه دست زند، آنها عملاً ماهیت طبقه ای ماشین سرکوب را پوشانده و میکوشند تا آنرا از زیر ضربات انقلاب محفوظ نگه دارند. حال آنکه کومنیستها خواهان نابودی ارتش بوده و به همین خاطر حملات نظامی توده ها را علیه ماشین دولتی متمرکز میسازند. اما روشن است که این امر معنای نفی کارمندان و مردود ارتش و جلب سربازان به انقلاب نخواهد بود و سازش روشن است که فقط زمانی که انقلاب به تعارض خود علیه ارتش دست میزند و فرما ندهد آن مزدور ددمنش خود را به نمایی غریب نگذاشته و نه تنها دستور کشتار توده ها را میدهند بلکه خفگان را در درون ارتش نیز تشدید مینمایند. آری در چنین شرایطی است که تزلزل در صفوف ارتش گسترش مییابد. در همین رابطه است که لنین سازش طلبان و اپورتونیستها را که به زنی لزوم قهر انقلابی علیه ارتش میبپردازد خفت را افشا کرده و میگوید: "ما باید با طبل و شیور لزوم تعرض متهورانه و حمله سلاح بدست را که ضمن آن باید تمام مداران را نابود ساخت و

برای جلب افراد متزلزل ارتش دست بسا مبارزهای کاملاً جدی زد، اعلام داریم" (در سهای قیام مسکو). آری باید دستگا هدولتی را در زیر ضربات مسلحانه جنبش توده ای نابود ساخت و قدرت نوین کارگران و زحمتکشان را برپا داشت. آری انقلاب از نابودی دستگا هدولتی کهنه و واژگونی طبقه سرمایه دار میگذرد و پرواضح است که این نابودی فقط به آنگاه قهر مسلحانه توده ای قابل تحقق است.

چهارمین دورس - انقلاب قیام را با ایدئولوژی تدارک دید. قیام بهمن بدون تدارک قبلی بناگهان منفجر شد، البته این قیام نتیجه اوج گیری مبارزات نبود، لیکن لحظه انفجار را کسی نمیدانست، اعتماداً به نظرات و شکل قیام می شتافت اما در همین دوره طبقه کارگر و توده ها از آمادگی متشکل و لازم برخوردار نبودند. وقتی که انفجار ربوقوع پیوست عمل انقلابی و مستقیم توده ها فرسنگها از زحمتکشان انقلابی جلو تر بود. اما زمان ندهی متنا سب وجود داشت. کارگران و توده ها که طی مبارزه طبقه ای و در سرتیروان انقلابی بیدار شده بودند و از خود عملیات متهورانه ای نشان میدادند! از آن گذشتگی تمام مفاصل به سبب با دشمن میرفتند. نیروی تا ریبها و خارق العاده کارگران و توده ها به حرکت درآمده بود و آنها بزرگترین و جدیدترین ابتکارها را انقلابی را بکار می بستند، اما علیه غم تمام قهرمانی های عظیم، کارگران و زحمتکشان فاقد دورنمای روشن فاقد تشکیلات متنا سب و فاقد سازماندهی نظامی خود بودند، آنها در مبارزه انقلابی خودشان میدادند که توده ها واقعاً تا ریبها شتند و قهرمانان چریک علیه غم تمام مفاصل نشانی ها هرگز نمیتوانست قدرت لایزال بیافرینند که حکومت را شکست دهد. اما در زمان قیام این قدرت عظیم توده ای طفانی را بوجود آورده بود که در سرتیروان شده ای به پیش نمیرفت، بنا بر این باید از قبل بطور همه جانبه ای انقلاب را تدارک دید بدون کار ردا رگاتی ترویجی، تبلیغی، تشکیلاتی و نظامی انقلاب و قیام نمیتواند به پیروزی برسد.

پنجمین دورس - قیام فاقد رهبری طبقه کارگر بود. کومنیستها به سبب انحرافات خود (مشی چریکی و کونومیس) وضع خودتوانسته بودند در رابطه محکمی با طبقه کارگر برقرار نموده و آن را بر اساس یک برنامه و خط مشی پرولتری و با آنگاه به یک شکل قدرتمند به راه جنبش توده ها تبدیل نمایند. به همین خاطر طبقه کارگر در زمان قیام نتوانست بر اساس جنبش قرار گرفته و پیروز مندان آنرا هدایت نماید. طبقه کارگر فاقد ایدئولوژی مارکسیستی-لنینیستی بود و عملاً علیه غم تمام قهرمانی های خود به دنیا له رو خورده و بورژوازی و بورژوازی تبدیل گردید. فقدان رهبری پرولتاریائی اساسی ترین عاملی بود که مانع از آن شد تا قیام به پیروزی خود دست یابد. کومنیستها با بد مفوف طبقه ای را متنا بیز نموده و اشتراک منافع طبقات دمکرات با پرولتاریا را مشخص ساخته و نقش تاریخی پرولتاریا را برجسته سازند و نشان دهند که طبقه کارگر پیگیرترین طبقه اجتماعی بوده و از آنجا که برای پیروزی سوسیالیسم و برقراری کومنیسم بیچنگند و زنجیر ما لکیت خصمی بر دست و پای آن سنگینی نمیکند، مدافع واضح ترین دمکراسی میباشند.

آری طبقه کارگر از قیام میا موزد و خود را برای انقلاب پر شکوه فردا آماده میکند، انقلابی که برای رسیدن به سوسیالیسم مری ضروری است.



جنبش دهقانی



جنایت تازه مالکین در روستای گلپرد

با ردیگر در گوشه ای دیگر از روستا های این منطقه جنایت تازه ای توسط مالکین صورت میگیرد. دیوکی زن زحمتکش روستائی قربانی این جنایت وحشیانه میگردد.

روز دوشنبه ۲۹/۱۰/۵۹ داداشی زمیندار بزرگ روستای گلپرد که مرد بسیار رمنفوسوری است (ما حب دهها میلیون تومان ثروتی است که حاصل دسترنج و شیر جان دهقانان زحمتکش این منطقه است) با بسیج دهها چماق دار به دهقانان مبارزان روستا یورش برده و شروع به زد و خورد میکند که در حین درگیری فرزند یکی از دهقانان مرفه این روستا بنام شعبان - کوچکی که به حمایت از داداشی در این درگیری شرکت کرده بود یکی از شیرزنان روستای را با دستهای خود خفه میکند و به این ترتیب صفحه ای دیگر بر پرده های تاریک مظلور کشیده میشود.

روستای گلپرد از قضا متاکنون عرصه مبارزه دهقانان کمزین و بی زمین علیه داداشی و ایا دی مزدور و آلوده است که در این گیرودار دهقانان مرفه نیز به حمایت از

آن را در اینجا میاریم:

"زحمتکشان مورکی، بهلوی، تل سیاه و بیبیشه، صدها سال است که تباکان شما زیر بار ظلم و ستم خوانین بوده اند و شما خود کس این ظلم و ستم را پوست و گوشت خود کس کرده اید. کمتر کسی در مملکتی هست که دهها خاطرهای زینت با تخوانین نداشته باشد. با سرنگونی رژیم شاه جلا دگشا ورزان امید داشتند که این وضع تغییر کرده و زمینهای خوانین را به آنها واگذار کنند. اکنون دوسال میگذرد، ولی می بینیم حکومت جمهوری اسلامی نه تنها قدمی در این جهت برنداشته بلکه هر موقع که دهقانان را برای تصرف زمینهای ما لکن بزرگ اقدام نموده اند، دولت در مقابل آنها ایستاده است.

زحمتکشان منطقه را ویدما هوری زمینهای خوانین مال خود شاست، سالهاست روی آن

پیروزی باد مبارزات دهقانان ممسنی

و "بهلو" پس از تشکیل شورا های دهقانی، خود شروع به تقسیم زمینهای فریدون خان جاویدی نمودند. اکنون اهالی "مورکی" و "بهلو" که پیش از تشکیل شورا با بعلت تحریک خانها با هم مخالف بودند، کاملاً متحد بوده و از همدیگر پشتیبانی میکنند. اقدامات انقلابی روستایان با توطئه ها و تحریکات جهاد و هیئت هفت نفره با مصلح و گذاری زمین مواجه شد. ابتدا نگونه که هیئت هفت نفره خامسی فتودا لها در مقابل اقدامات روستایان میگفتند: "کشت زمین بوسیله مردم غیر فانونی است و زمینها باید بوسیله جهاد دبه زیر کشت بروند" دهقانان مبارز متحده با این توطئه شدیداً مخالفت کردند و جهاد دبه ها کذا می نیز ضمن تهدید به سرکوب روستایان منطقه را ترک کردند.

اهالی روستای "تل سیاه" و "بیشه" نیز از کشت زمینهای امیر حسین خان و سیف الله جاویدی بوسیله آنها جلوگیری کردند و بدون اعتنا به حکم آیت الله ربانی تراکتور سیف الله را از زمینها بیرون انداختند. دهقانان مبارز و روستای اخیر در پیاسخ جهاد گفته بودند زمینها باید توسط جهاد دگشت شود گفته اند: "جهاد دبا پیدا ز روی جسم ما بگذرد تا زمینها را بکار د." اکنون اهالی "مورکی" و "تل سیاه" با هم در ارتباط بوده و قرار است که همزمان تقسیم زمینهای مصادره شده را شروع کنند.

در همین رابطه رفقای هوادار از زمان در ممسنی اعلامیه ای منتشر کرده اند که ماستی

شهرستان ممسنی منطقه ای دهقانی است منطقه "جاوید" ما هوری از جمله مناطق چهار گانه ممسنی است که بخش اعظم زمینهای حاصلخیز آن در دست چهار برادر فتودا له است. اما می فریدون خان، شاه پور خان، سیف الله خان و امیر حسین خان جاویدی میباشند. فتودا لهای مذکور برین خود توافق کرده اند که زمینهای منطقه شامل دهات "مورکی" "بهلو" "بیشه" "تل سیاه" "تل سیاه" "بیشه" "تل سیاه" و "تل سیاه" را به فریدون خان، زمینهای "پا رسیجان" به شاه پور، "تل سیاه" به سیف الله و زمینهای ده "بیشه" به امیر حسین خان تعلق داشته باشد. اهالی "تل سیاه" و "بیشه" بعلت نداشتن امکانات رفاهی دهات خود را ترک و در "مورکی" ساکن شده اند.

بعدها از قضا مزمختکشان دهات "مورکی" "بهلو"، "تل سیاه" و "بیشه" مبارزه خود بر ای تمام زمینهای خوانین را تشدید کردند آنها تراکتورهای خوانین را سنگباران کرده و از جا زده اند و ننگه خوانین زمینها را کشت کنند خوانین نیز در این میان بیگانه نشسته و در پناه حمایت رژیم جمهوری اسلامی به توطئه بر علیه دهقانان مبارز دست زدند. از جمله "سیف الله خان" جاویدی "حکمی از آیت الله ربانی شیرازی گرفت که بر طبق آن کسی حق تمام زمینهای خوانین را ندارد. اما اینکه کشا ورزان بخدا زبانه را جمع بی نتیجه به مقامات و ادارات دولتی نتیجه گرفتند که تنها با اتکا به نیروی خود و با اتکا به بیگانه ها میگردانند به حق خود برسد و به همین خاطر روز سوم و چهارم بهمن ۵۹ کشا ورزان "مورکی"

زندان مخفی در کارخانه چوکا (گیلان)

کارخانه چوکا دارای ۹۰ سادار مسلح است که ظاهراً وظیفه "حفاظت" از جنگل را دارند. این ساداران که با مخارج زیاد از حاصل دسترنج کارگران و زحمتکشان نگهداری میشوند جزاً از کارگران، دهقانان زحمتکش و سرکوب نیروهای انقلابی کار دیگری انجام نداده اند. اخیراً جنایت تازه ای با ساداران جهل و سرما به که توسط زحمتکشان چوکا افشا شده وجود یک زندان مخفی در چوکا است که انقلابیون مبارزان دستگیر و در این زندان شکنجه میکنند. در شرایط کنونی ۱۱ نفر از مبارزین منطقه در این شکنجه گانه اسیر ساداران مزدور هستند. اما زندانیان این سیاهال نیز بسیار دیگر مبارزین انقلابی در بند، بدستان برتوان توده های انقلابی از دغا هندگشت، با اوچگیری روز افزون جنبش توده ها، آن روز نزدیکتر میگردد.

بقیه از صفحه ۲ پاسداران ...

جلوگیری کنند، چکه پوشان رژیم جمهوری اسلامی نیز خواهند توانست! رژیم جمهوری با این جنایات فقط ما هیت ددمشنا نه خود را به توده های وسیعتری میبشاند و توده های بیشتری را به مبارزه علیه خود متما بل میسازد رژیم چاکمبا این پستی ها و جنایات گور خود را میکنند این تظاهرات یکبار دیگر نشان داد که همه بخش های ارتجاع حاکم از حزب جمهوری گرفته تا لیبرالها در سرکوب جنبش متحدی و یکدیگرند. و در این اتحاد مقدس خویش از حمایت مزدوران سوسیال امپریالیسم یعنی حزب توده و پشتیبانی فدائیان اکثریت خائن این نوکران حیره خوار بورژوازی نیز برخوردارند. اکثریتی های خائن طی اعلامیه ای این تظاهرات را "هرج و مرج" قلمداد کرده و ما زمان چریکهای فدائی (قلیت) را "آلت دست سرما به داران لیبرال" خواننده است.

با بد پرسید و قعا چه کسی نوکر سرما به -

داران میباشند؟ آیا این خود رویزیونیستهای اکثریتی توده ای نیستند که مشاطه گران جلادان جمهوری اسلامی هستند؟ آری کسانی آلت دست سرما به داران هستند که برای دولت سرما به داران هورا میکشند و دشمنی خود را با کمونیستها و انقلابیون و جنبش توده ای بارها به نمایش گذاشته اند، کسانی آلت دست سرما به داران میباشند که محل اختفای تظار هر کسندگانی را که پراکنده شده بودند به پاسداران جانی نشان میدهند و این کسان جز رویزیونیستها کس دیگری نیست.

در اینجا لازم به یادآوری است اگر چه ما از این راهیما می حمایت میکنیم و به همین لحاظ پیام همبستگی خود را برای رفقا رسال دادیم. اما ما به اقدامات دربرگزارای جشن ۲۲ بهمن بطور جداگانه انتقاد داشته و این اقدامات را یک حرکت سکتاریستی قلمداد می کنیم. امروز بیش از هر زمان دیگر ضرورت دارد تا طب کمونیستی در سطح جامعه مطرح گردد و در مناسبت ها شایع شود تا اگر در ۲۴ بهمن

داداشی علیه دهقانان کمزین و بی زمین دست به توطئه و سرکوب میزدند. در چند هفته اخیر که مبارزات دهقانی در روستا های منطقه اوج نوینی به خود گرفتار شده است دهقانان کمزین و بی زمین نیز که هنوز چشم امید به رژیم ارتجاعی و ضد خلقی جمهوری اسلامی دارند به دستا دستی انقلاب آمل و تهران و پا سگا هژاندا رمی شکایت میبرند و از تهاحق خود را میخواهند اما تجربه مجدداً آنها چیزی جز قوت قلب گرفتن مجدد برای مالکین در پی نداشته است. که به دنبال خود منجر به بسیج چاقو داران توسط داداشی و به شهادت رسیدن یکی از زنان زحمتکش روستا گردید. دهقانان مبارز گلپرد و سایر روستا ها میبایست از این تجربه ها بی بهره نمانند. این رژیم سر برد و دیگر چشم به بالا نداشته و به نیروی خود اتکا نداشته باشد. آنها میبایست اتحاد و همبستگی هر چه بیشتر شورا های واقعی خودشان را تشکیل دهند، و در جهت مصالح زمینهای مالکین برآیند، کمونیستها و سایر نیروهای انقلابی در این راه فعالانند از آنها پشتیبانی خواهند کرد.

کار کرده اید و خوانین دسترنجان را به غارت برده اند. اکنون نیز با نیروی زمینها کنار کیندولی پیدا جا زده میدخوانین حتمی بکدام نه محصول شما را ببرند، شما با پیدا میرو حمله به همه مردم منطقه توضیح دهید که خوان دشمن همه شما میباشند و بد برای مبارزه با خوان با هم متحد شوید، دولت سعی میکند از راههای گوناگون از جمله دادن وعده های تهدید به سرکوب شما را از زمین به خواسته ها بستاند با زدن، نه فریب و وعده را بخورید و نه از تهدید هراس بدل راه دهید. اگر شما متحدان باشید هیچ نیروی نمیتواند شما را از زمین به خواسته ها بستاند با زدن.

خوانین نا بودند، زحمتکشان پیروزند هواداران سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر - ممسنی ۱۳۵۹/۱۱/۱۱

خونین می با یست همبستگی کمونیستی را به نمایش گذشته و به ارتجاع و رویزیونیستها نشان داد که کمونیستها علیرغم اختلافات سیاسی - ایدئولوژیکشان منبت محکمی در برابر آنها هستند. اما رفقای فدائی به اقدامی سکتاریستی دست زده و عملاً همکاری با سار کمونیستها را در این مورد نفی کردند البته به نظر ما این اقدام جدا از انحرافات سیاسی ایدئولوژیک این رفقا بخصوص در بر خورد به رویزیونیسم و سوسیال امپریالیسم و مشی چریکی نیست. انحرافات که به طرز عریان در شاره های راهیما میباشند خود نشان میدهد. ما تحلیل خود را این انحرافات را به فرصت دیگری ماکول میکنیم.

توضیح:

در این شماره، به دلیل کثرت مطالب ویژه قضا مبهمن ماه، نتوانستیم برخی از ستونهای ثابت و مقالات دنیا لسه دار را بیاوریم. روال عادی وادامه مقالات از شماره ۹۴ دنبال خواهد شد.

کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

قیام

با من سازش کشیده شد
انگشتهای خشم
تا شه منتظر قیام مرا نشرد

هنگریدشان
نگریدشان
تا هلهله های آشتی نا پذیرشان

در کردیا دها

با صوف خونین شان
آ میخته به زیبا ترین فریاده

نگریدشان
بن خلق مسلح منست
بن خلق مسلح منست

نه ما جوایی طاقت
غریو قهر خویش را
شلیک می کند

بن خلق منست
نه میجوشد ز زرفنا ی روزهای مشقت
میجوشد از محله های بیبا خسته زحمت

میجوشد از لایه های پنهان "گودها"
میجوشد از لایلهای زنجیر کارخانه ها
میجوشد از عمق تشنه کشتزارها

می جوشد
می جوشد

ریش می آید
در امتداد لحظه های قیام

تا غرق کند
در تلاطم خون خویشش

با دگانهای عاجز دشمن را
زای در انتظار پیا ن این سرود

بر گذرگاه هموچاهی ملتبه می ایستیم
تا نوس فریادهای روشن خود را
در سواحل تیره می افروزیم

و با صدای متحد آبهای سراسری می آمیزیم
در انتظار پیا ن این سرود هر دم
در انتظار پیا ن این سرود هر با زدم

ما تکرار میکنیم
لحظه های شیر در

(ا سفند ۵۷)

نقش طبقات مختلف در قیام بهمن ماه

بمظور بررسی هر چه دقیقتر و روشنگرانه
قیام با شکوه خلق، و بمظور پی بردن به علل
روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی، منظور
افکندن به گونگی حرکت طبقات مختلف در
متن اعتلای انقلابی آغاز شده از سال ۵۶، و
بخصوص بررسی این حرکت در دوره شهریور تا
بهمن ۵۷ که موقعیت انقلابی برجسته حاکم
بود، با نژاد اهمیت بسیار میباشند، از اینرو در
این مختصر سعی میکنیم نقش هر یک از طبقات
جامعه را در این دوره و بخصوص در قیام بهمن ماه
با زگو کنیم.

۱- بورژوازی بزرگ (کمپرادور)

رژیم جنایتکار شاه، نماینده سیاسی این بخش
از بورژوازی ایران و کارگزار امپریالیسم
آمریکایی بود، این بورژوازی بعلت ضعف و
زبونیش در سرکوب جنبش توفنده توده ها موجب
بروز اختلاف نظر در میان جناحهای مختلف
درون خود و امپریالیستها، در مورد چگونگی
سرکوب انقلاب، گردیده بود. این امر بخصوص
بعدها از جگر گیری غیر قابل مفاومت جنبش
توده ای و حرکت خود بخودی توده ها بمنسبت
تسلیح خود، کار را به آنجا کشانده بخشی از
بورژوازی بزرگ و جناحی از امپریالیستها
خواهان عقب نشینی تاکتیکی و حتی کنار
گیری شاه شدند، و بخش دیگر گمانگان روی
سرکوب شدید تر و حفظ شاه را در ارد داشت،
اینکه فشار جنبش توده ای اراده خود را بر
امپریالیسم و دلاناش در داخل تحمیل نمود.
چرا که حفظ منافع حیاتی آنها در گرو چشم
پوشی از این دار دسته افشا شده در نزد توده
های انقلابی و روی کار آوردن عوام فریبانی
چون بختیار، قرا رداست، دولت بختیار رهم
بر نوا مه خود را از یکسو سرکوب جنبش انقلابی
شوا مپا عوا فریبیهای لیبرالی قرار داد و
از سوی دیگر کار آمدن با "رهبران" سازگار
جنبش را در دستور کار خود گذاشت.

در جریان قیام بیشترین ضربات بر بیکر
پوسیده این بخش از بورژوازی ایران وارد
گردید. بطوریکه نماینده سیاسی خود یعنی
رژیم شاه را از دست دادند.

۲- بورژوازی متوسط (لیبرال)

این بخش از بورژوازی ایران اگر چه بعلت تمرکز
قدرت در دست بورژوازی کمپرادور و تحت فشار
سیاسی و اقتصادی قرار داشت، ولی از آنجا
شیکه سود آوری و ریش تنها در چرخه رجب سرمایه داری
امکان پذیر است، مداخله سر سخت سیستم
سرمایه داری و بسته بوده و تنها خواهان
شریک شدن در قدرت سیاسی و چپاول هر چه
بیشتر توده ها بود، بورژوازی لیبرال که از
انقلاب توده ها به وحشت افتاده بود، بفکر سوار
شدن بر جنبش و متوقف کردن آن افتساد
سخنرانیهایی با زرگان، سنجایی، فروهر و...
که در آنها توده ها را از دست بردن به سلاح و

اعمال قهر انقلابی با زمیندا شدند، نشا نگر
این واقعیت بود. همچنین آنها اقدام به
ایفای رول واسطه ما بین خمینی از یکسو و
امپریالیسم بورژوازی کمپرادور از سوی
دیگر، نمودند که تمسهای با زرگان و سنجایی
با سران ارتش و حتی شاه، بهیانتگرایی امر
است.

ولی جلوه بارز آنش و خیانت بورژوازی
لیبرال را با ید در چهره کثیف بختیار رجب
نمود. او که از لیبرالهای "بنام" جنبه ملی
بود با احرار زبست نخست وزیر رژیم شاه
اوج گندیگی و عوام فریبی لیبرالها را
بنمایش گذاشت، او نشان داد که بد رستی هیچ
تفاوت ماهوی ما بین بورژوازی کمپرادور و
کارگزار امپریالیسم بورژوازی متوسط و
لیبرال وجود ندارد. علاوه بر این تشکیل
جمهوری اسلامی پس از قیام که حاصل سازش نا
- رهبرانی چون بهشتیها و با زرگانها بسا
امپریالیسم بود، با هیت ارتجاعی و گندیده
بورژوازی لیبرال را کاملاً آشکار نمود.

۳- خرده بورژوازی مرفه سینی

نقش این قشر عمدتاً بوسیله نماینده سیاسی
آن یعنی آیت الله خمینی بر حثه میشود خمینی که
بنا بر شرایط ویژه جامعه از یکسو و نبود قطب
نیرو مند انقلابی از سوی دیگر، بینشوان
"رهبری" جنبش از سوی توده ها پذیرفته شده
بود، بهیانت بر ما هیت طبقاتی خود در دوران قبل
از قیام منقشی متوازی ایفا نمود. او که از عمیق
شدن جنبش و حثت داشت. بدینسان توده ها (ونه
پیشاپیش آنها) لنگ لنگان روان بودند حتی
زمانیکه خلق شعار "رهبران ما را مسلح کنید"
را فریاد میکرد، خمینی صحبت از "زمان جهاد
نرسیده است" میکرد، زمانیکه توده ها در کوچه
و خیابان توسط ارتش آمریکا بی شاه کشتار
میشدند، خمینی شعار "ارتش برادر است" سر
- میداد. او زمانیکه بورژوازی لیبرال در
صداسا زبشا امپریالیسم بود، با تائید عملی
این مذاکرات و شرکت خود در ریکوی آن، سازش
را تائید کرد، و سرانجام زمانیکه خلف سبق
انقلابی با یکا بر بردن قهر خویش حماسه خونین
بهمن ماه را می آفرید، نماینده سیاسی خرده
- بورژوازی مرفه سنتی فرمان خلق سلاح
توده ها و توقف عملیات انقلابی توده ها را
صا در کرد.

آری، اینچنین بود که خرده بورژوازی مرفه
- سنتی در مقطع قیام متزلزلش به نفع ضد
انقلاب از بین رفت و تبدیل به نیروی ضد
انقلابی گردید.

۴- دهقانان

عقب ماندگی عظیم جنبش دهقانسی
و ضعف نیروهای آگاه موجهل گریه دیکه
در شرایطی که جنبش توده های شهری در حال
اوج گیری مداوم بود و جنگهای خیابانی بین

توده ها از یکطرف و ارتش رژیم شاه از سوی دیگر
با شدت روز افزون درگیر بود، دهقانان ایران
علیرغم کم کثیرا لعهه بودن در جنبش نقش فعالی
نداشتند با شدت و از بعد از قیام امپریالیسم
رژیم شاه بود که امواج انقلاب به روستاها نیز
رسید و مبارزات دهقانان با فئودالها و رژیم
جمهوری اسلامی را دامن زد.

۵- خرده بورژوازی شهری (فقیه، متوسط)

از آنجا شیکه سیستم سرمایه داری وابسته و
دیکتاتور رژیم شاه فشار زیادی را بر این
بخش از توده ها وارد میساخت و از آنجا شیکه
این بخش از توده ها بیشتر در معرض افشاگری
های آگاهها که نسبت به رژیم شاه بودند و در
ضمن از تمرکز نیز برخوردار بودند، و با لآخره
از آنجا شیکه طبقه کارگران ایران نتوانستند
بودن نقش بیشتنازی و رهبری خود را در جنبش
توده ها ایفا نمایند، بنا بر این خرده بورژوازی
شهری بیشترین و موثرترین نقش را در جریان
جنبش توده ای و نهایتاً قیام، به عهده داشت.
اجتماعات و راهیما نیهای میلیونی در شهر
- های بزرگ و شرکت فعال و همه جا نیه توده
های شهری در این مبارزات تگواها را از این
واقعیت میساخت.

۶- طبقه کارگر (پرولتاریا)

فقدان آگاهی کمونیستی و خود بخودی بودن
جنبش طبقه کارگر علیرغم وجود مبارزات قهرمانانه ای
چون اعتصاب صنعت نفت، از یکسو و جوانی و
ضعف شدید جنبش آگاه این طبقه (جنبش
کمونیستی)، از سوی دیگر موجب گردید تا طبقه
کارگر در مقطع قیام نتواند نقش تاریخی خود
را در رهبری مبارزات دمکراتیک و فدا میباید
لیستی خلق ایفا نماید.
زمانیکه توده های شهری در خیابانها
حول زدهای سیاسی به مبارزه قهر آمیز با
رژیم دست زده بودند، کارگران زیادی تازه
مشغول انجام مبارزات اقتصادی خویش
بودند و جنبش کمونیستی که وظیفه اش پیوند
دادن مبارزات کارگری به جنبش سیاسی
توده ها و شرکت دادن این طبقه در قیام آگاه
کردن طبقه کارگر به وظایف تاریخی اش بود،
خود هنوز پاره ها نشده از حصارهای تنگ مشی
خرده بورژوازی چریکی، در کمند اگونومیسم
کرفتا رده بود و هیاکما کان در اندیشه های
نشی چریکی در بند بود. بدین لحاظ در زمان
قیام تاریخی بهمن ماه طبقه کارگر فاقد صف
مستقل بود و اگر چه جایزیهایی بسیاری انجام
داد و با شرکت خود در مبارزات آنرا تعمیق
بخشید، اما به سبب فقدان سازماندهی و فقدان
آگاهی کمونیستی نتوانست مهر خود را بر
جنبش توده ای بکوبد و بنا گزیر بدینسان
خرده بورژوازی و بورژوازی روان گردید.

و اینست که آنان دوباره میرویند
از میان خشم توده ها به بورژوازی
و آنان مدام در راه و در کار رند
بهر انرا انقلاب

اما قادر به خلق عشق و فرادایمان
نخواهد بود
اوشمی تواندا انقلاب را سکند،
پس یگذا هر چه میخواد،
چون گرگ کله
رفیقا نما را با کینه پست سرمایه داریش
پنهان از چشمها

(۱) - منافقانه عکس از رفیق فعلا در دست
ندا شتیم.

برنابید
 زیرا که رفیقانمان معمول آشتی ناپذیری طبقاتند

بقیه از صفحه ۲۲ گرامی باد...

با زمان در میان معلمین و دانش آموزان...
بی نهایت کوشا بود.
۱۵ ماه پیش بعنوان عضو سازمان پیکار
مسئولیتهای جدیدی را پذیرا شد و یکماه پس
از جنگ و با آوار شدن کارگران و زحمتکشان
برای امداد انجام وظایف و فعالیت در میان
آوارگان به ما هشرام عزام گردید و همچنان با
فلسی آکنده از عشق به زحمتکشان و سرشار از
گیه و بغرت به دشمنان خلق به مبارزه ادامه
داد. رفیق محمود به عنوان یک کمونیست
بسیار ریبیکرو منظم بود.

پس از دستگیری در ۶/۱۰/۵۹، در زندان
نیز لحظه ای از مبارزه با زنا بیستادو دشمن
جلانیز دشمن سر سخت خود را شناخت و او را کینه
- تورا نه به جوخه اعدام سپرد. بهادش کرامتی
و راهن پیروز با دل!

در پایان شعری را که یکی از رفقا سروده
است میا وریم:

بیاد رفیق محمود صمدی

انقلاب در راه است، رفقا!
چگونه بکویم،
که از رجوع کودن تر، هوموست،

که بزدلانه و حقیر
با خمشی دیوانهوار از راه اس مرگ
و با کینه یک سرمایه دار تمام عیار
رفیقا نما را میدزد!
و آنان را در میادین
وصاری دور از چشم
سوراخ، سوراخ میکند
رجوع رفیقانمان را از ما میگردد
آری!

بقیه از صفحه ۱

قیام خونین ۲۲ بهمن آتششان خشم یک خلق پیا خاسته!

اوجگیری جنبش توده مردم در سال ۵۷ - ۵۶
داده شده حدت یابی تضادهای طبقاتی
ی جامعه تا حدی انفجار بود. تضادهای که
در جامعه سلطانی در از وطن فروشیهای رژیم
اثن و تسلط کامل امپریالیسم و
استعمار روبه رگی بی حد و حصر و حتمتکشان بر
روی هم انباشت شده و وضعیت اقتصادی جامعه
ما را در فقرای یک بحران، همه جا نیه فرس و
برده بود. بحران مسکن تنها یکی از جلوه های
این بحران است که گریزناپذیر بود، اما یکی
از بارزترین و ملموسترین جلوه های آن، در
حقیقت بحران مسکن را به یکی از اشتهای -
ترین نیازهای مردم تبدیل کرده بود.
این چنین بود که در او خرابستان ۵۶
خاکه نشینان "خارج از محدوده" برسوم مسئله
مسکن بحرکت در آمده و سرآغاز جنبش عظیمی
شدند که قریب یکسال و نیم بعد از آن بساط
ننگین رژیم و سلطنت را به زباله دان تاریخ
فرستاد.

در پی آمد همین مبارزات دلیرانه
مردم خارج از محدوده بود که آتش قیامهای
توده های در قوس در تبریز و متعاقب آن در
۱۲ شهر بزرگ ایران را فروخته شد.
شهریور ۱۳۵۷ فرا میزد، جنبش دیگر
سرتا سری شده است. وضعیت انقلابی سریعاً در
حال تکوین می باشد. در بالا در صف ارتجاع
حاکم کا بینه ها در حال تغییر هستند. مهره -
های ارتجاع در مجلسین و خارج آن سخت در هم
آشفته و در مقابل هم قرار میگیرند. ارتش
شا هنشاهی، این گزند امپریالیسم نیز به
اقتضای پوسیدگی درونیش در حال شکاف بر-
داشتن است. توده های مردم دیگر حاضر
نیستند رژیم سلطنت را تحمل کنند و به تدریج
مصمم میگردند که سلطه جا بر شاه کاملاً بر-
انداخته و بنیای زندگی نوین را پی ریزند.
نیجی از شهریور ما گذشته بود، خون در
رگ خلق میجوشید. در روزها نرده توده های
خلق نظا هرات عظیمی در تهران برگزار نمودند
در این روزها ران هزار نفر از خلق زحمتکش
در خیابانهای تهران اراده آهنین خود را
برای تغییر سیستم موجود، به معرض نمایش
گذا شتند. نظا هرات ۱۶ شهریور آنچنان بر سر
هیبت و طلایب بود، آن چنان نما یبگرا راد ه
پولادین خلق بود که تا اعماق استخوان لزره
براندا م رژیم افتاد و تنها دستگا ههای سر-
کوبگر خویش از ارتش و پلیس و سا وا ک گرفته تا

بوروکراسی عریض و طویل را بشدیدترین و
فعلاترین وجهی بکار انداخت.
مردم در عمر ۱۶ شهریور با این شعار
خبا با نهارا ترک کردند:
فردا صبح ۸ صبح، میدان ژاله (شهدا)
در ۱۷ شهریور، پس از گذشت یکسال
مبارزه و مقاومت لاینقطع جنبش در نخستین
مرحله خویش به نقطه اوج رسید. از صبح زود
حتی ساعتها قبل از ساعت ۸ توده های مردم
فوج فوج به میدان شهدا سرا زیر میشدند.
در آن روز خلقی عظیم، با عزمی پولادین،
گامی بزرگ در جهت نبرد نهائی بر میدارد،
زیرا که میدان:
روز قطعی جدال است
آخرین رزم ما
.....

در مقابل صف خلق، ارتش فذ خلقی، این
عمده ترین تکیه گاه نظامی، این گزند
امپریالیسم که "بفرموده خمینی
برادرما ست" آن روز در ۱۷ شهریور بفرموده
شاه جلاد هزاران نفر از فرزندان این خلق
غیور را بگلوله بست و خون سرخشان بر سنگفرین
کچو خویا با ن جاری شد.
۱۷ شهریور ۵۷ تنها از این جهت که خلق
زحمتکش در این روز قهرمانانها کرد و بر سر
علی یورش برد و دشمن نیز مطابق با منطق
ارتجاعی خود خویشگری و چنان نت را بعدا علی
رسانید، در تاریخ مبارزات طبقاتی میهن
ما ثبت شده است، بلکه اهمیت این روز
تاریخی بیشتر به لحاظ درسیهای آموخته آن
می باشد، اهمیت این درسیها از آن جهت گرانقدر
است که حاصل تجربه مستقیم خلقی است که در
حساسترین لحظات حیاتی فادیک رهبری
مجرب و انقلابی بوده و تنها معلم و راهبر واقعا

از این پس صورت آشکار تر و با هویت روشن
و ادرعصره نبرد طبقا تی میشود، در این شراب
اگر چه کارگران دلاور ما فعلا نه در جنبش حاضر
دارند اما آنان هنوز به سوسیالیسم علمی بس
تنها ایدئولوژی رهائی بخش مسلح نشده اند
و به همین خاطر مبارزات آنها با ما در چار
جوب جنبش عام دمکراتیک مستحیل گردیده
است. از بعد از ۱۷ شهریور اعتصابات کارگری
همواره نقش بارزتری در تکامل جنبش پیدا
میکند. این مبارزات نشان میداد که طبقه
کارگری نیروی اصلی تعمیق کننده مبارزات
خلق است! اعتصاب قهرمانانه و عظیم نفت -
گران جنوب خون تازه ای بود در پیگری جنبش
کارگران نفت جنوب نشان دادند که:

"تمامی چرخهای ایستند" "اگر با زوان تو نخواهد"

البتا اینها هنوز هیچ کدام به مفهوم صف
مستقل کارگری محسوب نمی گردید. اما طبقه
کارگرنشان میدادند که در راه انقلاب پیروزمند
تا جقدر حاضران با زوان میباشند. طبقه



رژیم شاه مزد و در ۱۷ شهریور توده ها را به خون کشید. اما خون آنها قیام ۲۲ بهمن را شکوفا ساخت

کارگرا با قاطعیت و پیگیری خود به حرکت
مجموعه خلق توان و ولایت بیشتری میبخشید.
در این دوره است که جنبش بیش از پیش
را دیکال میشود. سرنگونی رژیم سلطنتی در
دستور کار توده ها قرار میگیرد. شعار "مرگ بر
این حکومت پهلوی" به رایج ترین شعار
تبدیل میشود. این شعار در واقع بیان تمامی
خواستهای یک خلق بود. توده های ستمدیده
با بیان این شعار با بودی سیستمی را مدنظر
داشتند که امپریالیستها و سرما به داران خون
- خوار آنرا را به ابرت در آورده بودند.
اگر چه به سبب ضعف عنصر آگاه توده ها نسبت به
اهداف انقلاب دیدگاه روشنی نداشتند اما
این شعار برای توده ها سمبول استقلال و
آزادی واقعی بود.

از بعد از ۱۷ شهریور را دیکالیسم و انقلابی
- گری بیش از پیش در بین کارگران و توده
های زحمتکش تقویت میشود. اما به همان اندازه
سازگاری و خیانت در میان دوستان دروغین
خلق یعنی بورژوازی لیبرال بیشتر جنبه
عملی بخود میگیرد.

رژیم فاشیستی شاه به فرمان اربابانش
در پنتاگون یک قدم در مقابل جنبش عظیم خلق
عقب نشسته بود و در اوائل شهریور کابینه
شریف امامی را تحت عنوان دروغین "آشتی
ملی" بر سر کار آورد. ترکیب این کابینه

آزمون ۱۷ شهریور به خلق آموخت که
قهرمسلحانه قانوعا خود شهن پذیر مبارزه
طبقا تی است. خلق ما محت این گفته ما رکس
را با ردیگر به شیوت رسانیدند که:

"اسلحه انتقاد، البته نمی تواند جا یگزین
انتقاد دوسویه اسلحه گردد."

آزمون ۱۷ شهریور به خلق آموخت که برای
رسیدن به آزادی و پیروزی از ستیها نباید
هراسید، مرگ را با پیدانقدر حقیر شمرد که
بزرگترین وحشیگریهای ارتجاع تنها خودوی
را به وحشت اندازد.

اینها همه درسیهای بود که خلق بسودن
آموخت و تجربه کردن آن در ۱۷ شهریور نمی-
توانست در ۲۲ بهمن آنها را بکار نیندازد.
درسیها و آموزشهای ۱۷ شهریور تا شجرات
مستقیم آن برجش توده ها آنقدر بر اهمیت
بود که از آن پس جنبش عملا وارد به مرحله
جدیدی از سیر تکاملی خود گردید. مرحله ای که
موقعیت انقلابی برای قیام مسلحانه، برای
انقلاب توده ای فرا رسیده بود. از آن پس
اوضاع شدیداً به نفع انقلاب تکامل یافت.

پیگیری طبقه کارگر و خیانت بورژوازی لیبرال

طبقه کارگران ایران این آشتی نا پذیر-
ترین دشمن امپریالیسم و ارتجاع داخلی



توده های انقلابی خود را برای ۱۷ شهریور مجهز می کنند

تجربه قیام ۲۲ بهمن، نشانگر ضرورت رهبری طبقه کارگر در مبارزات دمکراتیک - ضد امپریالیستی خلقهاست

میباست بورژوازی لیبرال و زروا نیون
وایسته مانند شریعتمداری و نمایندگان کمتر
آبرویا خسته بورژوازی کمیرا دوررا حول محور
سلطنت محدود شده، متحدسا خسته و خرده بورژوازی
سنستی را به سکوت تا شیدا میزیکشا نسند



زنده باد طبقه کارگرایان : کارگران صنعت نفت

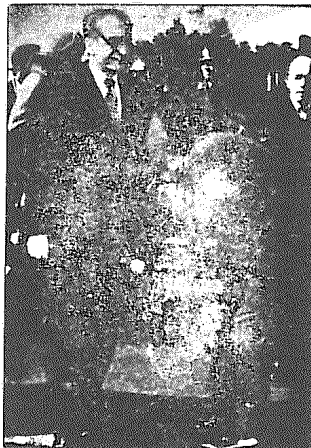
در جریان اعتصابات تاریخی خود، اعتصابات که رژیم شاه راضی کرد

بورژوازی لیبرال به اعتبار سرشت ارتجاعی اش
بلافاصله در مقابل این سازش خفت بار بنه
عشوگری پرداخت و دکترا کریم سنجابی در
مقابل دولت شریف اما می اعلام نمود:
"عجلتا از اظهار عقیده معذورم زیرا تا
برنا مه دولت جدید اعلام نشود نمیتوانم
اظهار خوش بینی کنم اظها ریدبینی..
اگر دولت بخواد هدما گره کند ما حاضریم.
در باره دولت گذشته نینمی توانم فعلا
نظری بدهم" (کیهان پنج شهریور ۵۷)

سازش امپریالیسم و لیبرالهای خائن

امپریالیسم امریکا از مدتها پیش برای
تصمیم گیری نهائی هیات بررسی "جرج پال"
را به ایران فرستاده بود. تمام بررسیها و
تحقیقات گروه جرج پال وایسته به جناح به
اصطلاح لیبرال امریکا و ازبایی ژنرال
هویرازارتنش ایران که طی اقامتش در ایران
صورت گرفت، بناظر برآن بود که حفظ سیستم
یک پارچگی ارتش با توجه به اجدودن شرایط
جزی کنار گذاشتن شاه و سیردن وظایف مربوطه
به شورای سلطنت، امکان پذیر نیست.
در کفران گوا دولوب که به منظور
بررسی وضعیت ایران و تصمیم گیری نهائی
با شرکت چها ر کشور امریکا، انگلیس، آلمان
و فرانسه تشکیل گردید، طرح جرج پال یعنی
کنار گذاشتن شاه و حمایت انزورای سلطنت و
دولت بختی را پذیرفته شد.

در ۲۶ دیماه، شاه این نتایج تریس
عمر سلطنت، این جلادی که ۳۷ سال دستش تا
مفرق به خون هزاران شهید قهرمان ۹ غنشته
بود، به برکت قهرمانی و مبارزات عسور
آفرین مردم زخمکش سینما از ایران فرار
کرد.



مبارزات توده ها شاه جنایتکار داد
پس از سالها خیانت فراری داد

روزنامه ها در درشتترین تیرنوشتند:
"شاه رفت" مردم پیاپی کوبان در همه جا فریاد
برآوردند: "جلاد در رفیت" مردم بزرگترین
دست آورد بیش از یکسال مبارزه خونبارشان
را با تمام وجود محس میگردند و به یکدیگر تبریک
میگفتند، با فرار شاه عملا عصاره تکلیت بار دو
هزاروپانصدساله یعنی سلطنت بدورانداخته
شد. واژگونی تخت شاهی قبل از هر چیزی
نتیجه آگاهی و عمل توده ها میبا شد و هما نظر
که ما رکن گفت:

"قدرت مادی با پیدیه همان صورت توسط
قدرت مادی درهم شکسته شود. ولی تئوری
همه به محض اینکه از طرف توده ها درک شد،
به نیروی مادی تبدیل میشود."

پس این قدرت وارد کرده کارگران و توده های
خلق بود که شاه را فراری داد و بساط سلطنتش
را برچید و نه قدرتی آسمانی!

اگرچه توده های مردم در این دوران علی
- العموم، مبارزات و دلاوریهای خود را در
تحت لوای مذهب انجام میدهند، اما درست بر
- خلاف عوام فریبیهای بورژوازی و خرده -
بورژوازی مذهب و انگیزه های مذهبی محرک
این مبارزات نمی باشد. اولاً این مذهب
نیست که چیزی برای عرضه کردن دارد، بلکه
این کارگران و توده ها هستند که به علت
فقدان آگاهی طبقاتی و دور افتادن از آید -
ولوژی سوسیالیستی و انقلابی از پوشش
ایدئولوژیک - فکری مذهب برای پیش برد
مبارزات خود استفاده میکنند و هر چه مبارزه
توده ها به لحاظ آخرین جدال نزدیکتر
میشود، این پوشش ایدئولوژیک - فکری
مذهب خود به سد مانعی در راه پیشرفت انقلاب
تبدیل میشود. مثلاً خمینی در حالیکه بر اساس
گرایش طبقاتی و تحت تاثیر قاطعیت
مبارزاتی توده ها از یک سو مجبور است خطاب
به شاه بگوید: "توبه تودر پیش مردم پذیرفته
نیست... ما نمی توانیم توبه تورا بپذیریم
توبه برگرمگ است." اما از سوی دیگر
تزلزل رویه افزایش یابد آلیسم مذهبی نبوی
حکم میکنند که بگوید: "البته اگر توبه حقیقی
بکنی و مال مردم را به دستشان برگردانی و
همه جنایات را جبران نمائی، ممکن است
خدا وند بزرگ توبه تورا بپذیرد، اما ملست
نمی پذیرد" (تلفخ خمینی در ۵۷/۲/۱۳)

آنجکه روحانیت خوانده میشود طیف ناس
همگونی است که افراد آن از نظر شیوه
رندگی، سطح درآمد، طرز تفکر و خواسته های
اجتماعی اشکاسی از اقشار و طبقات
مختلف جامعه میباشند. بائین ترین بخش
روحانیت باتوده خرده بورژوازی فقیر قابل قیاس
بوده و نیز منافع سایر اقشار اجتماع را تقبیل
خرده بورژوازی مرفه، بورژوازی متوسط و
بورژوازی بزرگ کمیرا دورد در طیف روحانیت
منعکس است. رهبری روحانیت همان مراجع
تقلید میباشند که به برکت دریافت سهم مام
کلان بیشتر با اقشار مرفه و بالائی جامعه
نزدیکی دارند. چنین طیف نامگونی، با
توجه به زمینه فکری - مذهبی در میان مردم،
خود را به مثابه تشکیلات اصلی جنبش برتوده -
ها تحمیل نموده بود.

همفقدان یک رهبری کمونیستی و هم
ریشه های هزاروچهارصدساله مذهب در اعتقاد
توده ها موجب آن گردید که جنبش توده ها به
رنگ مذهب درآید. عموماً آنجا که طبقه کارگرو
توده ها از آگاهی طبقاتی و ایدئولوژی
سوسیالیستی و انقلابی بدورباشند، مبارزات
حق طلبانه خود را در پوشش مذهب انجام می -
دهند. بنابراین نیروی محرکه جنبش توده ها
نه مذهب بلکه تضادهای طبقاتی است.
روحانیت قبل از قیام نقش پیشرو نداشت
روحانیت در تمام طول جنبش به اعتبار

نقش معنوی خود را اینکه مضمون حرکت توده -
ها در جهت انهدا مسیستم کام عمیق یا بدجلو -
گیری کرده و کوشید با خلاصه کردن مبارزات خلق
در مسئله شخصی شاه و سلطنت مبارزات توده ها
را در حد فرمودت به دست شدن قدرت محدود
نماید...

آنجا که توده ها قریباً دا سلحه و جنگ
مسلحانه نمیزدند خمینی میگفت وقت جهاد
ترسیده و مترقی ترین چهره روحانیت، آیت
الله طالقانی "سلاح مظلومیت" را برای
توده ها تجویز میکرد، آنجا که با اخره در ۲۲
بهمن توده ها سلحه برکف گرفته با زمین
آیت الله طالقانی آن را "حادثه ای که از
سوی برخی مسئولان جزء برای ایجا دا اختلاف
و برادر کشی در میان ارتش طرح ریزی شده

است" خوا ندو فرمان داد که "طرفین درگیری
دست از ستیزه بردارند و سربازان نه با بر -
گردند، (ا علامیه آیت... طالقانی ۲۲ بهمن)
کار دجوابان شاهنشاهی توده های مردم
همانرا ن دلیرا قتل عام میکنند، آیت الله
طالقانی آن را برادر کشی و اختلاف می -
نامد و مقصر هم مسئولان جزء - یعنی همانرا ن
میشوند و نه خسرو دا دبیدر اه ای و مثلاً هم.

در بحبوحه قیام که خلق تنها جش را مدتها
است آغاز کرده و پیاپی گاهای دشمن را یکی
پس از دیگری تسخیر میکند، آیت الله خمینی
در ۲۱ بهمن اعلامیه ما در می کند:

"هنوز دستورها دمقدس ندادهام و ونیز
ما یلتم ما لمت حفظ وقفا یا موافق
آرای ملت (درواق موافق ردهنده های بهشتی
وبا زرگان و هویر و) و موازین قانوسی
حل شود...

اخطار میکنم که اگر دست از این برادر کشی
برندارند و لشکر گارده محل خودش بر -
نگردند و از طرف مقامات ارتش از این
تعدیات جلوگیری نشود تصمیم آخرم را
بامید خدا میگیرم"

خلق مسلح بی اعتنا به این آشتی طلبی
- ها و سازشکاریها، حلقه محارمه گارد را
شکسته و در پی انهدا مگامل آنت است، اما خمینی
میگوید هنوز دستورها ندادهام و ملت من
بازرگان لشکر گارده می خواهد که به محل خودش
بازگردد.

احتیاج به توضیح نیست، خمینی مدافع
را دیگالیسم جنبش توده ها نیست، بلکه بسا
تزلزلات شدید خود به سازش بورژوازی لیبرال
و امپریالیسم فتواداده و توده ها را تنبیز به
متابعت از آن فرامیخواند.

سمت گیری اصلی خمینی درست انجام
معلوم میگردد که فرمان نخست وزیر
بازرگان رهبری قدرت سیاسی را به دست
بورژوازی میسپارد.

آری اینهاست معیار رفتار و در جنبشی
که طبقه کارگرنقش رهبری توده ها را ندارد،
در جنبشی که کمونیستها حضور فعال و هدا
کننده ندارند و رهبری وسازماندهی بدست
لیبرالهای مثل سنجابی و بازرگان افتاده
است، در جنبشی که رکیست - لنینیستها
به سبب ضعف خود نتوانسته اند که ناسکان هدا
آنرا به عهده بگیرند و افراد جدیداً متزلزلی
چون آیت الله خمینی دارای نفوذ گسترده ای
میباشند، آری در چنین شرایطی، جنبش نمی -
تواند به سرانجام پیروز مندش نائل آید.

* * *

توده‌ها فریاد میزدند؛ "رهبران ما را مسلح کنید، اما..."

۲۶ دیماه تا ۲۲ بهمن ماه در تاریخ کمترین آریکا ما است. اما سیر حوادث ایران در این مدت کوتاه بقدری بزرگ بود که شاید سیرتغییرات طی ده سال قابل قیاس باشد. در این مدت یعنی از فرار شاه تا سرنگونی تخت شاهی هم در صفت خلق و هم در صفت ارتجاع و قیام پیراهمی رخ داد.

کارگران، زحمتکشان و سایر اقشار رطلی پس از بیرون راندن شاه پیش از پیش بقدرت مبارزاتی خویش بی بردند و تا بودی کا مسلطت را طلب می نمودند توده های مردم بویژه کارگران و سایر زحمتکشان بطور عینی درازین - بردن سلطنت، تا بودی سرما به داری وابسته و سلطه امپریالیسم را جستجو میکردند. شعار "پیروزی نهائی - اخراج آمریکا" "بیش - از بیش" شعار را بیج تبدیل میشود. اگر چه که این شعار از نظر مضمون هژورکا مل نیست و خواسته های مشترک حداقل کارگران و سایر زحمتکشان و اقشار رطلی را منکس نمیکند، اما نشانه توده ها است که خلق با به اخراج شاه به تنهایی رضای نخواهد داد. طبقه کارگر و توده ها - ها در دست برخلاف "رهبران" "پهپیج" روی خواهان توقف در نیمه راه انبندند. طبقه کارگر و توده ها تا میخواسند، ممکن میخواسند آزادی و دمکراسی و استقلال میخواسند، طبقه کارگر و توده ها بهداشت، تحصیل و آموزش وضعیت زندگی بهتر، تا مین کار و آلاسه توده ها یک زندگی بدون بیم و هراس، بسک زندگی امیدبخش و یک زندگی نوین میخواستند و برای این همه توده ها احتیاج به حاکمیت بر سر توده خویش داشتند. توده ها در این راه آما ده هرونج جانفشانی و قربانی و فدکاری بودند. توده ها پیش از پیش و تا حدی بصورت انعکاسی در مقابل سرکوب مسلحانه رژیم به ضرورت جنگ مسلحانه بنامه عالیترین شکل مبارزه پی میبردند. شعار "تنها راهی - جنگ مسلحانه" بهرا بجزترین شعارها تبدیل شده بود. جنبش عظیم کارگران و سایر توده ها، محروم از ستاد رهبری کشته انقلابی یعنی حزب راستین طبقه کارگر، همچنان با کامیابی استوار به پیش میرفت.

از اول بهمن ما جنبش با زهم اوچ فزون - تری گرفت. توده ها دیگر کاملاً در حال تعارض بودند. در مقابل دولت بختیاردست به سرکوب وحشیانه زد. در ۷ بهمن ماه تظاهرات شکل ماریش بخود گرفت. در ۸ بهمن ماه در حالی - که شاه رهبران در گوش خلق موعظه میکردند: "ارتش برای درماست" و "وقتوا میدادند: انتظار از عموم مردم مسلمان ایران آنست که نسبت به عموم کسان که در ارتش خدمت میکنند کمال مهربانی و محبت و برادری روا دارند... آنان را حق بیگردن ملت است" (آیت الله روحانی) ارتش بدستور بختیارد بر روی تظاهرات کتند - گان آتش گشود و تنها در جلود آنگاه بنا بر نوشته اطلاعات ۵۷/۱۱/۹: "اقدامات خشونت - با رنظامیان مستقر در ستاد در زاندارمری ۷۰ کشته و ۵۰ مجروح برجای نهاد."

توده ها دیگر کاملاً آما ده قیام شده بودند و در همه جا فریاد میزدند: "رهبران، رهبران ما را مسلح کنید" اما رهبران نا رهبریش از آنکه بفکسر مسلح کردن توده ها باشند، در فکر انجام هر چه سریعتر سازش تاریخی خود با امپریالیسم بودند. حتی رهبری خرده بورژوازی مرفه - سنتی هم که بر سر برخی مواقع مثل مسئله سلطنت تا حد معینی قاطعیت از خود نشان

دا ده بود، اینک با تپیدهای توخالی از قبیل "حرف آخر" و "همین روز" و "هنوز فرمان جبهه نداد" و "بم" عملاً بصورت سدوماغی در مقابل او کجکیری جنبش توده ها قرار گرفته بود و به جا ده صاف کن قدرت یابی بورژوازی لیبرال ارتجاعی تبدیل شده بود.

بود، بلکه بعداً زقیما هم با کاردا رسفاسارت آمریکا مدا و ما نشست و برخاست داشته است. بالاخره ژنرال هویز در اسرع وقت هم سران ارتش و هم سران بورژوا لیبرال جنبش را بر روی یک خط انتقال مسا لمت آمیز قدرت متحد مینماید. ۱۷۰ بهمن ما خمینی فتسوا ی



ببینید چگونه ارتش مزد ور شاهنشاهی بسوی خلق ماشلیک میکند! اما در همین زمان آیت الله خمینی می گفت: "ارتش برادر ما است!"

بعد از فرار شاه در ۲۶ دیماه در اردوگاه دشمن اصلی شکاف با زهم عمیقتر میگردد. در مملکت داری بدست لیبرال خائنی بنام شاه پور بختیارد می افتد. ارتش این تکیه گاه اصلی حکومت آشکارا به دو جناح تقسیم میگردد. جناح سر سخت طرفدار حفظ سلطنت که از یکسال سربست کوسید ارتجاع هنوز عبرت نگرفته بود و جناحی که آما ده محیات را در گروسا زش امتیاز دان و قربانی کردن سلطنت میدید. فاشیستهای منفوری چون خسرو دادو نشاط و بدره ای و جعفری و عربده میکشیدند که "وظیفه ما فقط حفظ تاج و تخت است" در مقابل، قره - با غی این سک دیروزی شاه که در کا بینه شریفامی و از هاری نقش بسیار مهمی در کشتار خلق داشت، اینک در مقابل ستاد قرار گرفته و موظف است که بعنوان خر میسرده انتقال مسا لمت آمیز قدرت ادای وظیفه نماید. قره با غی به جناح دیگر نهیب میزند که "کودتا در ارتش با قدرت سرکوب خواهد شد."

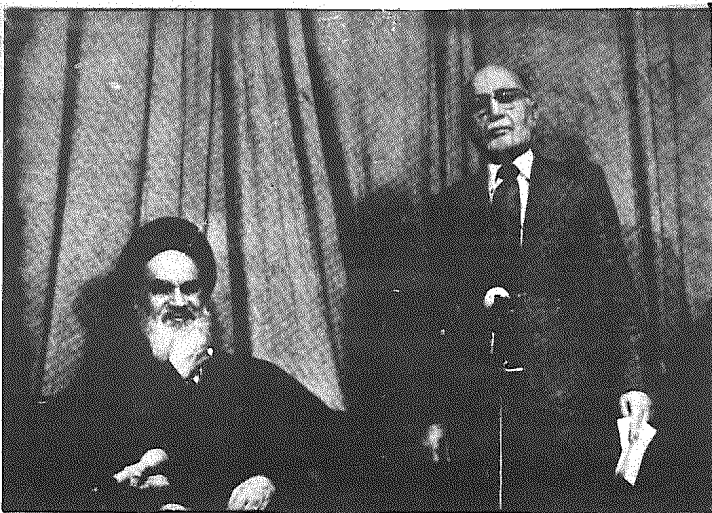
در همین زمان است که ژنرال هویز برای جلوگیری از تشنج و درگیری بین این جناحها اعمالی از قبیل کودتا که امپریالیسم آمریکا را وارد در جنگی بنامه بده که موجب تشدید مبارزه طبقاتی گردیده، ایران میآید. دولت بختیارد ژنرال هویز، قره با غی ها، شریعتمداری ها سنجایی ها، با زرگانها، بهشتی ها، فرستجانی - ها و سپس پس از زور و خمینی، بنی مزدور دیگر همرا هان با تمام نیرو و تلاش دارنده هر چه سریعتر جنبش عظیم توده های محروم و پابره نه را در مسلح سازش و تقسیم غنا کم قربانی کنند "سران" جنبش و سران ضد جنبش مرتب در حال مذاکره و جاره جوشی هستند. بختیارد خا ش با رها اعلام نمود که با مهندس با زرگان در حال مذاکره و مشاوره بوده و در اکثر موارد زدنیز اتفاق نظر بوده است. با زرگان هم هیچ گاه بیسن اظهارات بختیارد را تکذیب نکرد. با توافق خمینی بهشتی، ایس سر کرده با نندبیکاران حزب جمهوری ورثیس کنونی دیوان عالی کشور نیز با ژنرال هویز را این کار جا کن پنتاگون بر سر مالح جنبش و مناقع خلق به زد و بند سپردا خت و تطبیق اسنادی که اینک از جاسوخانه آمریکا بدست آمده بهشتی نه تنها در آن زمان برای متوقف کردن جنبش با هویز زد و بند ی نمود و نه تنها اوکا نندید برای "شورای سلطنت"

فصدکوتا تدارد و فرماندهان آن "جرتی از ملت" میباشند.

ژنرال هویز قبلاً گفته بود: "وقتی که واشنگتن از حمایت شاه و یخچیا ر دست بردارد همه عدا و شها نسبت به آمریکا از میان خواهد رفت" و بر اساس این طرح سازش با لیبرالها را تحقق می بخشد و وعده آشتی از خمینی می - گیرد و سپس راهی پنتاگون میگردد. بدین - ترتیب بود که توطئه علیه جنبش دلیرانه خلق - های ایران طرح ریزی میشود و در شرا بسط فقدان حزب کمونیست ایران قیام مدر نیمه راه متوقف میگردد.

آری جنبش که استوار به پیش آمده بود و هزاران هزار رهبرید قهرمان در راه پیروزی آن فداکاری و جان نثاری نمودند تا پرچم سرخ آیرا پیروز مینماید نه برافرازند، با خیانت های بیشمار لیبرالها و سازش خرده بورژوازی مرفه سنتی نتوانست قیام را بسرا نجا مبرسانند.

البته علیرغم توطئه ها، خیانتها و سازشها جنبش به پیش روی خود ادامه داد. امپریالیسم لیبرالها و آیت الله خمینی نمی خواستند توده ها مسلح شوند و به تعرض انقلابی و مسلحانه دست بزنند، آنان نمی خواستند به ارتش شاهنشاهی و دیگر نهادهای سرکوب ضربه ای وارد آید، آنان میخواسند انتقال قسودت بطور مسا لمت آمیز به پیش رود، اما جنبش توفنده خلقهای ایران این محاسبه فدا انقلابی را بیزهم زد و بسوی قیام ۲۲ بهمن سنگینی نمود



دولت موقت که محصول بازرگانها، بهشتی ها و هویز آمریکائی بود تشکیل میشود

روزهای قیام بهمن و سقوط رژیم سلطنتی شاه خا ش

۱۹ بهمن ۵۷ فرا میرسد. موج تظاهرات تهران و بسیاری از شهرهای بزرگ را فرا گرفته است. بروحیه عصیان و شورش شما ملی خلق را در خود فرو برده است. همه چیز سرعت در حال تغییر است. مردم در همه جا سقوط دولت بختیارد، این توطئه جدید آمریکا را طلب میکنند. مردم تصمیم نهائی را گرفته اند. ترس از مرگ تمام ساجای خود را به استقبال از مرگ داده است. مہجرک بیش از هر چیز در ذهن توده ها حقیر شده است. توده ها خود را در یک قدمی پیروزی حس میکنند و برای رسیدن به آن اسلحه میخواسند.

"رهبران، رهبران، ما را مسلح کنید" در ذهن مردم جا بازمیکند. بدست آوردن اسلحه ستوالی که بر لبیان همگان نقش بسته بود، با

خمینی در بیا نیه ۱۷ دیماه خود میگویی: "مردم ایران به ارتش احتیاج دارند و به آن احترام میگذارند... ما به ارتش زبانه امرانی که درست عمل کرده اند احترام میگذاریم." آیت الله طالقانی نیز به تبعیت از جریان حاکم که انکاسی از ناپیکیری طبقاتی - اش بود میگویی: "تا بحال جلومردم را گرفته - ایم و به آنها گفته ایم با سلاح مظلومیت ضدا یشان را بگوش دنیا برسانند. مردم کشته دادند ولی یک گلوله بسوی ارتشی ها خالی نکردند."

لیبرالهای خائنی چون سنجایی گفته بود: "ارتش عنصر ملی ایران است و به این عنوان با بیدموردا احترام ملت ایران باشد." و بالاخره با زرگان خائنی نیز در پشتیبانی از ارتش آمریکا می مطرح ساخته بود: "پس از روشن شدن وقولها می که برای ارتش بویژه ارتشید قره با غی داده اند میتوان گفت که ارتش

افروخته شدن آن کافی است.

بورژوازی و خرده بورژوازی مرفه، اینک بزرگترین سدرای قیام شده اند و لذا توده های

فکر این سؤال مردم پنجاه و نه ساله (۱۹ بهمن ۵۷) خیا با آنها را ترک میگویند.



خلق ما کشته داد تا به پیروزی برسد، اما نارهربان با خیانت خود قیام را در نیمراه متوقف ساختند.

مردم در عین حمایت آنها در حرف، در عمل دیگر از پذیرش آنها تمرد نموده اند. غروب جمعه ۲۵ بهمن، همافران مبارز نیروی هوایی در مرکز آموزش "فرح آباد" دست زدن به نظاهرات در پادگان به جنبش

جمعه بیستم بهمن: دیگر طغیان، عصیان و روحیه قیام سرا بر وجود توده ها را فرا گرفته است. دیگر هیچ چیزی نمیتواند آنها را از حرکت جلوی بزند. آنان برای کسب آزادی و پیروزی مصمم اند.



پیام قیام بهمن: تنها به زور اسلحه می توان دشمن را شکست

می پیونده، گاردیها می مزدور بیدستور سرخت- ترین جناح ارتش یعنی خسرو دها و بدره ایها آمده کودتا شده اند و مرکز آموزش نیروی هوایی را محاصره کرده و جنگ آغاز میشود. جرقه روشن شده است و غرش رگبار مسلسلها اینک قیام قیام مسلحان را در می کند. صبح شنبه ۲۱ بهمن توده های جان بر- کف و انقلابیون مسلح بسوی محل درگیری همافران مبارز با گاردیها را زیر می شوند. قیام آغاز شده است. مردم در اطراف فرج آباد تفریها و تانکهای گاردیها را به آتش کشیدند. قیام مسلحان که در ۲۱ بهمن نخست دز ششقر تهران شروع شده بود، بلافاصله تمام تهران را فرا گرفت و گاردیها با دادن تلفات سنگینی شکست خوردند. خیا با آنها یکی پس از دیگری سربندی میشود. دشمن شکست خورده و سولی ما یوسانه از تلاش با زنا یستاده، نتواند دست به کودتا بزند. دشمن که انتظار چنین شکستی را نداشت، در اولین لحظات در ساعت ۲ بعد

"برخی زای داغ لعنت خورده دنیا ی قهر و بندگان... بر ما نبخشد فتح و شهادی خدا، نه شه، نه قهرمان با دست خود گیریم آزادی در پیکارهای بسی امان... روز قطعی جدال است آخرین رزم ما" توده های خلق و همدوش آنان کمونیستها و انقلابیون دیگر که ملا برای روز قطعی جدال آماده شده اند. در مقابل، نارهربان جنبش هنوز مکارانه سعی دارند توده های عاصی را مها رکنند و این آخرین رزم ما را با زهم عقب بیندازند. زیرا که آنان قول انتقال مسالمت آمیز قدرت را به هویر آمریکائی داده اند، اما خلق همچون انبیا روتی است که تنها یک جرقه بسرای

داری نمایند و از ساختمان ستا در فرسج محاصره کنند... نگذارند اخلالگران و بدخواهان یا بیخردان خسارت و مزاحمتی فراهم آورند.

با زرگان این لیبرال خائن قیاسا مسلحانه خلق را "خرا بکاری"، "آتش سوزی" و غیره میخواهند مردم مسلح و نیروهای انقلابی را "اخلالگرو" بدخواه "وسی حرد" معرفی می - نما بد. آری آقا ی زرگان با این سخنان رذیلتها خود را بت میکشند و با امرای ارتش آمریکا ئی بمراتب نزدیک تر است تا به توده مردمی که برای کسب آزادی، دمکراسی و استقلال سلاح بزرگ گرفته اند.

حجت الاسلام قدوسی که اینک بر تخت دا د- ستائی کل انقلاب نمیده است، در همان ساعات اولیه قیام رذیلتها میکشید تا مزدمار را زبش - روی و مسلح شدن با زدا رد و خطا به مردم می - گفت:

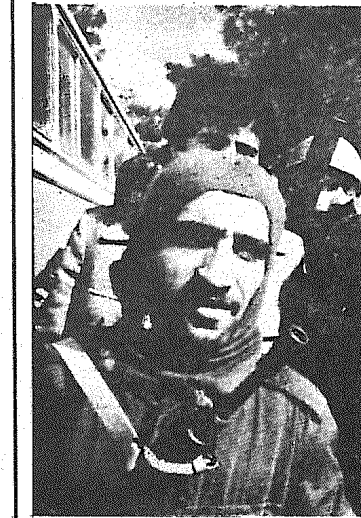
"با توجه به نزدیک شدن ساعت منع عبور - و مرور، بهترین است جمعیت متفرق شوند (اطلاعات ۲۱ بهمن)

آری در همان زمان که آتش قیام مسلحانه زبا نه میکشیدند نارهربان جنبش با تمام قوا میکشیدند تا آنرا خاموش سازند. آنان میکشیدند تا مردم مسلح را خلق نموده و پادگانها را از تعرض خلق در امان نگاهدارند تا توافق نارهربان، افرا دمزدوری چون سرهنگ شوکلی، خائنه و رذیلتها با تشکیل "ستاد عملیاتی انقلاب" جلوی درها ی پادگانها مردم را خلق سلاح میکرد و دکتتر - یزدی در حساسترین لحظات سولیان و دیگر کارگزاران سفارت آمریکا را از چنگ

از ظهر شنبه ۲۱ بهمن اعلام منع عبور و مرور از ساعت ۴/۵ بعد از ظهر را مینماید. اما خلق بی اعتنا به حکومت نظامی در مقابل هر - گونه احتمالی کودتا در این حساسترین لحظات کاملاً هوشیار است و با سنگربندی و ایجا د راهبندان در خیا با آنها هرگونه ابتکار عمل را از دست آنها خارج میکنند. توده ها تمام مشب را بیدار هستند و به مراکز دشمن حمله میکنند. سیه دم یکشنبه ۲۲ بهمن آزادی در حقیقت خلق میکشد، شما می پادگانها به محاصره خلق مسلح در می آید، پادگان عشرت آباد بدست پرتوان خلق فتح میشود، پادگان سلطنت - آباد، پادگانکده پلیس، زندان قصر کلانتریها مراکز ساواک و کمیته های مشترک، زندان اوین، رادیو تلویزیون و... یکی پس از دیگری بدست پرتوان خلق فتح میشود - پیروزی قیام دیگر که ملا مسلح نبود و سقوط رژیم ننگین سلطنتی واقعیت پیدا کرده بود. در ساعت ۹ صبح شورا یعلی ارتش تشکیل جلسه داده و در ساعت ۱۰/۵ اعلام "بیطرفی" می - کند.

نارهربان جنبش که کنترل اوضاع کاملاً از دستشان خارج شده بود، از تمرد خلق، از این همه جسارت و شهادت توده ها بیشتر می - ترسیدند تا از تانکهای لشکر کرمانشاه و قزوین که بدستور خسرو دودره ای آماده کودتا بودند. با زرگان در اولین نطق تلویزیونی خود قبل از آنکه بخواد هوکچترترین سخنی از این همه دلاوری خلق بر زبان آورد، در فکر نجات سران ارتش بوده و میگوید:

"امرای ارتش با کمال قدرت اعلام بیطرفی در امور سیاسی و پشتیبانی از تمام خواستهای ملت کردند و تویسماریا ست ستاد ارتش (قره باغی) در ملاقات حضور ی همکار ی خود را با دولت موقت اینجانب اظهار نمود. جا داردا ز کلبه آقا یسان افسران و سربازان نیز تکریم... از طرف دیگر به کلیه هموطنان عزیز و جوانان بر شور تومیه مینما بدهما نظور که امام خمینی ارتشیان را از ملت و ملت را از آنان دانسته اند، برادروار یسا افسران و سربازان رفتار نمایند و نه تنها از هرگونه حمله خرابکاری، آتش - سوزی، آزار، دخالت، تصرف نسبت بسه موسسات ارتش و نیروهای نظامی خود -



یدر روزهای قیام گروههای مسلح مردم به جاسوس خانه آمریکا هجوم می برند و "سولیان" جنایتکار را دستگیر میکنند. ما رژیم جمهوری اسلامی اورانجات می دهد.

پیکار دمکراتیک و ضد امپریالیستی خلقهای قهرمان ایران تا محو سلطه امپریالیسم و نابودی ارتجاع داخلی

ادامه دارد...

انقلابیون اسیر در زندان شیراز، به خلق گزارش میدهند:

در آستانه دومین سالگرد قیام خونین بهمن ماه در زندانهای رژیم جمهوری اسلامی چه میگردد؟

زندانیان سیاسی انقلابی زندان عادل آباد شیراز روز ۹ بهمن دست به اعتصاب غذای زده اند

۲ - در اعتراض به بستن دانشگاه، این سگر آزادی که خون بسیاری از عزیزترین فرزندان این مرزوبوم به دیوارهایش نقش بست و نخستین در اعتراض به تعطیل برخی مسدان و اخراج و دستگیری دانش آموزان و معلمین انقلابی

۱۴ - در اعتراض به کشتار خلق تهران کورده بهانه حاکم ایران و عراق .

۵ - در اعتراض به شکل و عملکرد هیئت بررسی مسئله شکنجه که هدفش لوذ کردن واقعیت شکنجه انقلابیون است و بهمین خاطر ما خود را "هیئت بررسی شایسته شکنجه گذاشته است" (لازمه تذکرات که ما در عین حال با جناح بنی صدر مرزبندی داشته و موضع ضد خلقی آنها را در برخورد به مسئله شکنجه محکوم میکنیم .)

۶ - در اعتراض به راهیابی های فرمایشی از قبیل راهیابی ۱۵ دیماه که توسط حزب جمهوری اسلامی انجام شد و در آن عده ای زندانیانی که نادی که عمدتاً مزدوران نگارند

زندانی بودند، را با عنوان زندانی سیاسی انقلابی به شهر برده و با دادن شعارهایی از قبیل "شایسته شکنجه در زندانها توسطه آمریکاست" و "زندانی و زندانبان با هم برابر هستند" که هدفشان فریب خلقهای ایران بوده است . و با داشتن خواسته های زیر که از حقوق طبیعی و اولیه زندانیانی سیاسی انقلابی میباشد از تاریخ پنجم بهمن ۵۹/۱۱/۹ دست به اعتصاب غذا

میزنیم ، تا بدست آوردن خواسته های خویش به اعتصاب خود ادامه خواهیم داد .

۱ - ملاقات حضوری بصورت حداقل ۳۰ دقیقه (لازمه تذکرات که در حال حاضر ملاقات بصورت ۵ دقیقه و آنهم بصورت بدترین شکل ممکن صورت میگیرد - بدین ترتیب که فرد ملاقات کننده را در محلی بسیار کم نور قرار داده و زندانی را در فضای باز قرار میدهند و ما بین ملاقات کننده و زندانی پنجره ای با میله های آهنین نزدیک بهم که روی آنها سیم توری بسیار ریز کشیده شده ، قرار دارد . بطوریکه زندانی چهره ملاقات کننده اش را نمیتواند خوب ببیند)

۲ - در دسترس قرار دادن مطبوعات و رسانه های گروهی (روزنامه های قانونی - کتب مورد نیاز زندانیان - رادیو و تلویزیون)
۳ - با توجه به اینکه سارتگاه ما به لحاظ پوشیده بودن پنجره ها بوسیله کرکره های فلزی از نور کافی برخوردار نمیشود و همچنین مرطوب بودن سالنها ، نیاز به گرمی هوا خوری بهم که هر روز در صورتی که هوا سرد است داریم ، لازم به تذکرات است که ما تاکنون مطلقاً از هوا - خوری محروم بوده ایم .

۴ - داشتن حق انتقال به سایر زندانهای کشور برای زندانیانیکه از شهرستان محل اقامت خانواده شان دور افتاده اند .

۵ - به عمل آوردن تعمیرات لازم از قبیل تعویض لامپهای سوخته و شیشه های شکسته ، چنگ زدگی سالنها و آوارها ، آلودگی انقلابیون همچنان اسیرند ، اما جاسوسان آمریکا شای آزادند ، پیروان باد میزارات دلاوران خلق قهرمان کبرند ، زندانیانی سیاسی انقلابی ، به همت توده ها ، از زندان ارتجاع آزاد باید گردید در افشای هر چه بیشتر شکنجه در زندانهای رژیم جمهوری اسلامی بکوشیم عده ای از زندانیان سیاسی زندان عادل آباد شیراز ، تکثیر از زمان پیکار در راه آزادی ، بلیقه کارگر ۵۹۱۱/۱۵

هدیه نموده است . اگر کوه و کنا را بران زمین فریاد از دیوارهای برجها سناست ، در موردی کارگران و زحمتگاران درخواهند یافت که هیئت حاکمه ضد خلقی ، اسب حاکمان نظامی بوسیله سرما به داری و اسبها میریالیسم ، نه میخاوندند نه مینوا سندانها سحوی نیازهای آنها باشند . علیرغم تمام عملکردهای ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی را به بر ملایت انقلاب به پیش میروند و حاکمیت انقلاب را هموارتر میسازند . مبارزه ای امان لطفاتی ، مرتجعان

شکنجه در زندانهای جمهوری اسلامی بپداد میکند . گذشته از زندان کابل و پشت ولگند و کشیدن موی سرد دختران که به صورت امری طاری در آمده و در مورد بسیاری از انقلابیون نمایش اعدام مصنوعی را اجرا میکنند . در اعتراضات لگدی یکی از رفقا را در مسجد سلیمان دچار پارگی فتق مینمایند . به یکی از رفقا در بند ریاس بطری استعمال مینمایند . شش نفر از انقلابیون را در شیراز مدت ۸ شبانه روز در گرمای ۶۰ درجه نگه میدارند در مسجد سلیمان رفقا را در سلولهای که مارها در آن جولان میدهند بشکل انفرادی حبس میکنند .

راه را سان و روبروی بنیستهای خائن (اکثریت توده ای و سنجانی) را بیش از پیش رسوا و رسواتر میسازد ، و سرتاجا میرجمه - سوری دمکراتیک خلق به رهبری طیفه کارگردان سراسر ایران به اهتزاز درخواهد آمد .

خلقهای قهرمان ایران!

ما زندانیان سیاسی شیراز:

۱ - در اعتراض به آزادی جاسوسان آمریکائی آنها در حالیکه فرزندان شما ، دسته دسته دستگیر شده و به حبسهای طولانی مدت محکوم میشوند و در حالیکه انقلابیون به سببانه ترین شیوه های شکنجه و حتی به جوخه های اعدام سپرده میشوند .

۲ - در اعتراض به عدم توجه رژیم به غذا بسکن بپاداشت هموطنان جنگ زده با توجه به اینکه جاسوسان آمریکا شای در بهترین اماکن و با بهترین غذا و پوشاک و بهداشت مسورد پذیرایی قرار میگیرند و از طرف دیگر در اعتراض به اینکه همواره این همبهنسان آواره موردها نت و ضرب و شتم قرار میگیرند .

پیام زندانیان سیاسی اوین بمناسبت دومین سالگرد قیام بهمن مردم مبارز و انقلابی

کردید و در نهایت ، میریالیسم در قبال این موج توفنده مجبور به عقب نشینی شده رژیم شاه سرنگون گردید .

چنین توده ای که بغیر پرسیدن به آلمان - های خود ، آزادی و برابری و استقلال خون - های بسیاری نتا ر کرده بود با غاصبین قدرتی زبر و کشت که بر روی موج خروشان خونهای با کترین فرزندان خلق سوار شده بودند و علیرغم خواست مردم تمام هم خود را در جهت تکدیاری و بازاری که مل نظام مستکراسه سرما به داری بکار بریدند ، مردم محرومانه تنها به برابری اجتماعی نرسیدند بلکه حاکمیت با سیاستهای منطقی اقتصادی و شیوه - های فدکا رگری خود به فقر و بی خانمانی بقیه در صفحه ۱۴

۶۰ روز در گرمای ۶۰ درجه نگه میدارند در مسجد سلیمان رفقا را در سلولهای که مارها در آن جولان میدهند به شکل انفرادی حبس میکنند . و هزاران نمونه دیگر ، آنکه در بیوق و کرنا می - دمند که در زندانها شکنجه و جودند و در بیخاطر لوذ کردن مطلب ، "هیئت علم میکنند و نا مش را "هیئت بررسی شایسته شکنجه" پیگذارند ، این روبه مفتان شکنجه انقلابیون را که یک - واقعیت است شایسته مینامند ، آیا شهادت "گازم با وی" و "آواره خوزستانی در زندان عادل

آباد شیراز شایسته است ؟ آیا جز این است که این هموطن جنگ زده با رها به شدیدترین شکل شکنجه شد ؟ آیا جز این است که از اعزام موی به بیمارستان بغا طرمعا لجه بنیما ریش (برقان) خودداری شد ؟ آیا علت مرگش کتک و ترساندن به بیمارستان نبود ؟ اگر در زندان شکنجه وجود ندارد پس "غضنفر آزادی" زندانی عادی به چه مناسبت دست به خودکشی زد ؟ مگر فشارهای روحی و اراده زسوی کار در زندان عامل خودکشی این نبود ؟ با وجود نمونه های فوق کسه قطره ای از دریا هستند ، با زهم رژیم جمهوری اسلامی شکنجه را فقط یک شایسته مینامد ، رژیم جمهوری اسلامی با تکبیه زندان براریکسی شانشانی و با استفاده از ارتش آمریکا شای به ارت رسیده از رژیم پهلوی و به همراه سیاه پاسداران سرمایه ، کردستان قهرمان را از هوا و زمین مورد تهاجم قرار داده و آنرا به خون میکشد ، اما کردستان قهرمان ، این دستمختم مبارزه خلقها ، همچنان برچشم سرخ انقلاب را برافراشته نگه داشته است ، و در این راه فرزندانی غیور را به خلقهای تحت ستم

من جوانی هستم از تباری خونین ناخنی نیست اگر بپرستم هم را اخم کشیده است به قهر پشتم از داغ و کتک گشته صد باره ولی نکتم خم ، گردن ارتجاع کوبیده است مهرنگینش را بر همه پیکر من و تصورات که تو اندشکنند عزم مرا چه خیال خامی من و تسلیم؟ مسلما داد! هرگز!

رژیم جمهوری اسلامی ایران پس از قیام دارها را برافراشت ، زندانها را آب و جاروب کرد با لگدمال نمودن خون هفتاد هزار شهید به سببانه ترین اقدامات علیه انقلابیون دست زد ، بسیاری از آنها را به جوخه های آتش سپرد و بسیاری از آنها را به سیاه جالها سی - افکنند که بحق هر یک از آنها را باید "شویش" جمهوری اسلامی نامید زیرا بیشتر به زندانیان نا زیبا شایه دارند ، زندانیان سیاسی انقلابی از ابتدای ترین حقوق خویش نیز محرومند ، اما رفتار همین رژیم با جاسوسان آمریکائی (این دشمنان خلقهای ایران) بنا به اعترا ف خودشان ، همواره انسانی بوده است تا جاییکه آقای بهزاد نبوی وزیر مشاور در امور اجاری و سخنگوی دولت در مصاحبه مطبوعاتی که در کیهان سه شنبه ۳۰ دیماه مندرج میباشد گفته است : "ما می توانستیم کروکنا را طای این مدت چهارده ماه در زندان نگه داریم ، اما رفتار سلاسی به ما چنین اجازه ای را نمیداد ، آری ! "رفقا اسلامی" اگر زهمید که دشمنان خلقهای ایران در زندان باشند زیرا ممکن است نا زکترا زیر کشتن آزار ببینند ، به همین خاطر در بهترین هتلها نگه داشته میشوند ، اما همین "رفقا را سلامی" اگر زهمید که فرزندان این آب و خاک در بازداشتگاههای مخوف اسیر شوند .

شکنجه در زندانهای جمهوری اسلامی بپداد میکند ، گذشته از زندان کابل و پشت ولگند و کشیدن موی سرد دختران که بصورت امری عادی در آمده و در مورد بسیاری از انقلابیون نمایش اعدام مصنوعی را اجرا میکنند . در اثر ضربات لگدی یکی از رفقا را در مسجد سلیمان دچار پارگی فتق می نمایند ، به یکی از رفقا در بند ریاس بطری استعمال مینمایند ، شش نفر از انقلابیون را در شیراز به مدت ۸ شبانه

۳ - با زدا شگها آشوبی ، یکی از بازداشتگاههای مخوف آلمان نازی در جنگ جهانی دوم میباید شد که در آن حتی کوره آدم سوزی دایر بود .

زندانی سیاسی انقلابی ، به همت توده آزاد باید گردید

حزب مارکسیستی و ضرورت ادامه آن

جنبش انقلابی خلق ما، در متن انقلابی فرا آینده خویش پیش میرود، و جگه‌گیری مبارزه طبقاتی انعکاس خود را در درون جنبش کمونیستی منعکس کرده و صفوف آن را بیش از پیش از یکدیگر متمایز کرده و می‌کند. حاصل این تمایز، چیزی جز فشرده شدن صف کمونیست‌های پیگیر و جدا شدن اپورتونیست‌ها از آنان نیست. پروسه تکاملی جنبش کمونیستی ایران، تا حد این مدعاست، «انگسوزی‌ناشی همچون فدائیان اکثریت» و «اتحادیه‌گرایی» (بخان اتحادیه رومیونیست‌ها) به صف فدا انقلاب پیوسته و نه تنها از جگه جنبش کمونیستی، بلکه از جگه جنبش انقلابی خلق نیز خارج گردیده‌اند، و از سوی دیگر کمونیست‌های پیگیر با زدودن انحرافات راستروانه خویش، صفوف خود را فشرده تر می‌نمایند. در گردودا و تبریز بیست و دو رگیسم و رومیونیسم، اگرچه رومیونیست‌ها از پیش‌توانمادی و معنوی وسیعی برخوردارند لیکن به حکمتاریخ (بطور عام) و بنا بر ادیکال لیسیم جنبش خلق (بطور خاص) محکوم به انزوا هستند.

گرایش حاکم بر "رزمندگان" که از مذهب پیش در پس الفاظ چپ، جوهر نگرش و تفکر راست خویش را پنهان نکرده بود، با آغاز جنگ بسرعت و آشکارا به تعمیق اپورتونیسم خویش پرداخت. تزلزلات ایدئولوژیک در قبضه رومیونیسم و سوسیال امپریالیسم، "قطب‌های ایدئولوژیک - تشکیلاتی"، "اعتقادیه سرمایه - داری" "خودپویا" اعتقادیه شورشی ضد خلق - فدا امپریالیست، اعتقادیه هم‌مونی خرد - بورژوازی در دولت، عمده‌کردن خطر فدا انقلاب مغلوب، عادلانه خواندن جنگ و سایر انحرافات رزمندگان که در حلال خود را از جانب جنبش کمونیستی مورد تعرض قرار نگرفته بود، توانست در شرایط خلاصه مبارزه ایدئولوژیک درون سازمانی و بی‌بسترگرایش طبقاتی خویش، دست به فرموله نمودن خودزده و بی‌سماطلاح در برابر "خطر عمده فدا انقلاب مغلوب امپریالیسم"، ضرورت دفاع از "استقلال سیاسی حکومت" را مطرح نماید.

بدین ترتیب آرایش قوای طبقاتی ای تصویر گشت که خطر عمده و دشمن عمده آن ارتجاع حاکم، بلکه امپریالیسم و فدا انقلاب مغلوب بود. بر بستر چنین انحرافات، جنگ، عادلانه شمرده شد و اپورتونیسم راست حاکم بر رزمندگان، توده‌ها را به زیر پرچم بورژوازی خودی (با صفت مستقل!) دعوت نمود.

چهره‌گری اپورتونیسم راست نه تنها در دفاع از استقلال سیاسی حکومت، نه تنها در شرکت در جنگ ارتجاعی متجلی گشت، بلکه با چشمک زدن به اپورتونیست‌های نظیر "راه - کارگر" و دنبال نمودن خط سیر فکری "اکثریت" در حکومت با بخش پیگیر جنبش کمونیستی، در دعوت از خلق کردی برای تعطیل مبارزه ملی - طبقاتی و آتش بین... تنها رزیافت.

خوبستحنا نه در مبارزه ایدئولوژیک که از سوی نیروهای جنبش کمونیستی و درون سازمان رزمندگان صورت گرفت و بر بستر پتانسیل رادیکال لیسیم بری از رفقای رزمندگان، اپورتونیسم راست تا بمقاومت

سپا ورده و در مقابل مبارزه انقلابی مجبوری عقب نشینی گردید، بدون تردید حرکتی را که رفقای رزمندگان در مبارزه با اپورتونیسم راست آغاز و تا به امروز به پیش برده‌اند، حرکتی است که باید از سوی تمامی نیروهای پیگیر جنبش کمونیستی مورد تأیید و حمایت قرار گیرد و مانع از نوبت خود این حرکت و این مبارزه صولی را به رفقا و یه کل جنبش کمونیستی تبریک می‌گوئیم. متقابلا تا کید می‌کنیم که مبارزه بین رفقا علیه جریسان اپورتونیستی، همان‌طور که خود آنها نیز بدان اشاره کرده‌اند، بمناسبت آغاز یک نبرد ایدئولوژیک علیه اپورتونیسم راست بوده و بنظر ما

ما معتقدیم که حرکتی را که رفقای رزمندگان علیه جریسان اپورتونیستی آغاز کرده‌اند می‌تواند همچنان به طور وقفه ناپذیر با طبعیت و صداقت کمونیستی تا طرد کامل اپورتونیسم در تمامی جلوه‌های آن و در ابعاد مختلف آن به پیش رود.

تئوری رومیونیستی - تروتسکیستی "ضد خلق" - ضد امپریالیست - عمده کردن خط امپریالیسم و کودتا - تا قائل شدن به سیاست مترقیانه برای شوروی، مترقی خواندن واقعه سفارت و... صاللی نبودند که از رزمندگان "۳۴" به اینطرف مطرح شده باشند و اینها مواضعی بودند که ریشه در رطبی سازمان رزمندگان و مدت‌ها پیش از رزمندگان "۳۴" داشتند.

حتی تفسیه تشکیلاتی این جریان نیز یعنی آن نیست که اولاً این جریان ایدئولوژیک - فکری مقهور گردیده و سازمان رزمندگان از سومات خطرناک آن کاملاً واگسین شده باشد و ثانیا در همین رابطه جریسان مارکسیستی حاکم به دور از برخی انحرافات و تزلزلاتی که جریسان اپورتونیستی بنحویا رزومنجسی آنها را نمایندگی میکردند، از همین روماعتقدیم که حرکتی را که رفقای رزمندگان علیه جریسان اپورتونیستی آغاز کرده‌اند می‌تواند همچنان به طور وقفه ناپذیر با طبعیت و صداقت کمونیستی تا طرد کامل اپورتونیسم در تمامی جلوه‌های آن و در ابعاد مختلف آن به پیش رود. آنچه که می‌توانست سازمان رزمندگان را در مقابل سومات رومیونیستی جریسان اپورتونیستی و بقایای آن آسیب ناپذیر کند، همانا داده و پیشبرد این مبارزه ایدئولوژیک انقلابی است. رفقای رزمندگان ضمن آنکه مواضعشان را در برخورد به بسیاری از مسائل و از آنجمله در برخورد به مسئله جنگ ایران و عراق و ماهیت آن، تئوری رومیونیستی - تروتسکیستی ضد خلق - ضد امپریالیست، تئوری رومیونیستی جدائی‌گرایست از طبقه رومیونیسم و سوسیال امپریالیسم، تا حدود قابل توجهی به تصحیح مواضع خود پرداخته‌اند، ولی این رفقا هنوز در برخورد با مسایلی چون رومیونیسم و سوسیال امپریالیسم، قدرت سیاسی، استقلال سیاسی نسبی رژیم، "تقسیم قطب‌های ایدئولوژیک - تشکیلاتی" و... دچار انحراف، التقاط، سکوت و یا عدم صراحت بوده و مهم‌تر از آن از بندش این واقعت که موفقتی رومیالیست حاکم بر "رزمندگان" تا ۳۴ تا حدی که جنبش کمونیستی از مواضع گذشته آنان نبوده، بلکه ندامت و تعمیق انحرافات آن بوده است بشکل غیراصولی ظفره رفته‌اند. تئوری رومیونیستی - تروتسکیستی "ضد خلق - ضد

انحرافات گذشته خود سرپوش گذاشته و آنرا نادیده بگیرند. این نحوه برخورد، وقتی با سکوت رفقای رزمندگان نسبت به برخی از تغییر مواضع اساسی که بدون توضیح و انتقاد از خود صورت گرفته است (نظیر برخورد به رومیونیسم و سوسیال امپریالیسم) همراه می‌شود و همچنین تلاش این رفقا برای نادیده گرفتن نقش مبارزه ایدئولوژیک سایر نیروهای کمونیست در جهت گیری جدید خود و این تلقی که گویا تغییر مواضع رزمندگان صرفاً در رابطه با "انتقادا تا مدتها و فقط نه اعنا و هواداران خود" (رزمندگان) ۴۱ و ضمیمه تئوریک بوده است، و واقعتاً ما را دچار تا سف و در عین حال نگرانی میکند.

رفقا! آنچه ما در بالا بدان اشاره کردیم تنها بیانی واقعت بود توضیح و تحلیل آنرا بدقت دیگری موقوف می‌کنیم، آنچه که می‌خواهیم در بیان گفته خود بر آن تکیه کنیم اینست که اگر چه ما دارای مرز بندی مریمی علیه اپورتونیست‌های راست اخراجسی از سازمان شما داریم و راه آن را با سوسیال فدا ثیان رومیونیست اکثریت از بیایی مینماییم، اما برای این امر نیازی می‌فشریم که سازمان شما با حرکت اصولی را که در مبارزه علیه اپورتونیسم راست آغاز کرده است بسا ادامه مبارزه ایدئولوژیک و یا برخورداری از صراحت و قطعیت کمونیستی تا طرد کامل اپورتونیسم در درون سازمان در همه جلوه‌ها و ابعاد آن ادامه دهد. رفقا! از نظر ما مبارزه ایدئولوژیک جنبش کمونیستی تا شریک‌سازی در تصحیح مواضع انحرافی همه نیروها (و از جمله خود ما) داشته است، بی‌شک و شک نیست. ما در زدن به مبارزه ایدئولوژیک از تصحیح خط مشی خود بی‌بهره و بی‌ولتا ربا و در جهت زدودن انحرافات و پیراهای غیر پرولتری، امروزه جنبش کمونیستی را تسریع نمائیم و متحدان بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر به پیش روییم!

بقیه از صفحه ۱۳ پیام

مخرومین دامن زده تا جایی که اکنون گرسگی و بیکاری، کار در راه استوار حفتکشان رسانده است، هیات حاکمه به ما هیت خود بجای ادا مراه توده‌ها درم... به بزرگترین دشمن خلق ما، امپریالیسم: نخوار آمریکا و سیستم سرمایه داری وابسته به سرکوب خلق - هائی که حق حاکمیت بر سر نوشت خویش را - طلبید پیدا ختوجه بسیا رنگهای سرخی از گلستان خلق که بدست نیروهای سرکوبگر هیات حاکمه برپیرنشد، تنها دهای مردمی منحل گردید و آزادیهای اجتماعی به بهانه‌های مختلف سرکوب و حمله به اجتماعات مردمی سازمان داده شد.

کتاب سوزیها برای اافتادگانها پس سنگر آزادی که در طول سالین دراز، حماسه‌های مبارزه و مقاومت آفریده بود بدست زعمای بقدرت خزیده تحت عنوان با اصطلاح انقلاب فرهنگی از خون دانشجویان رزمنده گلگون گشت، زندانهای انقلاب (!) در روند سرکوب هر چه بیشتر نیروهای انقلابی، انباشته از فرزندان خلق که آرمائی جز تحقیق خواسته‌های زحمتکشان ندارند میگردند و شکنجه در ابعاد گسترده در کمیته‌ها، خانه‌های تیمی و زندانها اعمال میشود. هنوز خون کفتنهای گلگون شهیدان خشکیده ما زندانین سیاسی آنچنان در زیر فشارهای غیر انسانی قرار میگیرند که بنیاد چارست به اعتبار غذا می‌زنند، بگذازند انانیا نه به خیال خود او - فریبی کنند و بگویند که زندان ما را شکنجه میکند (!) برایستی شکنجه گر کیست؟ فرزندان خلق که خون خلق را و شقیه حاکمیت ارتجاعی خود کرده‌اند.

هیات حاکمه با راه انداختن چارونچال و گرفتن زستهای فدا امپریالیستی تسخیر سفارت را بعنوان عالیترین شکل مبارزه ضد امپریالیستی به رخ مردم میکشیدند! آزاد کردن گروگانهای جاسوس بدنبال مذاکرات پشت درهای بسته و بدورا زخم خلق ما هیت دعای بی محتوا و عوام فریبانه خود را افشا نمود.

جنگ ایران و عراق که شمره ای جز بدبختی و فقر و فلاکت برای خلقهای هردو کشور نداشته جماعتی به دست هیات حاکمه داده تا بتوانند در پشت مساله جنگ تا توانیهای خود را در لایح - گوئی به نیای زهای برحق مردم لاپوشانی کرده و سرکوب نیروهای انقلابی را تحت عنوان موقعیت جنگی افزایش داده و لیبس قانونی بدان بیوشانند.

مردم ایران!
در حالی که دومین سالگرد قیام خونین بهمن را جشن میگیریم ما هادان هستیم که دست آورده‌های آنرا بیامال شده و فرزندان شمس بناحق بدجرم بیان خواستهای بحق توده‌ها در زندان بسر میبرند ما تنها بشما متکسی هستیم و برای ادامه مبارزه شما استمساد می‌طلبیم. در بزندانها دوا به بدست توانای شما تشویده‌خواهد دشو شما هرگز نخواهد گشت که در زندان شما با امپریالیسم بر سرخسوس نهاد ما معاشد، ما از شما و نیروهای انقلابی میخوایم که نسبت به سرکوب آزادی‌های دمکراتیک و به بند کشیدن و شکنجه انقلابیون اعتراض و آزادی زندانین سیاسی همسراه با توده‌های مبارز فریاد کنند.

پیروزیها در مبارزات فدا امپریالیستی و دمکراتیک خلقهای ایران زندانین سیاسی اوین (فدا امپریالیست - فدا رتجاع)

پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته تر سازیم

حزب توده، در هنگامه قیام متحد لیبی‌ها بود!

حزب توده همه سران لیبی‌ها را انقلابی، ضد امپریالیست و ملی‌جامیزده است

... استرووه به قهرمان قلمه خوف به اسم ملوس، شاهت زی‌دی دارد. ملوس در آغاز وقتی با یک مدیر سابق بزرگ میگرد، میگفت: واتیای کوچک و من، تنها بینا مهای میهمی را بازی میکنیم، بعدها که با یک هیزم فروش زندگی میگرد، میگفت: واتیای کوچک و من، مستحق برداخت مالیاتهای گزاف هیزم نیستیم. خلاصه وقتی او با یک دامینیک زندگی میگرد، میگفت: کولیای کوچک و من به درمان اسبهای بیماران میبردایم. کار رفیق استرووه هم همینطور است. لنین و من به ما رتیفیف حمله کردیم ما رتیفیف و من به لنین حمله کردیم.

ملوس کوچولوی عزیز "سوسال دمکرات" فردا توی سسل چه کسی خواهد بود؟" (لنین) اکنون حزب توده تبلیغات وسیعی پراکنده خنجر و پرچم را می‌ارزیه لیبی‌ها میزند. ما نقاب کریمه حزب توده را، ینک پس میزنیم تنها توده‌ها دریا بند آنچه لنین در مورد استرووه میگوید، با ابعاد وسیع‌تر مورد حزب توده صادق است بدیقین کمتر نیروی را در آوردن امتیازی بود سوسال امپریالیسم روس به آن چنگ نیاخته باشد. آنها ما را موله‌های هستند که در هر شبی خود را به رنگ مقتضیات روز در میا و رند روزی سیاستهای شاه را مثبت میخوانند و از اصلاحات ارضی اودفاع میکنند (۱) روز دیگر در مددا تحاد جناح واقع بین سر هیئت حاکمه (دا رودسته هوشنگ نایندی و فرج خاثن و...) برای تشکیل جبهه واحد دیکتاتور بر میایند. (۲) روز دیگر مدیحه‌سرای لیبی‌ها میخوانند و کرمترین درودها را نشا رانها میکنند ولی امروزه لیبی‌ها دشمنان میبندند و برای حزب جمهوری یقه میدارند. راستی فردا حزب توده درینل چه کسی خواهد بود؟

حزب توده همه صدالبایر لیبی‌ها، طرفدار قانون اساسی و سلطنت طلب

حزب توده بعنوان یک نیروی ارتجاعی بهیچوجه خواهان انقلاب نیست و به همین خاطر به مبارزه انقلابی نیز اعتقاد نداشته است. در زمان شاه خاثن نیز پیش از قیام بهمن، منتهای کوشش حزب توده بدست آوردن قانونیست در رژیم شاهنشاهی و وادار ساختن شاه به اجرای قانون اساسی مدمدمی ایشان بود. حزب توده در این سیاست با لیبی‌ها خاثن و خاثن قانون اساسی کاملاً همداشی میگرد.

برای مثال احسان طبری رویزیونیست در نشریه مرکزی خود اعلام میکند که هدف مبارزه‌شان: "اجرای آن مقرراتی است که در قانون اساسی ما تاکنون پنج شاه به اجرا و فقط آن سوگند یاد کرده اند (۳) و این دفاع از قانون اساسی ارتجاعی که سلطنت را موهبتی الهی

(۱) دنیا، دوره دوم سال هفتم، شماره ۳ و نیز پیام ایرج اسکندری بعنوان دبیر کل حزب به کنگره دهم حزب رویزیونیست بلغارستان و نیز مصالحه داود شوروی عضو کمیته مرکزی "حزب توده" با نشریه فاشیست و وابسته به حزب رویزیونیست آلمان غربی، آوریل ۱۹۷۲

(۲) بسوی حزب، شیر ماه ۵۷

(۳) دنیا، شماره ۲، ۱۳۵۷

میدانست و ارتجاعی ترین قوانین بسوسال امپریالیسم و بر علیه زحمتکشان در آن یافت میشدند کمتر از ۲ ماه مانده به قیام ما دامه مییاد رویزیونیستها در ۵۷ میگویند: "در این کشور قوانین ما نتواند قانون اساسی و متمم آن و یک سلسله قوانین دیگر وجود داشته باشد. اگر ما روح واقعی آنها، اجرا میشد و بشود، اگر کوچکترین احترام مورعیتی برای آنها وجود داشت و داشته باشد، ما زمان خود سرفروشان و شکن و جابرا نه و ضد بشری ساواک حتی لحظه‌ای نیز نمیتواند تحمل کرد." اگر قوانین موجود مراعات نگردد، دست خود سواستبدان خودی بسته است. ولی همین قوانین موجود با گستاخی و بی پروائی عیبی با مجال چکه پوئشان شاه و چاکرانیش میشود" (۴) (تا کیدازما ست.)

می بینیم که حزب خاثن توده در مشروطه -

آیا حزب توده ضد لیبی‌ها بوده است؟

اکنون حزب توده بیوق و کرنا برداشته و خود را مدعی مبارزه علیه لیبی‌ها میزند. اما واقعیت این است که حزب توده هرگز نمیتواند از یک موضع انقلابی با لیبی‌ها مریبندی کند، چرا که در مجموع با لیبی‌ها نیز در مقابل انقلاب زحمتکشان وحدت دارد و مخالفت حزب توده با لیبی‌ها در شرایط کنونی از زاویه حمایت از جناح دیگر که کمیت یعنی حزب جمهوری است و در واقع مخالفت ایندو از قماش دعوی تقسیم غنا شده‌هاست.

حزب توده حتی تا اوائل قیام به شدت به حمایت از لیبی‌ها میبرد. میزبان صفحاتی که در "نوید" هایش دفاع از لیبی‌ها اختصاص داده است، به مراتب بیشتر از مثلا دفاع از خرده

- خاثنین توده ای، مهندس مهدی بازگان، "کریم سنجابی" و رحمت الله مقدم مراغه ای "راه‌آزادی"، "کوشندگان راه آزادی و استقلال"، "شخصیتهای معروف ملی و مخالف استبداد" میخواند.
- آری چه سابقه درخشانی "حزب توده" در مبارزه علیه لیبی‌ها دارد! دکتر کریم سنجابی به تنها ضد امپریالیست میشود، نه تنها از بهرمان جنبش‌های ملی قلعداد میشود، بلکه آنقدر انقلابی و قاطع است که با یستی هر مبروری مبارزه مسلحانه خلق بر علیه امپریالیسم را نیز در دست بگیرد!!
- حزب توده در نوید شماره ۲۸، (۱۱ اردیبهشت ۵۷) آیت الله شریعتمداری، آیت الله گلپایگانی و آیت الله روحانی را طعنه‌ها و زاریها و ضد استبداد میماند و به مداحی لیبی‌ها خاثنی چون شریعتمداری میبرد. حزب توده واقاحت را تا آنجا میکشاند که نامه احمد بنی احمد، شاگرد شاه خاثن و نماینده "سپاهی" مجلس شاهنشاهی را با طول و تفصیل و تأکید چاپ می‌کند.

خواهی و تبلیغ قانون اساسی مشروطه با لیبی‌ها مسا بقدر گذشته است و در جایگاه امروز لیبی‌ها را به با دشمنان میگرد که چرا موافق قانون اساسی بودند؟! ما خلق ما ما هیئت لیبی‌ها و حزب توده را که در زمان شاه مجیزگوی سلطنت بودند، هرگز از یاد نمیبرد و دروغها و پاهایشان را با سند فشا میکنند. برای اینکه اوج آفتاب سلطنت طلایی خاثنین توده ای را دریا بیدبسه جملات زیر توجه کنید:

"آی سرنگونی سلطنت استبداد شاه حتما باید برانداختن سلطنت بطور کلی همسراه باشد؟ بنظر ما نه. حتی از بین رفتن حکومت مطلقه و رژیم ترور و اختناق موجود میبندند هنوز به معنی از بین رفتن سلطنت و استقرار جمهوری که خود از خواستهای مردم حزب ما ست نباشد (۵) (تا کیدازما ست.)

سلطنت آری، حکومت نه، آیا این همان شعار لیبی‌ها (شاه باید سلطنت کند نه حکومت) نبود که خاثنین توده ای با تمام وجود برای حفظ سلطنت و جلوگیری از قیام توده‌ها فریاد میکردند اما تنها در محتوای شعارها حزب توده و لیبی‌ها همدا نبودند بلکه حزب توده عملاً و علناً بسه پشتیبانی از لیبی‌ها خاثنی چون آیت الله شریعتمداری، عتین دفتری، بازگان، حاج سید-جوادی، بسنی صدرو... بر خاسته و حتی از نوکران امپریالیسم چون احمد بنی احمد نیز دفاع کرده است.

- ۴- دنیا، شماره ۲، ۹ آذر ۱۳۵۷
- ۵- دنیا، مهر ۱۳۵۴ و نیز بسوی حزب شماره ۱۰، ۱۳۵۷
- ۶- بسوی حزب، شماره ۱۱، تابستان ۵۷

کوی شاه خاثن و نماینده "سپاهی" کئی مجلس شاهنشاهی را با طول و تفصیل و تأکید چاپ میکنند. "ما برای نشان دادن بسوی یک حزب خاثن سوده و همدستی بسوسال امپریالیسم روس و امپریالیسم آمریکا بر علیه انقلاب، عین حملات نوید، شماره ۲۹، (۲۵ اردیبهشت ۵۷) را میا و رژیم، این نامه تحت عنوان جنایات رژیم در خانه آیت الله شریعتمداری چاپ شده است.

"نامه ای در نشر تبریز به امضای احمد بنی - احمد شما بنده تبریز در مجلس شورا بملی دست به دست میگرد که بر اساس مناهات این نماینده از شهر قم نوشته شده است. گفته میشود قسمتها شی از نامه موریدحتی در مجلس شورا بملی خوانده شده است اما مطبوعات کوفسندی و بلندگوهای تبلیغاتی رژیم در تهران مهر سکوت بر لب زده اند. ما (یعنی حزب خاثن توده) قسمتها شی از این نامه را که تنها گوشه‌ای از فحاشی رژیم "صحن بیرونی حرم مسکونی حضرت آیت - الله العظمی آقا سید کاظم شریعتمداری مانند روزهای عادی مرکز رفت و آمد افراد روحانی و غیر روحانی و زنان برای رفع حوائج دینی بوده... تا گاه ما مورین مسلح انتظامی با آنها جرم غیرقانونی و با کشودن رگبار

- خاثنین توده ای، مهندس مهدی بازگان، "کریم سنجابی" و رحمت الله مقدم مراغه ای "راه‌آزادی"، "کوشندگان راه آزادی و استقلال"، "شخصیتهای معروف ملی و مخالف استبداد" میخواند.
- آری چه سابقه درخشانی "حزب توده" در مبارزه علیه لیبی‌ها دارد! دکتر کریم سنجابی به تنها ضد امپریالیست میشود، نه تنها از بهرمان جنبش‌های ملی قلعداد میشود، بلکه آنقدر انقلابی و قاطع است که با یستی هر مبروری مبارزه مسلحانه خلق بر علیه امپریالیسم را نیز در دست بگیرد!!
- حزب توده در نوید شماره ۲۸، (۱۱ اردیبهشت ۵۷) آیت الله شریعتمداری، آیت الله گلپایگانی و آیت الله روحانی را طعنه‌ها و زاریها و ضد استبداد میماند و به مداحی لیبی‌ها خاثنی چون شریعتمداری میبرد. حزب توده واقاحت را تا آنجا میکشاند که نامه احمد بنی احمد، شاگرد شاه خاثن و نماینده "سپاهی" مجلس شاهنشاهی را با طول و تفصیل و تأکید چاپ می‌کند.

مسلسل وارد صحنه شده... فضای حرم رهبری شیعیان جهان از این حادثه دستخوش خرابی رقت آوری میگردد... تجا و زبه حرم و کانون مرجع روحانیت... موجب نگرانی شدید مردم و آزردهگی عمیق خاطر حضرت آیت الله العظمی آقا امام کرده است، به جاست که از زبان آن مقام عالیقدر بگوئیم: ما با رگه‌ها دیم این رفتنم بر ما.

آری حزب توده، "پرچمدار علیه لیبی‌ها" از زبان متحدث، جاسوس سپاه احمد بنی احمد به تظهِیر آیت الله شریعتمداری خیانت پیشه میبرد. زده اما وقاحت همان زده دارد، پس از اینهمه چکه لیبی‌ها لیبی‌ها، خاثنین توده ای به کمیت‌های بیگیری چون ما که در همان هنگام نیز با طبیعت به طرد لیبی‌ها میبرد اختیم همدستان لیبی‌ها اطلاق میکنند!

۴- حزب توده پس از فاش شدن روابط رحمت - الله مقدم مراغه ای با سفارت آمریکا، جابرجال زیاد بر علیه او و اناخت، اما جالب اینجاست که کشته‌ها حزب توده با رها زوی در نویدها پیش تعریف و تمجید کرده و اعلامیه‌های نهضت را دیکال را که رئیس جناب مقدم مراغه ای بوده‌نه تنها در آدیوپیک و نوید منعکس کرده است بلکه این حضرت جاسوس با معرفی وضاعت توده ایها معروف و شناخته شده ای چون محمود - اعما زاده (به آذین) و فریدون تنکا بنی - به کانون نویسندگان ایران راه پیدا میکنند.

آری واقعا که حزب توده ما مقدم مراغه ای بسیا روسیا را "فد لیبی‌ها" بوده است! حزب توده این مدعی مبارزه علیه لیبی‌ها لیبی‌ها، پس از آنکه مطمئن شد جبهه مسلحی دارای قدرتی در حاکمیت نیست و رهبران جبهه بقیه در صفحه ۲۱

رویزیونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

قیام بهمن و انحرافات کمونیستها

منفرد شدن از خلق و واگذاری اعمال سر - کردگی به ناهیران سازندگان .

مشی توده‌ای - انقلابی و قیام

با رد مشی چریکی از سوی بخش منسب از سازمان مجاهدین خلق و پذیرفتن مشی توده‌ای - انقلابی، این مشی در سطح جامعه معرفی میگردد. پیش از آن محافل و گروههای هوادار این مشی، آنچنان در لاک خود فرو رفته بودند که انگار وجود ندارند، حتی برخی از آنها تنها پس از قیام ما حیا و عیون شدند. اما جریانات مشی توده‌ای - انقلابی در این زمان دارای انحرافات راست عمیقی هستند

بدین ترتیب در حول و حوش قیام - یکن جریانات بجای آمده گردن توده‌ها برای شرکت در مبارزه مسلحانه توده‌ای اساسا - به دنبال اعتمایات صغی - توده‌ها روانند . آنها درک نمی کنند که کمونیستها وظیفه دارند در هر سطحی که مبارزات توده‌ها قرار دارد در آن شرکت کنند، آنرا رهبری نمایند و ارتقا بخشند، اگر مبارزات عموما اقتصادی است و سطح جنبش توده‌ها افت و روگردان نشان میدهد، می بایستی در مبارزات اقتصادی توده‌ها شرکت کرد، منتها آنگاه می بایستی در میان آنان بر دو گوئید با آنگاه گردن طبقه توده‌ها، مبارزات توده‌ها را غنا بخشید . همینطور اگر سطح مبارزات توده‌ها موقعیت انقلابی نشان میدهد، وظیفه ما جل و حیا می کمونیستها تدارک برای قیام ، شرکت فعال در مبارزات خونین توده‌ها، برای رهبری این مبارزات است . اکنون میسر در این دوران به عنوان جلوه‌ای بارز انحراف راست این جنبش چریکی - انقلابی هوادار مشی توده‌ای - انقلابی حاکم است . بدین ترتیب بجای شرکت فعال در تدارک قیام ، یکن گروهها سرگرم سازمان دادن جنبش صغی در بسیاری از کارخانه‌ها گردان میباشند، در این میان یک حرکت مثبت از سوی سازمان پیکار انجام میگردد، که متاسفانه تحت فشار اکتونومیسیم عقب نشینی میکند .

این موضعگیری انقلابی همانا طرح شعار ایجاد "هسته‌های مسلح خلق" بود که در اعلامیه - ای به همین نام در ۱۶ آذر ۵۷ منتشر میگردد . این اعلامیه دارای یک هسته انقلابی و سالم است و آن اینست که مبارزه مسلحانه توده‌ای را در دستور میگذارد . اما علیرغم این جنبه مثبت و بسیار اساسی از جنبه‌های دیگر دچار اشکالات نه چندان کم اهمیتی نیز بود، ولی متاسفانه بجای گوش در حل نقاشان ، این شعار را هم در جنبه مثبت خود یعنی طرح شعار مسلح کردن توده‌ها با مخالفت اکثر گروههای موسوم به خط ۳ مواجه شدیم متاسفانه سازمان توانست تدارک نبرد مسلحانه توده‌ای را - سازماندهی کند . بطور خلاصه انحراف اساسی اغلب این جریانات عبارت است از عدم ایفای نقش عنصر آگاه در مبارزات توده‌ها ، دچار بودن به نوعی "کارگرزدگی" و جدا کردن طبقه کارگر از دیگر اقشار دمکراتیک ، نداشتن

ما رکن آموزش کارگرها ، انقلاب را جشن تاریخ می نامد، چرا که از دیدگاه کمونیستها هیچ چیز پرشکوهرتر از رهبری مبارزات توده‌ها در عالیترین شکلش یعنی قیام مسلحانه توده‌ها مبارزه مسلحانه توده‌ای نیست .

قیام آنجا رخ نموده با بر علیه طبقات استعمارگر است . قیام توده‌ها با قهر انقلابی تنها چاره در هم کوبیدن قهرضد انقلاب (ماشین جنگی و اداری دشمن) است . قیام آشفتگی و زنجیری تاریخ زحمتکشان است . آری قیام عالیترین شکل مبارزه طبقاتی است .

کمونیستها می بایستی توده‌ها را برای چنین دورانی با "دوران طوفانهای سهمگین" آماده کنند و سپس با رهبری قاطعانه شان ، هر طبقه کارگر را بر پیشانی انقلاب بکوبند ، قیام عظیم کارگران و زحمتکشان در انقلاب کبیرا کتب و مبارزه مسلحانه توده‌ای در چین و ویتنام ، نمونه‌های درخشان از نقش رهبری کننده کمونیستها در مبارزه مسلحانه را ارائه میدهد .

اما آیا کمونیستها در زمان قیام بهمن با درکی لینیستی به قیام توده‌ها می نگریستند؟ واقعیت اینست که در اوج مبارزات توده‌ها بر علیه شاه خان، کمونیستها دچار بحرانی بوده و به انحرافات غیر پرولتری بسیاری آلوده بودند . گذشته از آنجا که در جریان مبارزه با رژیم پهلوی در عرصه‌های بر علیه ما رکیسم و تشکیلات و بحران جنبش کمونیستی جهان ، پس از خیانت - های با نادر و شویف - برژنف و تنگ - هسوا جوانی طبقه کارگر ایران و حضور سالیان دراز اپورتونیسیم گنبدیده و منط و ریز بیونیستهای خاش توده‌ای در عرصه مبارزه طبقاتی و تا نیرات اپورتونیسیم مشی چریکی، ضرباتی کاری برجینش کمونیستی ایران وارد آورده بود جنبش نوین کمونیستی که تا زده پس از سالهای ۴۲ با مرز بندی با خر و شویفیم، پیا به میدان گذاشته بود . دارای انحرافات متعددی بود و ضعف پیوند با پرولتاریا در دست میگردید . مشی چریکی که از سالهای ۴۹، حاکمیت بی قید و شرط خود را بر جنبش کمونیستی اعمال کرده بود و برای مدتی کعبه آمال روشنفکران و دانشجویان انقلابی گردیده بود، با توجه به مبارزه خونین توده‌ها با شدت زیر سوال میبود در چنین شرایطی برد خونی زحمتکشان از مرز اعتلا به موقعیت انقلابی گذر کرده و آرام آرام به قیام نزدیک میشود . کمونیستها نتوان از با سخوئی به معضلات جنبش، نظاره گر اعمال سرکردگی ناپیگیرترین و منززلترین قشر خرده بورژوازی (خرده بورژوازی مرفه سنتی) برجینش خونین خلق هستند .

در این زمان گذشته از انحراف راست در برخورد به رهبری خرده بورژوازی یعنی عدم مبارزه با جنبه‌های منفی آن و تشکیلاتی تا نید همه جا نبه رهبری خرده بورژوازی و همینطور لیبرالها ، تا حد "ملی" یا حداقل "ملی لیبرال" دانستن آن دوانحرف اساسی نسبت به قیام توده‌ها قابل برخورد است .

جنبش کمونیستی در این زمان مرکب از دو جریان اساسی است ، یکی مشی توده‌ای - انقلابی و دیگری مشی چریکی . هر دو ایس جریانات نمی توانند از دیدگاه لینیستی به استقبال قیام بروند . یکی عمدتاً دنباله عقب مانده ترین توده‌ها را است و دیگری خدیه مبارزه مسلحانه جدا از توده دست میزند اما نتیجه یکی است : عدم پیوند با توده‌ها ،

اعتلاء یا موقعیت انقلابی سخن از نبرد مسلحانه میگفت (مانند کونومیسیتها که در دوران مبارزه نظامی نیز مانند دوران افت، مبارزه صغی را طلب میکنند) مشی چریکی این اصل کمونیستی را که انقلاب کار توده‌ها است نفی میکرد و بجای متشکل کردن توده‌ها و پرورش آنان برای مبارزه مسلحانه توده‌ای دست به اعمال جدا از توده‌ها می زد و از توده‌ها قاطع میگرفت .

هنگامی که قیام م در گرفت یکسری از کمونیستهای طرفدار مشی توده‌ای - انقلابی و از جمله رفقای سازمان ما علیرغم فقدان سازماندهی لازم در قیام شرکت نمودند ، به علاوه چریکها نیز در قیام شرکت جستند ، منتها چریکها بخاطر آمادگی رزمی خود را کیفیت با لائری در جنگیدن بودند و قدرت انطباق بیشتری داشتند و به همین خاطر چند ا حسد چریکی را به مرکز برخی از درگیریها فرستادند .

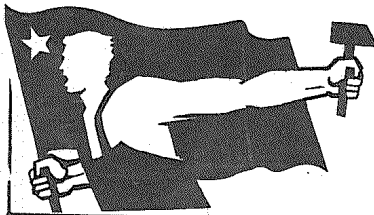
این امر اگرچه امر بسیار مثبتی بود ، ولی به هیچوجه معنای تدارک قیام ما را ناسب چریکها نبود . آنها از راهی که ما همسان تا کتیک ده ساله به مبارزه مسلحانه دست زده بودند و نه از روی درک قیام توده‌ها موقعیت انقلابی . لازمست بگوئیم که فدا شیان در اعلامیه مهز ۵۷، شمار محوری جنبش دانشجویی را نه تدارک قیام . . . بلکه شمار صغی اخراج کار د از دانشگاه قرار میدهند و در اعلامیه بهمن ماه بدون ان تقا کمونیستی از مشی چریکی حاکم بر سازمان و وظیفه اصلی کمونیستها را رفتن به کارخانه‌ها و ایجاد حزب طبقه کارگر از طریق کار در کارخانه‌ها میدانند . در حالیکه وظیفه ما مبارزه با انحرافات چریکی نبود و مگر تدارک قیام مسلحانه و متشکل کردن دیگر در جنبش مقطعی ایجاد حزب و متشکل کردن طبقه کارگر از مجرای شرکت فعال در قیام می گذشت . قیام مرکز تقابل حوادث بود و پیا برای این با است در دسترس همین تحول انقلابی که بشکل ظاهرات و نمایشات سیاسی خیا با نی جلوه گرمیشد ، طبقه توده‌ها را متشکل ساخت . بهر صورت چه درک راست (اکتونومیسیتی) و چه درک چپ (مشی چریکی) نتوانستند توده‌ها را برای قیام زیر پرچم سرخ کمونیستها متشکل کنند و آنگاه در مانده از این ضعف به تائید و تمجید "رهبران" منززل و سازشکار جنبش بردا ختند و از آگاه گردن توده‌ها نسبت به مآهیت طبقاتی آیت الله خمینی و . . . چشم پوشیدند و در واقع به توهم توده‌ها افزودند ، چرا که با یک درک مارکسیستی میتوانستیم آنچرا که آیت الله خمینی و لیبرالها و حزبها در آن پند بر سر جنبش می آورند ، دید و بهمن خاطر میبایست سیاست وحدت و مبارزه با آیت الله خمینی پیش از تقا بهرگز نبوده میتواند و به افشای عملکردهای ایشان در ارتباط با ارتش و سرما به داری و وابسته بردا ختسه میگردد . اما کمونیستها از اشتباهات گذشته - شان درس می آموزند و با جمع بندی این اشتباهات برای پیروزی کارگران و زحمتکشان در فریاد سرخ و نظریات کمونیسم می رزمند .

بدین صحیح برای ایجاد حزب ، عقب ماندگی از جنبش ، تبعیت از عقب مانده ترین اقشار جامعه ، عدم درک قانونمندیهای موقعیت انقلابی و لحظه قیام ، این انحراف موجب میشود که جنبش خونین توده‌ها ، بطور خودرسه خودی صورت بگیرد و خرده بورژوازی مرفه سنتی بتوانند بر این جنبش سوار شود و سپس با کمک بورژوازی متوسط آنرا مهار نمایند .

مشی چریکی و قیام

اما اگر کمونیستهای طرفدار مشی توده‌ای - انقلابی فرستگها از موقعیت انقلاب و تدارک ملزومات قیام دور بودند ، بیروان مشی چریکی نیز فرستگها از توده‌ها و ملزومات مشی لحظه قیام ما ملامه داشتند . آنها از ده ساله پیش تا آنهنگام ، تنها یک تا کتیک را بیگانه تا کتیک صحیح مبارزه طبقاتی میدانستند و آنهنگام تا کتیک نبرد مسلحانه روشنفکران جدا از توده بود ، آنها در افت ، اعتلاء و موقعیت انقلابی همواره از یک شیوه مبارزاتی سود می جستند . آنها درک نمی کردند که تا کتیک - های مبارزاتی با توجه به سطح جنبش توده‌ها انتخاب میگردد و بخصوص آنها نمی فهمیدند که کمونیستها وظیفه دارند با میختن با توده‌ها را در بند و انقلاب کارگروهی جدا از توده نیست . هواداران مشی چریکی (سازمان چریکهای فدائی خلق) میخواستند ، نبرد مسلحانه را خود انجام دهند ، آنها پیروزی انقلاب را در آتش مسلسلهای خود میدیدند ، نه در کارگر رطوفان خلق . بدین ترتیب آنها هیچ کوششی در جهت سازماندهی مبارزه مسلحانه توده‌ای انجام ندادند ، آنها ترور و دموزداریا انفجار ریک - ماشین پلیس را بجای متشکل کردن انبوه توده‌های آماده ، رزم مسلحانه نام میگذاشتند . آنها کوشی برای خود مبارزه میکردند ، اگرچه تا کتیک مارکسیستی نبرد مسلحانه در افت یا اعتلاء نادرست بوده ، اما در دوران موقعیت انقلابی ، تا کتیک بحق است ، لیکن با یستی گفت میان تا کتیک مارکسیستی - نبرد مسلحانه با آنچه فدا شیان انجام میداد ، فاصله از زمین تا آسمان است . تا کتیک مارکسیستی نبرد مسلحانه ، دلالت دارد بر متشکل کردن آنچرا که امروز در کردستان می بینیم نمونه خوبی است . پیشمرگان چون ماهی در دریای خلق می رزمند و پیشمرک کسی نیست جز دهقانان و یاشهریان زحمتکش کرد که توسط روشنفکران کمونیست رهبری میشود .

مشی چریکی از نبرد مسلحانه ، توده‌ها و سازماندهی آنها را حذف می کند و نتیجهد ما نیز با نه خود را بجای قیام خلق مینشانند . بدین ترتیب مشی چریکی نیز توده‌ها را و می نهد تا به دنبال اقشار غیر پرولتری روان شوند و به سکویش بر سر خرده بورژوازی مرفه سنتی و بورژوازی متوسط بدل گردند ، تا دوباره حاکمان جدید سرمایه داری وابسته غارت و استعمارشان کنند ، جلاهم کینیم مشی چریکی تا شرفیات دورانها را بر تا کتیک مبارزاتی نمی دید ، یعنی چه در افت یا



پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی

نگاهی به گوشه‌هایی از فعالیت سازمان دردوران قیام

سازمان ما فعالیت نوین خود را بعد از تغییر مشی چریکی و پذیرش مشی توده‌ای - انقلابی همراه با اطلاعیه مهر ۵۷ آغاز نمود. "اطلاعیه بخش منشعب م - سال سازمان مجاهدین خلق" که در مهر ۵۷ منتشر گردید، اگرچه دارای انحرافات تراستروانه‌ای بخصوص در بر خورد به بورژوازی لیبرال بود اما نقش بسیار بر - جسسه‌ای در هویت بخشیدن به آنچه به "خط سه" موسوم است، داشت و در کثرت رواج در میان روزیونیستی "حزب توده" و جریان آوانتویستی سازمان چریک‌های فدائی، جریان نوینی را در سطح جامعه مطرح ساخت که ضمن مرز بندی پارویونیسم حزب خائن توده، با مشی چریکی چریک‌های فدائی نیز مرز بندی داشت. اگرچه برخی محافل کده‌رای مشی توده‌ای - انقلابی بودند، قبل از اعلام مواضع جدید بخش منشعب در مهر ۵۷، وجود داشتند، لیکن اساساً در سطح جامعه کاملاً ناشناخته بودند، با انتشار اطلاعیه در مهر ۵۷ بخش وسیعی از بیروان مشی چریکی آژان بریده و به سوی "بخش منشعب" جذب شدند بطوریکه اغلب نیروهای پیرو مشی توده‌ای - انقلابی را در ابتدا "مجاهدین" (م - ل) می خوانند و عموماً بعداً رقیماً مبود که نام "خط سه" بر سر آنان تشبیت شد.

سازمان بعداً از تغییر مشی خود فرموله نمودن دیدگاه‌ها پیش نسبت به قدرت سیاسی، مسئله حزب، روزیونیسم و... به فعل لیبست تبلیغی - سیاسی گسترده‌ای دست زد. نگاه بی مجموعه‌ا نشانات تبلیغی سازمان نقش فعال و پیشروسا زمان را در کوران او جگری مبارزه طبقاتی توده‌ها، نشان میدهد سازمان در برابر تحولاتی که در جامعه صورت میگرفت، بی‌لطفانه موضع گرفته، به تحلیل آنها پرداخته و وظایف توده‌ها و طبقه کارگر و کلیه نیروهای انقلابی و کمونیست را در مقابل آنها روشن می نمود. وقتی کودتای نظامی دولت از هاری صورت گرفت اگرچه به طری آلترا نیولیبرال - ها از جانب امپریالیسم توجه صحیحی نمود اما به تحلیل وضعیت ارتجاع پرداخت و روشن آینه جنبش و وظایف توده‌ها را توضیح داد و نقش خائنه لیبرال‌ها را افشا نمود. در اعلامیه‌ای خطاب به کارگران مبارزان، رزمندگان کمونیست، با تشریح شرایط جنبش برای کمونیستها، با انحرافات اکتون - میستی که به نقش جنبش دمکراتیک کم‌بها می - داد، مرز بندی کرده و ضرورت رهبری طبقه کارگر و تبلیغ و ترویج حول آن را بازگسو نمود. سپس در تراکت‌های متنوعی به تشریح و تبلیغ وظایف کارگران، زحمتکشان، ده - مسو - کراهی انقلابی نیروهای مبارزان را روشن و - برداخت. با سال‌ها مسو بطبوعات، ضرورت انتشار تکثیر اخبار جنبش را طی انتشار تراکت‌های به توده‌ها توضیح داده و خود برای مقابله با سال‌ها مسو بطبوعات به انتشار رشریه "اخبار انقلاب" پرداخت. سازمان با یادکرد شرایط، به تبلیغ و ترویج ضرورت تشکیل هسته‌های مسلح و در دستور قرار دادن مبارزه مسلحانه توده‌ای اقدام کرد و وظایف نیروهای انقلابی و توده‌ها را در مقابل این تاکتیک روشن نمود. اگرچه اعلامیه‌های مسلح دارای انحرافات معینی بودند که ما در جای دیگر به آن پرداختیم اما این اعلامیه دارای یک جوهره کمونیستی بوده و در شرایط مسلح انحرافات اکتونیستی بر جریان "خط ۳" تشریح بود علی‌ه اکتونیسم سازمان برای کارگران نفت و... نیز پیما مهای متعدد فرستاد، وظایف عملی آنان را در مقابل رژیم روشن نموده و از توده‌ها دعوت نمود به

اطلاعیه

بخش ماکسی - لنینیستی
سازمان مجاهدین خلق ایران

کارگران مبارز! رزمندگان کمونیست!

سازمان مجاهدین خلق ایران
۱۳۰۷

پیش‌بسی‌سوی‌سوی‌سوی
پیش‌بسی‌سوی‌سوی‌سوی
پیش‌بسی‌سوی‌سوی‌سوی

فعالیت سوسیالیستی سازمان در این دوران تنها محدود به تبلیغات سوسیالیستی عینی از طریق تماس و پیوند با طبقه کارگران نبود بلکه در سطح وسیعتر، سازمان با انتشار نشریات کارگری ترویجی و تبلیغی به ارتقا آگاهی سوسیالیستی کارگران کمک مینمود. متأسفانه در بر خورد به قیام، به دلیل انحرافات که جنبش کمونیستی و سازمان به آن آلوده بود، سازمان نتوانست نقش فعالی را در مقابل آن ایفا کند. شرکت رقیای سازمان در قیام، به دلیل فقدان شکل سازمان ندهی نیز، نتوانست پاسخگوی وظایف کمونیستی سازمان گردد. علیرغم این انحرافات و عوایق ناشی از آن، بعد از قیام نیز سازمان فعالیت خود را تشدید نمود. آنچه در زیر می بینید، گوشه‌هایی از فعالیت - های تبلیغی - سیاسی سازمان از مهر ۵۷ تا اسفند ۵۷ یعنی دوران قیام و اندکی بعد از آن است.

اینک نگاهی به گوشه‌هایی از فعالیت تبلیغی - سیاسی سازمان در دوران قیام مبیاً نذازیم مهر ۵۷ - اطلاعیه بخش ماکسیستی - لنینیستی سازمان مجاهدین خلق.

در این اطلاعیه تغییر مشی سازمان و بر - خورد انتقادی به گذشته، فشرده دیدگاه‌های سازمان را در بر خورد به ساخت جامعه و وضعیت طبقات (آرایش نیروها) نقش خیا نت پیشه بورژوازی لیبرال، شعرا و استراتژیک مرحله - ای، وظایف عاجل کمونیستها (پیوند با طبقه و ایجا دحزب) توضیح داده شده است.

آبان ۵۷ - اطلاعیه کودتای نظامی، آخرین حربه رژیم شاه‌خائن.

در این اعلامیه سازمان ضمن تحلیل علل کودتای شرایط جنبش و وظایف توده‌ها و راه مقابله با دولت نظامی را توضیح میدهد. اعلامیه کارگران رزمنده، رزمندگان کمونیست در این اعلامیه سازمان ضمن تحلیل از آرایش طبقات، ضرورت انضای بورژوازی لیبرال خائن و... وظایف کمونیستها را در این مقطع توضیح داده و چگونگی تبلیغ - رژیم روشن نموده و از توده‌ها دعوت نمود به

مبارزه مسلحانه را تا نابودی کامل امپریالیسم ادامه دهید!

هموطنان مبارز!
تمام پیروان خلق‌های ما، به نیروی لایزال توده‌ها و بقدرت سلاح خود، ارتقا این آلت مبارزه با مسلحان را خود را اعلام کنید.
امپریالیسم نیست.

اخبار انقلاب

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
۰۷/۱۱/۵۹

پیش‌بسی‌سوی‌سوی‌سوی تشکیل "شوراهای انقلابی سربازان"

آنکه باشد باید از طریق شورای فرماندهان آن واحد انتخاب شده...
سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

پیش‌بسی‌سوی‌سوی‌سوی تشکیل هسته‌های مسلح خلق

حیات مسلحان از نظام سیاسی و توده‌ها...
شوراهای سربازان ارتش و پلیس...
تشکیل هسته‌های مسلح...
سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

کمکهای مالی دریافت شده

| ردیف | نام | مبلغ | ردیف | نام | مبلغ |
|------|-----|------|------|-----|------|
| ۱ | ... | ... | ۱ | ... | ... |
| ۲ | ... | ... | ۲ | ... | ... |
| ۳ | ... | ... | ۳ | ... | ... |
| ۴ | ... | ... | ۴ | ... | ... |
| ۵ | ... | ... | ۵ | ... | ... |
| ۶ | ... | ... | ۶ | ... | ... |
| ۷ | ... | ... | ۷ | ... | ... |
| ۸ | ... | ... | ۸ | ... | ... |
| ۹ | ... | ... | ۹ | ... | ... |
| ۱۰ | ... | ... | ۱۰ | ... | ... |
| ۱۱ | ... | ... | ۱۱ | ... | ... |
| ۱۲ | ... | ... | ۱۲ | ... | ... |
| ۱۳ | ... | ... | ۱۳ | ... | ... |
| ۱۴ | ... | ... | ۱۴ | ... | ... |
| ۱۵ | ... | ... | ۱۵ | ... | ... |
| ۱۶ | ... | ... | ۱۶ | ... | ... |
| ۱۷ | ... | ... | ۱۷ | ... | ... |
| ۱۸ | ... | ... | ۱۸ | ... | ... |
| ۱۹ | ... | ... | ۱۹ | ... | ... |
| ۲۰ | ... | ... | ۲۰ | ... | ... |
| ۲۱ | ... | ... | ۲۱ | ... | ... |
| ۲۲ | ... | ... | ۲۲ | ... | ... |
| ۲۳ | ... | ... | ۲۳ | ... | ... |
| ۲۴ | ... | ... | ۲۴ | ... | ... |
| ۲۵ | ... | ... | ۲۵ | ... | ... |
| ۲۶ | ... | ... | ۲۶ | ... | ... |
| ۲۷ | ... | ... | ۲۷ | ... | ... |
| ۲۸ | ... | ... | ۲۸ | ... | ... |
| ۲۹ | ... | ... | ۲۹ | ... | ... |
| ۳۰ | ... | ... | ۳۰ | ... | ... |
| ۳۱ | ... | ... | ۳۱ | ... | ... |
| ۳۲ | ... | ... | ۳۲ | ... | ... |
| ۳۳ | ... | ... | ۳۳ | ... | ... |
| ۳۴ | ... | ... | ۳۴ | ... | ... |
| ۳۵ | ... | ... | ۳۵ | ... | ... |
| ۳۶ | ... | ... | ۳۶ | ... | ... |
| ۳۷ | ... | ... | ۳۷ | ... | ... |
| ۳۸ | ... | ... | ۳۸ | ... | ... |
| ۳۹ | ... | ... | ۳۹ | ... | ... |
| ۴۰ | ... | ... | ۴۰ | ... | ... |
| ۴۱ | ... | ... | ۴۱ | ... | ... |
| ۴۲ | ... | ... | ۴۲ | ... | ... |
| ۴۳ | ... | ... | ۴۳ | ... | ... |
| ۴۴ | ... | ... | ۴۴ | ... | ... |
| ۴۵ | ... | ... | ۴۵ | ... | ... |
| ۴۶ | ... | ... | ۴۶ | ... | ... |
| ۴۷ | ... | ... | ۴۷ | ... | ... |
| ۴۸ | ... | ... | ۴۸ | ... | ... |
| ۴۹ | ... | ... | ۴۹ | ... | ... |
| ۵۰ | ... | ... | ۵۰ | ... | ... |

وابسته و افشای سازشکاران توضیح داده میشود. اعلامیه: کارگران مبارزان اعضای سندیکای مستقل با فتنه سوزنی و کثیفا!

در این اعلامیه، مبارزات کارگران با فتنه سوزنی مورد حمایت قرار میگردد. اعلامیه: با توطئه اخراج کارگران به مبارزه بریزیم!

تحت عنوان فوق ضمن توضیح علت بیکار شدن کارگران، راه مقابله با آن وظایف کارگران را در این رابطه توضیح میدهد.

تراکت: با مبارزه قهرآمیز توده‌های انقلاب را به آخر برسانیم

در این تراکت نیز ضرورت مبارزه قهرآمیز علیه رژیم برای تکرار شدن تجارب شوم ۲۸ مرداد ۳۳ و امثال آن، توضیح داده میشود. تراکت: انقلاب را به آخر نبریم

در این تراکت علیه سازش رهبران هشدار داده میشود و از توده‌ها خواسته میشود با مبارزه مسلحانه تا سرنگونی کامل رژیم، انقلاب را ادامه دهند.

تراکت: مبارزه مسلحانه را تا نابودی کامل سلطه امپریالیسم ادامه دهیم

در این تراکت که در روز ۲۲ بهمن منتشر میشود، علیه اصطلاح "بیطرفی" دروغساز ارتش هشدار داده میشود و ضرورت نابودی کامل ارتش دست پرورده امپریالیسم توضیح داده میشود.

اعلامیه: پیش بسوی تشکیل شوراها و انقلابی سربازان

این اعلامیه ۴ روز بعد از پیروزی قیام خطاب به پرسنل انقلابی منتشر شد و در آن ضرورت تشکیل شوراها و سربازان، افشا و طرد فرماندهان مزدور... توضیح داده میشود.

اعلامیه: ارتش مسلح خلق و ارگانهای دفاع توده‌ای را سازمان دهیم!

در این اعلامیه نیز چگونگی حفظ دستاوردهای قیام و مقابله با فتنه انقلاب سابق توضیح داده شد در عین حال دارای انحرافات راستروانه‌ای در برخورد با رژیم جدید بود. کلا اعلامیه‌هایی که در دوران اولیه حکومت جدید منتشر میشد، عمدتاً دارای انحرافات راستروانه بودند.

اعلامیه: دولت موقت انقلابی و برپا شدن

در این اعلامیه سازمان درک خود از دولت موقت انقلابی و وظایف آنرا توضیح داد.

اعلامیه: پیش بسوی تشکیل شوراها و کارگری!

در این اعلامیه ضمن ضرورت تشکیل شوراها به منظور حفظ دستاوردهای قیام، وظایف آنرا نیز توضیح میدهد.

در اوایل بهمن ماه ۵۷ سازمان به نشریات ترویجی و سیاسی کارگری از جمله "پیکار کارگر" و "کارگر به پیش" منتشر نمود، شماره پیکار کارگری درباره توضیح "جمهوری دمکراتیک خلق" و دیگری در مورد "حزب" "پرونده تشکیل آن و نقش آن در انقلاب" بزرگ بود. برای کارگران منتشر گشت. کارگر به پیش شماره ۱ نیز در اوایل بهمن ماه انتشار یافت که چگونگی سازماندهی مبارزات کارگران و تشکیل هسته‌های کارگری را شرح میدهد، همچنین جزواتی نظیر "اعتماد بلیات مونتوروز... که به جمع‌بندی مبارزات کارگران و نقاط ضعف وقت آن میبپردازد، منتشر میشود. سازمان بعد از قیام نیز فعالیت کارگری (سوسیالیستی) و دمکراتیک خود را افزایش داد و امروزه ما با جمع‌بندی از تجارب گذشته میکوشیم اسرخی پیروزی پرولتاریا ایران را راهمو رسانییم. برافراشته با پرچم سرخ پرولتاریای ایران!

طبقه کارگر توضیح داده شده و از توده‌ها دعوت میشود با برپایی اعتصابات، نظاهرات سیاسی و کمک رسانی مادی به حمایت از کارگران اعتصابی برخیزند.

تراکت: با تشکیل هسته‌های مسلح، ارتش انقلابی خلق را هرچه قوی‌تر در تدارک ببینیم!

در این تراکت از توده‌ها دعوت میشود تا مبارزه مسلحانه را در دستور کار داشته و با تشکیل هسته‌های مسلح به جنگ مسلحانه علیه رژیم برخیزند.

اعلامیه: پیش بسوی تشکیل هسته‌های مسلح در این اعلامیه در مورد ضرورت به کار گرفتن تاکتیک فوق و اشکال عملی مبارزه مسلحانه که در دستور روز قرار گرفته است، توضیح داده میشود و از آن به عنوان تاکتیکی درجهت ارتقا سطح مبارزات توده‌ها یاد میشود.

تراکت: ساواکی‌ها، خائنین، جا سوسان و غیر... چینی را معرفی و مجازات کنید.

در این تراکت مجازات عوامل رژیم به عنوان یکی از وظایف هسته‌های مسلح و توده‌ها مورد تاکید قرار میگردد.

تراکت: سربازان، درجه‌داران و افسران شرافتمند! در این تراکت به سربازان رهنمود داده میشود: هائی در چگونگی تشکیل ارتش مسلح خلق

تراکت: با تشکیل هسته‌های مسلح، ارتش انقلابی خلق را تدارک ببینیم.

این تراکت نیز به توضیح ضرورت برپا داشتن هسته‌های مسلح می پردازد.

تراکت: توطئه سکوت رژیم مزدورشاها را خنثی کنیم!

در اینجا به افشای توطئه رژیم مزدور - مزدور مطبوعات برای بی خبرگذاشتن توده‌ها از وضعیت جنبش پرداخته میشود و وظایف توده‌ها در قبال این عمل ارکانه انتشار و گسیب مرموز و زمره شرح نظاهرات و اعتصابات... میباشد، توضیح داده میشود.

تراکت: توطئه سکوت رژیم‌ها را با شرکست مواجه کنیم.

این تراکت نیز مضمونی شبیه تراکت بالا دارد.

نشریه خبری "آخبار انقلاب"

این نشریه به دنبال رهنمودی که سازمان در جهت پخش آخبار رومبارزات توده‌ها، برای مقابله با ساونور مطبوعات داده بود، از طرف خود سازمان انتشار رومورد استقبال وسیع قرار میگردد.

دی ماه

انتشار شماره‌های ۴ و ۳ و ۲ آخبار انقلاب این نشریه خبری زمانی که مطبوعات به همست توده‌ها از زیر تیغ ساونور آزاد میشوند، دیگر منتشر نمی شود.

تراکت: مبارز صحت نفت!

ضمن توضیح نقش خردکننده اعتصاب عظیم کارگران نفت که رژیم را بلرزاند، اشاره به وظایف کارگران را در طول اعتصاب شرح میدهد.

اعلامیه: "ناهیورختیا" رجری توطئه جدید امپریالیسم آمریکا و رژیم شاه

در این اعلامیه توطئه جدید امپریالیسم که بصورت برسرکار آوردن ناهیهورختیا است مفعلاً توضیح داده میشود.

تراکت: کارگران مبارز صحت نفت، پیشگاه ما جنبش فدلطنتی و فدا امپریالیستی ایران!

به توضیح نقش مبارزات کارگران صنعت نفت و وظایف آنان می پردازد.

بهمن ماه

پیروزی نهائی چیست و چگونه تا مین میشود؟ در این اعلامیه ضرورت برپا داشتن قیام مسلحانه به منظور نابودی رژیم سرمایه داری

بعلت سوسیالیستی و دموکراتیک را ذکر میکنند و با انحرافات کونومستی در برخورد به قیام مرزبندی می نماید. سند شماره ۲ تراکت: چه سستی منافع امپریالیستهارا تا مین میکند؟

که در آن توضیح میدهد که منافع امپریالیستها چرا با منافع رژیم شاه هرگز خورده است و بعد ریخ از آن حمایت میکنند و به فشای ماهیت فدلطنتی سیستم سرمایه داری وابسته رژیم ارتجاعی شاه می پردازد.

تراکت: کارگران و زحمتکشان!

که در آن نقش طبقه کارگر در جنبش توضیح داده میشود.

تراکت: هم میهنان مبارز!

در این تراکت عقب نشینی شاه، ماهیت قانسون اساسی و نقش لیبرالها مورد افشا قرار گرفته است.

تراکت: هم میهنان مبارز!

در این تراکت نیز مضمونی آزادی و استقلال و چگونگی تحقق آن توضیح داده شده است.

تراکت: کارگران و زحمتکشان!

که در آن ضرورت تشکیل حزب کمونیست، و علت اینکه طبقه کارگر بزرگترین نیروی دمکرات است.

تراکت: دمکراتهای انقلابی، انقلابیون کمونیست

در این تراکت ضرورت وحدت انقلابیون و مقابله با خنرقه اندازی روهائی ارتجاعی و قشری مورد تاکید قرار میگردد.

بزرگترین دژ امپریالیستهای جهان خوار در منطقه فرو می ریزد

در این تراکت ضمن پیش بینی سرنگونی نزدیک رژیم شاه، اشکال تصرف قدرت سیاسی (قیام) مورد تاکید قرار میگردد.

به پشتیبانی از جنبش اعتصابی کارگران مبارز صحت نفت برخیزیم.

در این تراکت ضرورت و چگونگی پشتیبانی توده‌ها از کارگران نفت توضیح داده میشود.

معنی پیروزی چیست

در این تراکت معنی پیروزی که جز نابودی رژیم ارتجاعی سرمایه داری وابسته شاه و استقرار جمهوری دمکراتیک خلق نیست، توضیح داده میشود.

از آخرین انتشارات آن ماه انتشار نشریه کارگری "خبرنامه کارگری" است که در آن شرح اعتصابات و مبارزات کارگران درج شده است.

آذرماه ۵۷

تراکت: برادران ارتش!

در این تراکت برای سربازان و درجه داران ارتش، نقش ارتش فدلطنتی و جنایات آن توضیح داده شده است و از آن دعوت میشود که به جنبش انقلابی خلق بپیوندند.

تراکت: افراد ارتش را دیوار چین از خلق جدا نمی سازد.

در این تراکت توضیح داده میشود که تنها فرزندان زحمتکشان هستند نیز مورد رژیم شاه خائن و ارتش فدلطنتی قرار میگردد و از پرسنل انقلابی ارتش دعوت میشود همبازی خلق، به مبارزه علیه رژیم بپردازند.

تراکت: دفاع از آب و خاک یا دفاع از منافع کثیف جهان خواران امپریالیستی و رژیم ارت-گرشا!

در این تراکت نیز نقش ارتش فدلطنتی شاه افشا شده و از پرسنل انقلابی ارتش می - خواهد با ایجاد دستکلیات انقلابی در درون ارتش شگاف ایجاد نموده و نابودی آنرا تسریع کنند

تراکت: به پشتیبانی از جنبش اعتصابی کارگران مبارز برخیزیم!

در این تراکت نقش جنبش اعتصابی

رفقای پیکار سلام

امیدوارم در پیکار انقلابی تان پیروز باشید.

طی رهنمود صحیحی که در پیکار "۸۶" برای ارسال منظم کمکهای مالی نوشته بودید، تصمیم گرفتیم از این به بعد کمکهای مالی خود را بطور منظم هر ماه ۹۴۵۵ ریال (۲۲۲۵ ریال حقوق ما ماهانه ۷۲۰۰ ریال فوق العاده یعنی حق ما موریت) برایتان بفرستیم.

من میتوانم از پولی که بوسیله‌ها نوداه - ام دریا فت میکنم، گذران کنم، و وظیفه خود می دانم زهر ظریفی که میتوانم (حتی از جانم) به برقراری جمهوری دموکراتیک خلق (و ناگزیر به سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر) کمک کنم.

با آرزوی موفقیت برای پیکارگران سربازان و رهبران سازمان در جنبه (ع)

توجه: کمکهای ارسال کردار رفقای تهران و میا ندوب بعلت کمبودجا درشاه راه آینده درج خواهد شد.

بقیه از صفحه ۱۲ قیام ۵۵

طبقه کارگران نسته بودند مهر خود را بر بسپارن این جنبش دلاورانه بکوبد. اما طبقه کارگر توده‌های ستمدیده توقف نخواهند کرد آنها تا دیروز علیه رژیم سرسپرده به سلولی مبارزه میکردند و امروز علیه رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی به مبارزه خود ادامه میدهند. آنان این بار مصمم اند تا در زیر پرچم سرخ طبقه کارگران استقرار جمهوری دمکراتیک خلق به پیش روند.

همراه با پیکار شماره ۹۳:

ضمیمه اول: کارنامه جنایات دوساله رژیم جمهوری اسلامی

ضمیمه دوم: کارنامه مختصر مبارزات دلاورانه طبقه کارگر و خلقهای ایران علیه امپریالیسم و رژیم جمهوری اسلامی

همه جا حبه با عده های از رفقا:

هددوش با خلق در قیام مسلحانه شگوه همدند بهمن

در پی خلق سلاح مردم بودند. آنها عوا مفریانه میگفتند سلاحها را باید به دکان کده بر کنترل نیروی هوایی میباشند تحویل داد. اما بروا صح است که آنها میخواستند سلاح بدست مردم نیفتد و سرنوشت آنها را نا رهبران تعیین کنند. در واقع در همین زمان است که ضد انقلاب جدید شکل گرفت.

تصرف مرکز ساواک سلطنت آباد و اوین بدست خلق

"الف": شبیه دوشهر غوغا بود و تمام خیا با آنها و کوچها و محله ها در انتظار وقوع حادثه بزرگ بودند. شتوالاتی از قبیل اسلحه از کجا کبیریا وریم؟ کسی ارتش سقوط میکند؟ چقدر کشته خواهد داد؟... در فضای شهر برای کشته بود و نظا هرات، گردهمایی های پراکنده در اینجا و آنجا و شجریا فریاساد "رهبران ما را مسلح کنید"، "در جریان بود بعد از ظهر زمانی که اعلام حکومت نظامی شد ما آمدم و در نقاط جمعا لزا ده - آزادی یک گروه تشکیل داده و شروع به ساختن کوکتل مولوتف کردیم.

یکشنبه صبح به اطراف پا دگان نیروی هوایی رفتیم. همافران مبارز چهره های خود را سیاه کرده بودند تا مورد شناسایی عوام مل مزدور شاه قرار نگیرند. آنها در حالیکه سلاح در دست داشتند مردمی سلاح را به پنا ه گاهها هدا یت میکردند. من به یکی از آنها گفتم چرا تمرکز کردید با عدا منی ترسید؟! به من لبخند زد. روحیه او سرشار بود از جانبازی و از خود گذشتگی. آنها که از رژیم فاسد شاه فرما ندها ن مزدور ارتش آریا میری بشدت متفرف شده بودند به جنبش خلق روی آورده بودند تا به همت توده های خلق نظامی جدید برقرار شود. اما آنها در آن موقع ننمیدانستند که رژیم جمهوری اسلامی همان ارتش و همسان فرما ندها ن مزدور را دوباره ابقاء خواهد کرد و بر سر نوشت آنها ن حاکم خواهد نمود. دوشنبه صبح به طرف ساواک سلطنت آباد در رفتیم. جایی که در زمان شاه خن مرکز جاعتی کمیونستها و سایر انقلابیون بود. جایی که کوهی از اسناد را در مورد کمیونستها و آزادیخواهان در خود انباشته بود. در زمان شاه این محل مرکز مخوفی بود که کسی جرات نزدیکی به آنرا نداشت. اما اینک سقوط کرده بود. مبارزات قهرمانان توده ها تمامی مراکز دشمن را مانند کاذب غنذی مجا له نموده و پیوستگی ذاتی رژیم را به هم نشاند. گذشته بود. ما به همراه عده از مردم به دیوارها و ساواک حمله کردیم و آنرا خراب نمودیم. از میان جمعیت فرساید میزدند داخل تروید مین منفجر میشود. ولی در همین موقع بناگهان یکی از افراد جان باخته در داخل شکافی که ایجاد شده بود نیبورد. که بلافاصله یک مین منفجر میشود درجا او را میکشد. در حقیقت مردم بخاطر این به



رویا روشی انقلاب و ضد انقلاب در روزهای قیام. صحنه هایی که این روزها نیز منتهی حماسه آفرین تکرار میشود

مردم نشان میدادند. با لآخره در حالیکه مردم بسوی در همدیگر افسار میدادند، ناگهان به داخل هجوم برده و بسوی اسلحه خانه دویدند و در آنجا با لگدگشودند. همه خود را مسلح کردند و نماز سیزده قیسه - ۳ صا دره کردیم تا یعه شده بود که گاردیها به پای دگان حمله خواهند کرد و به همین خاطر مردم برای مقابله با گاردیها شانه ها ی اسلحه می طلبیدند. در جلوسود فرما ندها ن سعی میکردند اسلحه ها را از مردم بگیرند. ما یکبار از سربازان و یکی از افسران جوان مردم را به مقابله دعوت کرده و در همان لحظه که آنها را استعمال را بلد نشودند تیرا میدادند. ما برای دفاع از پادگان و مقابله با گاردیها دریا دگان ما نندم. در همین زمان یک عده از کمیته جی ها به آنجا آمدند. آنها همزبان با فرما ندها ن، مخالف ما دره اسلحه ها بودند. مسئله جالب این بود که بر خورد سربازان و افسران از یکطرف و فرما ندها ن و از جمله یک سرهنگ تمام از طرف دیگر. ملا متفوت بود. در برخورد سربازان و افسران روحیه همراهی و همدلی با مردم موج میزد. در حالیکه در برخورد سرهنگ تمام روحیه افسران به قوا نین ارتجاعی و رعایت نظم و دیسیپلین شانه ها ی مسلط بود. آنچنان روحیه محافظه کارانه و اعتقاد به نظم کهن بر آنان حاکم بود که موقعی که مردم با تعرض خود آنها را اسلحه خالی کرده نبودند یکی از این فرما ندها ن که چند اسلحه را از مردم گرفته بود دنبال شماره های اسلحه میگشت تا در انبار آنها را دوباره تنظیم کند!

نگته جالب دیگر این بود که از آنجا که مقاومت همافران در برابر گاردیها در میان مردم نسبت به نیروی هوایی سمپا یت موجود آورده بود از آنجا که این با دگان متعلق به نیروی هوایی بود کمیته جی ها از این روحیه سوء استفاده کرده و از مردمی که از ما گز مختلفا اسلحه ما دره کرده بودند میخواستند تا اسلحه های خود را به پای دگان ما بیاوردند جنوبی تحویل دهند. کمیته جی ها که وابسته به ناهربان سازتکار بودند از همان روز قیام

کوچک بردزیدای ندارد و به همین خاطر ما خواها ن متشکل شدن هستیم. من گفتم: ما همدین نیستیم. من بیگاری ام. و گفت بهر حال ما حاضریم شما همگاری کنیم. بر این اساس یک قرار رژیم را تبدیل کردیم و دوباره تیرا ندازی مشغول شدیم در همین لحظه بود که یک نفر بی سلاح که در کناره من قرار داشت از سمرودا ما بت مزدوران شاه قرار گرفت و بلافاصله در برابر چشم ما من به شهادت رسید. مسئله ای که بسیار جالب بود روحیه سلحشورانه مردم بود. آنها بدون سلاح در پشت درختها، کنار دیوار، پشت ماشین های ارتشی معادله شده. توی جوی ها و پشت افراد مسلح سنگر گرفته بودند و شوق شکست دادن دشمن سرا ی آنها را فریاد میزدند. آنها از هیچ چیز نمی ترسیدند. آدم میدیدوا قما توده ها تاریخ سازند آدم میدیدم ما نی که توده ها به عمیان درمی آیند مشهورانه ترین اقدامات و ابتکارات را بکار میبندند. با لآخره در آنکه سقوط کرد و زمانی که من به انبار میجات رسیدم همه اسلحه ها معادله شده بود. فقط نارنجکها باقی مانده بود. من یکبار نارنجک معادله کرده بودم تا بتوانم در جای دیگر آنها را بکار بگیرم.

تمایل سربازان و ضدیت فرماندهان نسبت به قیام

"س" و "ق" ما یکشنبه صبح مسلح به اسلحه کمتری چهارده تیربارا شوت و اسلحه کمتری ۷/۶۸ که متعلق به سازمان بود بسوی پای دگان هوایی مهرآباد حرکت کردیم. مردم وسیعی دور تا دور پای دگان را محاصره کرده بودند. عده ای از سربازان که در اطراف نگهبانی بالای دیوارها سنگر گرفته بودند مردم را به هجوم تشویق میکردند. مردم در مشتله اسلحه با التهاب در پی هجوم بودند و در همین موقع فرما ندها نی که آنجا بودند با دادن اسلحه مخالفت میکردند. اما درست برعکس برخی از سربازها در اسلحه خانه را به

دردوران قیام، سازمان ما علیرغم موضعگیری درست خویش در قبایل ضرورت قیام مسلحانه توده ای از استحکام سازمانی متناسب برخوردار نبودیم که بتواند نقش رهبری کننده ای در بسیج سازمان تدهی توده ها اعمال نماید. اما این ضعف که انکاسی از ضعف عمومی جنبش کمونیستی بود ما بجای خود به آن برخورد کرده ایم هرگز - آنطور که برخی فرما ندها ن ما بیلند - به معنی آن نبود که رفقا و هواداران پیکارگر ما، در قیام مسلحانه برای درهم شکستن رژیم وابسته به امپریالیسم شاه خن هیبای توده ها شرکت میکنند.

با حرکت از همین واقعیت، با عده ای از رفقا که امکان تماس با آنها فراهم بود (و به اندازه ای که در صفحات محدود نشریه پیکار بگنجد) ملاحظه می نمودیم. ملاحظه می نمودیم که در زیر ملاحظه می نمودیم. ملاحظه می نمودیم که در زنده گوشه های از قهرمانی های پرتکوه توده ها را علیه رژیم شاه خن به نما پیش گذاشته و بطور مشخص نشان میدادند چگونه دولت محصول سازش از همان روز قیام به خلق سلاح توده ها و انقلابیون دست میزند!

سقوط دانشکده افسری

"ج": یکشنبه صبح همراه یکی از رفقای مرکزیت با مسلسل "شتا بر" دست ساخت خود سازمان به پای دگان قلعه مرغی رفتیم. با دگان تسلیم شده بود اما توده های مردم ما در آنجا دیگر که شری از دشمن بودند تنها اسلحه بودند. فرما ندها ن شانه ها ی جلومردم را گرفته بودند و مانع ورود آنها میشدند. ما اسلحه های خودمان را نشان دادیم و به داخل ساختمان مرکزی رفتیم. ما در پی آن بودیم تا محصل اسلحه ها را شناسایی کنیم و به مردم اطلاع دهیم. اما متاسفانه موفق به این کار نشدیم. موقع بیرون آمدن یک درجه دار جلوی ما را گرفت و گفت اسلحه ما ل کیست؟ ما گفتیم این اسلحه ها دست ساز زوده و ستارها در راست و متعلق به خود ما است. اما درجه دار شانه ها ی از بیرون آمدن ما میخواست جلویگیری کند که ما بسا خنونت او را کنار زدیم. و بیرون آمدیم. بسا از آن به میدان ارک رفتیم در ساختمان دولتی روبروی ساختمان رادیویکسری از فرماندهان و ساواکی ها سنگر گرفته بودند و متفوت می کردند به بعد از چند ساعت درگیری با لآخره تسلیم شدند و کمیته جی ها بنا خل ساختمان ریخته و فرما ندها ن دستگیر شده را بیرون میاوردند. در همین موقع مردم بسوی فرماندهان هجوم میبردند تا آنها را تکه تکه کنند! اما کمیته جی ها جلومردم را میگرفتند و مانع از آن میشدند تا مردم کینه انقلابی خود را بر سر مزدوران خالی کنند. بلافاصله بطرف دانشکده افسری رفتیم توده کشیری در آنجا جمع شده بود فقط تعداد معدودی به اسلحه مسلح بودند هر فرد مسلحی در واقع به سنگری تبدیل شده بود هر قدر که او جلومیرفت توده زبایدی به دنبال او روان میشدند. من نیز با اسلحه خود سنگرگیری کرده و بسوی ارتشی ها شلیک می نمودم. البته متاسفانه اسلحه من دارای برد قوی نبود و به همین خاطر اسلحه "ا۳" یکباریک نفر دیگر را که کاپر در آنرا بلند نبود گرفت و به تیر اندازی ادامه داد. در همین موقع یکی از افرادی که مسلسل شتا بر من را دیده بود بطرف من آمد و گفت ببخشید شما مجا همدین هستید؟ قبل از آنکه من جوابی بدهم و گفت: من با یک گروه مذهبی کار میکنم اما کاریک گروه

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

مرکز مخوف ساواک حمله میکردند تا ماسی
برونده‌های ساواک را در پیشگاه خلق افشا
کنند. و بنا بود ساواک ما را قیامت این بود که
اکثرییمان در روز قیامت مرد ما این استناد
ساواک یا ساواک را جدیدی پیدا کرد، بنحوی
که در میان جمعیت کمیته‌ها هائی که بطور
پراکنده وجود داشتند میگفتند: "پرونده‌ها را
نیا بدیدم آنها را لازم داریم" (۱؟)

بله و اما بقدرت رسیدگان جدیدی
برونده‌های ساواک احتیاج داشتند چرا که
بعدا زنده‌مردور، اینان نیز با انقلابیون
و کمونیستها سروکار داشتند!
پس از سلطنت آبا و ما پهناندا ن اوین
رفتم، آنجا تا ز به تصرف توده‌های خلق در-
آمده بود، هنوز برنجائی که شکنجه‌گران برای
زندانیان سیاه‌ها آماده کرده بودند دروی
اجاق‌ها بود، فضای مرکب را وین به فضای
شادی و پیروزی تبدیل شده بود، بوی برنجهای
بخته شده بوی فتح و تصرف بر شکوه شکنجه‌گاه
وین و قریا دشورا انگیز مردم در هم آمیخته شده
بود، ما بهمراه ان سوهی از توده‌ها بدنیسال
زندانیان سیاسی و آلات شکنجه رژیم کینیف
پهلوی به قسمت سلولهای انفرادی هجسوم
بردم، مردم نمیدانستند که ما طرف میروند
آنان ما نندسلی در راهروها و پله‌ها جاری
بودند، هر جا راهروئی میدیدند به آن داخل
میشدند و هر کجا که در بسته‌ای مشاهده میکردند
با خونین انقلابی آن را میکشودند، در همین
استان با ورود حدود ۳۰ نفر به قسمت سلولهای
انفرادی ناگهان درهای توما تیک آلبانی
قسمت بسته شد و برای یک لحظه وحشت آفرید.
اما اراده بولادین مردم نمیکشاد هیچ دری
بسته میماند، مردم در امانه معرض خود به اسلحه‌ها
شیر دست یافتند، ما نیز چند قبضه ۳ و دو
سلسل یوزی ما دره کردیم، هنگام مپیرون
آمدن، آخوندها و کمیته‌چی‌ها جلوی مردم را
گرفته و آنها را خلع سلاح مینمودند، آنها
نمیخواستند قیامت ما میاید، آنها نمیخواستند
انقلاب به پیروزی کامل برسد، آنها از مسلح
شدن توده‌ها، انقلابیون و کمونیستها وحشت
داشتند، آنها برای ا مقابله با جنبش پیش-
رونده توده‌ها به خلع سلاح توده‌ها و انقلابیون
محتاج بودند، چرا که از این بین خود را در برابر
آنها میبافتند.

سقوط عشرت آباد

ب: "روز ۲۱ بهمن را با سنگریبندی، کیه
شن برگردن درخت‌هایی (ته قلعه مرغی) گذراندم
روز ۲۲، بمن من بهمراه ۲۰ رفیق دیگر با یک
سلسل سبک "شتا بر" و یک اسلحه کمری ۱۴ تیر
"پارا شوک" که هر دو متعلق به ساواک زمان بودند
بسمت نازی آبا در حرکت کردیم، کلانتری
میدان با زا رود ما دره شده بود، آنجا به
کلانتری واقع در خیابان شهاب زوسین به
پادگان نیروی هوئی (تهران نو) رفتیم که
هر دو نیز در دست افراد مسلح بود، بسمت
پادگان ن عشرت آباد، حرکت کردیم، آنجا هنوز
سقوط نکرده بود، دورتا دور آن بجز قسمت
شمال در محاصره مردمی بود که با اشتیاق و شور
فراوان در دم داخله به پادگان بودند، جز
افراد معدودی، اکثر آنها بدون سلاح بودند.
در این موقع برتا با گوکتل مولوتف قسمتی
از پادگان آتش گرفت، دیوار قسمت جنوبی
پادگان را با میله‌های آهنی سوراخ کردیم
تا بداخل هجوم ببریم و در همین زمان مرتسب
صدای گنگ و سلسل و تیربار را از داخل پادگان
میا مد نظرمینان از ترس ما ختمناهی اطراف
پادگان را خالی کرده و بسا ختمان مرکزی
پادگان پتاه برده بودند، و از همان نقطه

مردم را بهر کما رمی بستند، پس از سوراخ شدن
دیوار ما در کتا را فراد مسلح دیگری که به ۲۰
الی ۳۰ نفر میرسدیم، با سنگگیری پشت
زده پوشا سینه خیز بطرف ما ختمان مرکزی
میرفتیم، در پشت ما توده‌های غیر مسلح با بی
باکی و: شیا زی نظیری جلوسیا مندند
دو طرف مرتب شلیک میند و از دو طرف افراد
زیادی کشته شدند، در واقع عشرت آباد دپس
تلفات ترین مراکز درگیری با دشمن تپکار
بود، برای آنکه حیثه عمل گسترده شود در
صورت لزوم مکان جدیدی برای عقب نشینی
فرار هم کرده، مردم ما با شینهای ارتشی و
دولتی به دیوارهای شرقی پادگان مسی -
کوبیدند و آنرا خراب میکردند، در همین موقع
یک تیر به پشت سر من اما بت کرد، اما آنجا
که بطور سطحی ساوین سر خورد کرده بود، فقط
منجر به خونریزی شد، مرا بلافاصله به بیمارستان
بوندویان رسان کردند و من دوباره به پادگان بر-
گشتم، آنروز آنقدر بالشتاب بود که آدم میخواست
در آن واحد در تمام درگیری‌ها حاضر و فعال باشد،
در این موقع دیگر ساوین ختمان مرکزی به
محاصره مردم مسلح و غیر مسلح درآمده بود،
سرپازان لباسهای ارتشی خود را کشته و دستها
بحالت تسلیم، بسوی جمعیت میا میدن و سرور
با قهرمانی و بی باکی بی نظیر و نیز با غرور
و شادی وصف ناپذیری برای ما دره اسلحه و
دستگیری فرماندهان مزدور، به انبارها
حمله نمودند، ما فرماندهان از قسمت شمالی
پادگان در زمان درگیری کربخته بودیم،
مردم که میدانستند سزور سلاح میتوان دشمن را
شکست داد، سلاحهای بسیار زیادی ما نند
ژ- ۳، تیربار و رانجک ما دره کرده و خود را
مسلح ساخته و بر زوینوشیای ما دره شده
پادگان سوار شده و ناخانه بسوی دانشگاه
حرکت نمودند، ما نیز چند قبضه اسلحه ما دره
کرده و بسوی مراکز دیگر دشمن شتافتیم.

هتل هیلتون و "دیو"

تسلیم شدند

"م": من در حمله به پادگان عشرت آباد
شرکت داشتم، نکته جالب این بود که وقتی
ما پادگان سقوط کرد مردم به ما با نکتا هپا ریختند
و با خشم تمام همه وسایل آن را رایتو و لحاف و
تحت را سوزا دندند من با چند رفیق دیگر که با
هم بودیم مقداری فشنگ ۳- و یک فشنگ برتر
ما دره کردیم، دم در آخوندها و کمیته‌چی‌ها
این محافظین جدید نظام رتجائی عا کما فراد
را خلع سلاح میکردند، اما مردم که اغلب مسلح
بودند ناگهان ما متقا و مت کرده و اغلب اسلحه‌ها
را انیدند به سمت ما غنا در قیامت ما مانده‌ها
فشنگ بر نوندا شتمینا بسوی مزدوران حمله
کنیم، شنیدیم یک مینی بوس در میدان پندی
فشنگ بر نوبه دست آوردیم، صبح دوشنبه از
آنجا که فقط بکنفر ما مسلح بود ما شنیده
بودیم که فدائی‌ها با کارت با بان خدمت در
پادگان اسلحه میدهند به انکتا ه رفتیم،
بلافاصله ما سهارا نوشند، مدت یکسا است
منتظر شدیم اما اسلحه ما خبری نشد، سسوال
کردیم پس اسلحه‌چی شد؟ ولی آنها با جوابهای
بی سروته ما را سر میدادند، در واقع فدائی-
ها سعی میکردند برای خود فقط تبلیغ کنند
البته آنها از انبوه اسلحه‌ها که بدست
آورده بودند به فرا دوا بسته خود میدادند
اما به هیچیک از افراد بسته یا طرفدار
نیروهای کمونیستی دیگر اسلحه نمیدادند،
بلافاصله پس از یکسا عت آنرا راندند و به فراد
زیادی که آنجا بودند گفتند: ما اسم شما را
نوشته ایم، ما شما بیرویدگان ن لویمان،
آنجا در حال سقوط است، اسلحه بگیرد، !!"

سین ما به طرف هتل هیلتون رفتیم، از
بالای هتل شلیک میکردند، ما بهمراه چند نفر
دیگر که آرم فدائی داشتند از پائین هتل را
به گلوله بسته بودیم، پس از مدتی درگیری
افراد مقاوم کشته و تسلیم شدند و به دنبال آن
"میهمانان راجی" رژیم پهلوی که فا فلکسیر
شده بودند ما بند میون دستها بینا را بسا لا
گرفتند و از هتل خارج میشدند،
پس از آنجا به طرف "دیو" رفتیم در
درگیریهای مسلحانه آنجا شرکت کردیم و بلاخویر
شعرای انقلابی توده‌ها "دیو" سقوط کرد، مردم
شامل اسلحه‌های سبک و سنگین را وسط میدان
دیور ریختند، همه مردم خود را مسلح کردند و ما
سزکلت و مسلسل ما دره کردیم، در همین
هنگام یکسری آخوندها و کینه‌چی‌ها که کشتار
کینه‌ها ما داشتند سوار بر زرد پوش هوا نسی
شلیک میکردند و می کشتند کس نیا به اسلحه -
ها را برید چون اسلحه‌ها دست زده‌ها می افتد!!
آنها با دسته متشکل خود سرا و افاع مسلسل
بودند و فرما می‌راندند،

اما کمونیستها اگر چه در کتا رتوده‌ها
منازه میکردند ما به سبب پراکندهی خود
قادر نبودیم جنبش مسلحانه نیک خلق بیا -
خاسته را هدایت کنند و نشان دهنده توده -
های که برای مقابله با دشمن اسلحه می -
خواستند در دست نیستند، بلکه زده‌ها کسان دیگری
هستند.

ساواکی بدار آویخته شدند

"الف - ج": شب ۲۱ بهمن ۸ شب بود که
ساختمان ساواک رشترا به ما حاصره در آوردیم
بچه‌ها فقط یک فشنگ سر برداشتند، و بقیه
دارای گوکتل و تفنگ بودند، اما در مقابل
ساواکیها در داخل ساختمان کما مسلح
بودند و مرتب آتش میکردند، بر اثر تیراندازی
ساواکیها یک نفر از بچه‌ها از کتف گلوله خورد
وزخمی شد و یکی دیگر هم زنا حیه کتا لسه‌ران
موردا ما بت فرار گرفت و به شادت رسیدگشته
شدن او خشم بچه‌ها را باجد انفجار برانگیخت،
درگیری تا ۴/۵ صبح ادامه پیدا کرد و بلاخو
ساواکیها بر سر تفنگ یا رج سفید را بسا لا
برند، بلافاصله ما به یکی دیگر بردا خلع
ساوین ما ساواک بریدیم، یکی از ساواکی‌ها
در حالیکه یک اسلحه در دست داشت در مقابل
ما ظاهر شد با دیدن نفر اول بدحالت تسلیم
درآمده و اسلحه خود را میا نداد، بدنیسال
ساواکی اول ۸ ساواکی دیگر در مقابل
حمیت بدحالت تسلیم در میا بند، در این موقع
دیگر حیاظ و ساوین ما ساواک، زحمیت برنده
بود، ما با چاق و لکند بجان ساواکیها افتادیم
از آنها میسریدیم زندانیان ما کجا هستند؟ آنها
میگفتند ما نمیدانیم، ما آنقدر آنها را سنگ و
چوب زدیم که زحال رفته را بلاخو کشته شدند،
ساعت ۶ صبح لاشه‌ها و اکیهای مزدور را از
ساوین بیرون آورد و در محل پارک شهر
(باغ محتشم) از پادگان به درخت آویزان کردیم،
خبر رشترا به پیچیده توده‌های مردم میدیدن
اجساد میا مدنه‌ها کس نفی بر روی جسد های
متعفن ساواکی‌ها میا نداشت و بدین ترتیب
خشم و کینه خود را نسبت به نظام مستمگر پهلوی
ابرا مییادند.

روزهای پرخاظره قیام

"ک": شب ۲۱ بهمن همه مردم در خیابانها
بودند و همه ملتبه بودند، اکثر ما شین‌ها از
حرکت با زانستانه بودند، خیابانهای اصلی
ملبوع بودا زحمیت و سرسرایین خیابانها
سنگریبندی شده بود، اوایل بعد از ظهر بود که
را دیو حکومت نظامی اعلام نمود، ولی کسی
به خانه‌ها نرفت مردم دروانت با رها و بسا
کامیونها سوار شده‌ا، این سو به تسو میرفتند.

در همان بعد از ظهر عده‌ای ازها فران که از
پادگانها گریخته بودند چهره‌های خود را سیاه
کرده و سوار بر موتور تفنگهای خود را به مردم
نشان میدادند، مردم از دیدن سلحه غرق در
شادی میشدند، هورا میکشیدند، ست میزدند و
به این ترتیب نشان میدادند که خواهان شکست
دشمن با توسل به سلاح میباشند، من در اطراف
میدان فوزیه سابق با چند رفیق دیگر مشغول
سنگریبندی، برگردن کیه‌های شین و یارنده
کردن ما بون برای گوکتل مولوتف بودیم
رنجائی‌ها به برابریمان شیشه‌خالی و ما بسون
میاوردند و بچه‌ها با تمام قوا خود را بسرای
شهری بزرگ آماده میکردند، هیچکس از ما
نمیترسید، مرگ تحقیر شده بود و توده‌های
بسرای آماده جنگ کردن بودند ما ساواک -
دهی و سلاح و رهبری نیرومند و انقلابی وجود
نداشت، نیروی لایزال توده‌ها بطور خودی
استکارات تا زه سیاه فریاد بین واقع نشان
میدادند که در هنگام بحران انقلابی قدر توده‌ها
رکود و خمودگی گذشت را دور ریخته و شکوفا می-
شوند.

شب ۲۱ بهمن غروب جلوی در
بزرگ دانشگاه تهران توده‌های جمع شده
بودند چند سنگریبزرگ با کیه‌های شنی در آنجا
درست کرده بودند و مردمی سبه جرده خود را
چریک فدائی معرفی میکرد و یک ژ- ۳ در
دست بود در حال سخنرانی بودا میگفت:
مردم من چریک فدائی ام، ما بقدرت اسلحه
سخوا هیما بران رانجات دهیم، من بسرای
شما حوینرا میدهم، شما با پدار من پیروزی
کنید... در همین هنگام مردم جمعیت همه هم-
بلند شدند و دی به علامت تمشل ریختند،
زند، بد تحقیقات اگر چه فدائی در مقطع قیام
شنی چریکی را بدون سرورده به کتا رگذاشته
بودند، اما تمامی حرکات و ظرر تفکر و نگرش
آنان نسبت به توده‌ها ملهم از مضمی چریکی
بود، در متن موقعیت انقلابی که هزاران توده
جان باخته بودند و با دیدن از پادگان در پی جان
باختن برای توده‌ها بودند و زان ن میخواستند
از او پیروی کنند!

حدود ساعت ۱۲ نیمه شب شده بود که چراغهای
دانشگاه و اطراف آن خاموش شد، تعداد زیادی
از مردم هنوز در دانشگاه بودند، بدنیسال
خاموشی چراغها حدود ۷ یا ۸ نفر بسرای شنی که
برای آنها تیربار با مسلسل نصب شده بود سه
رژ هدر بر بردا ننگا بردا ختند، در همین
موقع من بهمراه چند کمونیست دیگر که همدیگر
را زبانی شنی شتا خنیم گوکتل مولوتف هائی
را که از قبل در قسمت جنوب شرقی دانشگاه
پنهان کرده بودیم بردا شته و بطرف نفر برسا
پرتاب کردیم بلافاصله یکی از نفر برسا آتش
گرفت و در همین لحظه ما را رگما و مسلسل ها و
تیربار که به سمت دانشگاه نشا رفته
بودند فضای سکوت حاکمرا شکست اگر چه ماشینی
که چا در برزنتی آن در آتش بود بسرعت از محل
دور شد، ما بقیه نفر برسا بمدت نیم ساعت در حال
شلیک بودند، تمام بچه‌ها در نهرهای دانشگاه
سینه خیز قرار گرفته و از طریق نهرها خود را به
مسجد دانشگاه میرسانند، آن شب تا صبح در
مسجد دانشگاه ما ندیم و علی‌ها هاشان نهار
دادیم و سرورده دادیم.

روزیکشنبه ۲۲ بهمن که روزا نچا رود در
نقاط مختلف شهر میان ارتش مزدور را زیکطرف
توده‌ها و انقلابیون مسلح از طرف دیگر
درگیری بود، یکی از محلهای درگیری اطراف
پادگان شعبان بی مخ بود، بعد از یکسا عت
درگیری مسلحانه سرپازان پارچای سفید
بالا بردند، سپس همگی به پادگان حمله کردیم
درهای قطور پادگانها آتش متسلل و میله‌های
آهنی گشوده شد، همگی به داخل هجوم بردیم

شما معکوس های شاه منفور و ماسا ییل دا خل
سا ختمان به بیرون کشیده شود زیر سیدگهای مردم
خوردند. در همین موقع بود که چشم به رفیق
تقی شرفا افتاد که از ته قلب می خندید و
دست میزد و سپس با کینه مقداری از پرونده -
ها که به بیرون پرتا شده بود را پایز کرده -
کرد. اما ما با بیرون آوردن میفدا نست کسه
نا رهبران جدید بیرونده های ساواک را حفظ
خواهند کرد و کمونیستها را مورد تعقیب و
شکجه و عدا مقرر خواهد داد. همچنان که او
نیز بر اساس اسناد ساواک بجرم کمونیست
بودن توسط رژیم جمهوری اسلامی تبریران
شد.

پس از آن در بطرف دانکده افسری رفتیم که
از ابتدای درگیری تا آخر در آنجا بودم فقط
این نکته را بگویم زمانی که آنرا در رژیم
تسلیم شدند من جز و کمانی بودم که به انبار
اسلحه هجوم بردند. اما مرا و هورا و هیله ها
از انبوه جمعیتی که برای اسلحه بدست آوردن
هجوم برده بودند پدیده بود. کسی اگر زیر پیاها
میا فتادید بکن نمیتوانا نست بلند شود. بسزور
لگدوشا در انبار اسلحه شکسته شد و در مقابل
چشمها ۳- ۲- ۱- ۱- ۱- ۱- یک ها، تیربارا رهسا و
نازنجکها به دردیف در سراسر انبار نصف کشیده
بود. در عرض یک چشم هم زدن انبار خالی
بود. اول کسی که اسلحه ها را تقسیم می
کرد یک تیربارا بره من داد که دیدم خیلی سنگین
است و حمل آن مشکل. به همین خاطر گرفتیم
۳- ۲- ۱- ۱- ۱- ۱- بده و ۳- را گرفتیم.

روز دوشنبه ۲۳ بهمن بطرف اوین رفتیم
در جا ده های که سمت شمیران میرفت ماشین
- ها، کابینونها و اوانتھا مملو از جمعیت مسلح
و غیر مسلح بود آنها میرفتند تا درهای کا خها و
زندانها را باز کنند. اما در آن لحظه چه کسی
میفدا نست که کا خها اگر چه بدست توده ها باز
نشد اما در خدمت کارگران و سایر زندمکنگان
قرار نخواهد گرفت و زندانها اگر چه بدست
توده ها کسوده شد. اما دوباره کارگران و
کمونیستها و آزادیخواهان دیگر را در خود
خواد هدفورد.

کلانتری نازی آباد در آتش

"ب- ن": شنبه ۲۱ بهمن ما همراه با
بچه های محل کلانتری نازی آباد را به محاصره
در آوردیم. فقط من و یک رفیق دیگر مسلح
بردیبولی بقیه فقط به کونکلت مولوفت و سگ
و جوب مسلح بودند. بین ساعت ۱۲- ۱۰ بود
که ما حمله را شروع کردیم. با سانهان و نگهانا
کلانتری به بالای پشت بام کلانتری رفتند و
بشدت تیراندازی میکردند. در همین موقع
یکی از بچه ها موردا ما بت کلوله قرار گرفت
و به شهادت رسید و دنبال آن یکی دیگر کلوله
خورد و اما مرده ها پیش بیرون ریخت. پس از
این گشتا ر پشت مردم به حدانجا رسیده بود.
مردم محلی بخش متا نشد و گروه گروه به محل
درگیری میا میدند. درست در همین موقع کسه
فردوری شاه مردم را به گلوله بسته بودند،
افرا دمذهبی در حالیکه کارتهای کمیته امان
زانشان میفادند و می گفتند: "چرا شما
حمله میکنید، اما دستور چرا دندا ده است."
این حرف بشدت در مردم تنفر برانگیخت مردم
به صیانا آمده بودند و طلب اسلحه میکردند.
اما کمیته چیها مردم را به آرامش و عدم تعرض
به جنا پیکران سلطنت طلب دعوت میکردند.
ما در همانجا به افشارگری دست زده و میگفتیم
جوانهای ما را آزاد کنید و کونکلت مولوفت
کوبند اسکت یا بشید بکجهما درسیده ایتا مگر
میشود در برابر این همه جنا پیت ساکت بود؟
در همین موقع مزدوران مستقر در کلانتری
از پشت کلانتری گریخته و به پا دگان هوانیروز

میروند. ما بهمراه انبوهی از جمعیت به
کلانتری تنها چهره دیدیم. ما ساپا بهای آسرا
مما دره کرده شما هم پرورنده ها را سوزا نشده و
سا ختمان کلانتری را به آتش کشیدیم. ایا پس
جلوه ای بود از تشفنان خشم خلقی که از دست
رژیم شاه مردود به تنگ آمده بود.
**نانکها با کونکلت ها
به آتش کشیده شدند**
"ف": شنبه ۲۱ بهمن تمام طول خیابان
شهران نو (دماوند) ستقر بندی شده بود من در
ستقری بودم که در بالای داروخانه بنوا مین
قرار داشت. درست در وقتی که کونکلت مولوف
جمع کرده بودند. در انتظار درگیری با دشمن
بودیم. ظرفی ۴ صبح سه چهار تا تک بصمت
فوز به ما بق حرکت کردند تا ستقر قبیل اما ۲
تانک با کونکلت به آتش کشیده شدند و تا سنج
دیگر بطرف ستقر ما آمد که ما آنها را زیر پیاها
کونکلت گرفتیم. تا آنها آتش گرفت و بلافاصله
راندند آنها بیرون پریدند.
تیل از آتش گرفتن تانکها هم خبری که
یک بیسیستم ما دره کرده بود حرفهای بی سیسم
تا تک را کنترل میکرد. راندند تا تک با مرکز
تماس گرفته بود با روحیه ای که ملا تسلیم -
طلبانه میگفت: "چرا مرا بی حمایت فرستادید
بیاید مرناجات بدهید". در حقیقت ایا بیسی
روحیه بیانا از همگیسختگی ارتش بود ارتشی
که در مقابل تعرض خلق دچار اختلال و تشتت گشته
و گذشته از پیاها قابل توجهی که از پا دگانها
گریخته و به انقلاب روی آورده اند، افراد
سپا زنیادی از پیاها از وجود دارند که از
سراپمان، بلکه زیر فشا رفقا میفادند. او نظیاض
ارتجا بی آن بقما بله فعل با خلق ادا مسه
میدهند. فردی از شب یعنی ۲۲ بهمن در
تصرف با غشا به همراه توده های خلق شرکت
دا شتم، سقوط پا دگان بعد از ظهر ۲۲ بهمن
صورت گرفت. پا دگان زیاد مقاومت نکرده و
خیلی سریع تسلیم شد. مردم به مراکز اسلحه
حمله کرده و به میزان بسیار زیادی فشنگ،
نازنجک، آرم بی - جی ۷، تا پ مساره
نمودند. در همین موقع مردم سراپان را از
خوابگاهها و سا ختمانها بیرون میا وردند و
برای آنکده کسی به آنها حمله نکنند لیا سهای
سراپان آنها را میکنند و لیا سهای خود را به
تن آنها می یوانند مردم به این طریق
احساس همبستگی خود را با سراپان زن که بسوی
مردم حمله نکرده بودند نشان میدادند و به این
طریق به آنها میگفتند که سراپان فرزندان
خلق هستند.

بقیه از صفحه ۱۵ حزب توده

ملی را لیبیرال، سازشکار و حتی مرتبط با
امپریالیسم میفادند، اما حزب توده نه تنها
خواهان تشکیل جبهه و خدود بیکتاسوری و
همیتکوب بر فراقی جمهوری اشتلالی ملی بسا
جبهه ملی بودند تنها برای تحقق چنین امری
به پست ترین تملقها تن میدادند، بلکه از
سناجی میخواهد که رهبری قیا منوده ها را در
دست بگیرد. به ستندا فشا کننده زیر توجه کنید:
(نویسند فوق العاده شمار ۲۷، ۶۶ دی ۵۷) (یعنی
کمتر از یکماه که ما نده به قیا م)

"۱) کمیته مرکزی حزب توده ایران از هم
رهبران جنبش رهائی بخش ملی ایران بویژه
از حضرت آیت الله العظمی خمینی، حضرت آیت -
الله الطالقانی و آقای دکتر کریم سناجی و
سایر رهبران جریانهای میا رزمدهی و سیاسی
در ایران که جنايات رژيم را با گوشت و پوست
خود احساس کرده اند، دعوت میکنند که تمام نیرو
و تمام متفرد و اعتبار خود را در راه تشکیل جبهه
متحد آزادی ملی ایران، جبهه ای که همه
نیروهای راستین میهنی ضرور و مستند
امپریالیست را در بر بگیرد، به کاراندازند.
این جبهه وظیفه خواهد داشت که امیر رهبری
میا رزات عموم خلق را علیه شاه و امپریالیسم
در دست گیرد و ضمن استقاداه همه شوه های
عادی مبارزه سیاسی، مرتداد رک ورهیبیری
میا رزه مسلحانه خلق را علیه نیروهای مسلح
رژیم شاه سازمان دهد." (همه تا کیداها از
ما ست)

آری چه ما بقه در خوانی "حزب توده" در
مبارزه علیه لیبرالیسم دارد، اکثر کریم -
سناجی بنه تنها فدای امپریالیسم میشود، بنه
تنها از رهبران جنبش رهائی بخش ملی قلید اد
میشود، بلکه تقدرا تقلابی وقاطع است که
با یستی رهبری مبارزه مسلحانه خلق بر علیه
امپریالیسم را نیز در دست بگیرد!!
بیچاره حزب توده فکر میکرد، لیبرالها در

رسیده که خوبست بیان کنیم.
مسئله از این قرار بود که رفیق مسعود
یورکریم به همراه یک رفیق در قیما بر تنگوه
بهمن ما در کنار خلق و بطور مسلحانه حضور
دا شتم.
روز ۲۳ بهمن رفقا همگام حرکت در شهر
وزمانیکه ما از کمک به رزمندگان خلق دریکی
از مناطق تهران بودند توسط ما مورین کمیته
اما مستقر در محل کمیته مرکزی (مدرسه رفاه)
دستگیر کردند. در این هنگام ما افراد کمیته
به خلق سلاح رفیق مسعود که دارای یک
پا را شوت متعلق به ما زمان بود پیردا ختمند و
سلاح سا زمان را رفیق دومرا نیز از امیگیرند
رفقا اصرار میکنند که این اسلحهها متعلق
به ما زمان است و شما باید آنها را تحویل
دهید. مسئولین کمیته اسلحهها را به یک
استوار ارتشی که در آنجا همگامی میکرد
نشان دادند و میگوید این اسلحهها خارج
آمده و ارتش و شهربانی سلاحهای این نوع
ندانند. اما علمیر غمنا ثبات این مسئله که
اسلحه متعلق به ما زمان است کمیته چیها
ارسی دادگان خود اری میکنند.
تمام کوشش جهت بازس گرفتن سلاحهای
که توسط رفقا علیه رژیم منفور شاه بکار رفته بود
بی نتیجه میماند و این امر نشان داد که
حاکمان جدید چگونه نسبت به کمونیستها
خصومت ورزیده و چگونه علیه ندا و مقیما مینا
خاسته اند.
به امیدیروزی کارگران و زحمتگان ایران!

طی مدت زیادی بیشترین قدرت را در اختیار
خود بگیرند و به همین خاطر این تملقی می
خواست برای متافع سوبال امپریالیسم
روس ما به کار می کند. اما همینکه بتدریج
قدرت بسوی حزب منما بل میشد، از لیبرالها
روی بر میگرداند و ادعا میکرد که همواره بر
لیبرالیسم چنگیده است!
۷- حزب توده اکنون بخاطر آنکه بنی صدر
مقاومریاست جمهوری را دارد، مستقیما او را
لیبرال نخواهد است. اما اطرافیان او و
رو زنا مه انقلاب اسلامی را لیبرال خوانده
همدما با جناح حزب به مخالفت با او برخاسته
است. اما ما با اینجاستکه پیش از این در
زمانی که لیبرالها بیشترین قدرت را در حاکمیت
دا شتم حزب توده، یعنی صدرا طرفدار سوبالیسم
نا میده و عتوان کرده است که "راهشده غیر
سرما به دارای کذائی را با افرا دی چون بنی
صدر میتوان به پیش برد. در نوید شمسه راه ۷۰،
۴ اسفند ۵۷، حزب توده در مقابل "انقلاب ایران
پرسرودا هی "دورا هدر سرما به دارای بی غیر
سرما به دارای رایش بینی میکنند و سوبالیسم -
توجه به وجود عناصری چون بنی صدر، امکان
تحقق سوبالیسم را بسوی سلطه جمهوری اسلامی
ممکن میفادند یعنی صدرو خمینی را همسای
مجا هدین بحساب میا ورد، به ستند رجوع کنید.
وقتی مجاهدین خلق، روشنفکران انقلاب
مذهبی، شما بتدکان فکری جنبش انقلابی
اسلامی نظیر ابوالحسن بنی صدر (زنزدگان
اما خمینی) بطور عربیان از لزوم تعدیل
اختلاف ضیقانی وحشی استقرا راجع بسوی
طبقه توحیدی "و ما به مقصد که در آن زمان ای
تقشری، گروهی و طبقاتی زاین شده، سخن می
کوبند و... شیروی عظیمی که انقلاب ایران
برای طردن اذیتانگ رشر سرما به دارای در -
اختیار دارد، با همه قیامت توانای خود جلوه
میکند." (تا کیدیگ خطی. از حزب توده و دو خطی
از ما ست)

دردومین سالگرد قیام:

آیت الله خمینی بورژوازی را
به اتحاد در برابر جنبش فرامیخواند

دردومین سالگرد قیام خونین بهمن در
فین، مبارزات کارگران و مبارزین در
ل او جگیری روز افزون است و در با لاتفا
ای میان جناح های هیات حاکمه هر چه بیشتر
نت میاید، این اوضاع و بخصو رسد انقلاب
رمداران رژیم جمهوری اسلامی را به وحشت
نداخته است. نطق آیت الله خمینی ۱۵
بهمن آئینه تمام نمای اوضاع فوق است

او جگیری جبهه و هراس رژیم

آیت الله خمینی از زلزله و عیان کارگران
زحمتکشان در وحشت و هراس است، او میگوید
نظم سرما به داری و بسته کنونی همچنان
رفرا ربا شد و همین خاطر خطا پس
نگوید: "یک مطلب مهمی که باید یادگار
را خا نه ها، کارگران معادن و همه کارگر
ره را که هستند و کارمندان در هر جای از کشور
ستند توجه به آن بکنند و آن اینکه نظم را در هر
که هستند مراعات کنند، اگر در یک کارخانه
ای در یک معدنی، در یک اداره ای بنا باشد
بیا بی نظمی بخوانند نجا عمل بکنند این
ی نظمی موجب این میشود که آنها نتوانند به
ظایف اسلامی خودشان - به وظایف ملی
بودنشان عمل کنند."

و افعار عایت کردن نظم در شرایط سلطه
برای به داری و وابسته به امیریا لیسیم چه معنا
ست؟ حفظ نظم در کارخانه های سرما به داران
ایسته به چه معنا است؟ مراعات نظم توسط
کارگران و انجام وظایف اسلامی و ملی، به چه
معناست؟ روشن تر از این نمیتوان صحبت
نرد، منظور خمینی از نظم در کارخانه ها،
عایت دیسیپلین سرما به داری است، او
با رگران را به تحمل نظم شکنجه و وسیتیم
بندیده حاکم فرامیخواند، تا تولید سرما به
اری کماکان به حرکت خود ادامه دهد، خمینی
به کارگران میگوید کارکنند و استقامت کنید و
بدین طریق "وظایف اسلامی و ملی خود را در
بمال بورژوازی به انجام برسانید و در این
بهت هرگز فکر مبارزه و مقاومت و اعتنا به به
نورده اند، دهید اسپس آیت الله خمینی میگوید:
".... اگر خدای نخواسته کماکان که میخوانند
بر این کارخانه های یک جناحی بیا کنند آنها
را نپذیرند و تبلیغات سو آنها بر حذر
باشند، امروز هر دعوت به کم کاری و بی کاری و
مردعوت به اعتنا به خیانت به این کشور است
و خیانت به جمهوری اسلامی، امروز مثل دیروز
نیست که دعوت میشد به اعتنا به آن، اعتنا
سرنوشت ساز بود و آن کم کاری سرنوشت ساز
بود، شما را میگفتند که اعتنا بکنید تا چیا ول
- گران را از کشور خودتان دور کنید و بجد الله
روز است...."

آیا حقیقتا امروز مثل دیروز نیست؟ چه
تغییر و تحولی در زندگی کارگران و زحمتکشان
ما بوجود آمده است؟ رژیم جمهوری اسلامی چه
چیزی جز فقر و فلاکت بیشتر و جزستم و سرکوب
بیشتر برای کارگران ما به ارمغان آورده است؟

یادداشت های
سیاسی
هفتگی

دست بردارند، او میگوید زمانی که جنبش و
اعتنا به کارگران و زحمتکشان در حال اوج -
گیری فزاینده است "تضعیف همه "جز خود کشتی
و انتحار چیز دیگری نیست، او میگوید ضد
انقلاب با بد متحدیما ندتا بتوا ندبا جنبش
بتوا حسن مقابله و ضدیت نماید، خمینی
میگوید: "من به آنها نصیحت میکنم که سه آرام
باشید، به آنها نصیحت میکنم که یکدیگر را
نکزند، بنجه بروی هم نزنند، همه با هم ایمن
کشور را به پیش ببرید، اختلاف سلیقه ها را در
یک محیط برادرانه حل کنید، نگاهدارید که
احساس وظیفه بشود، اگر احساس وظیفه بشود من
به هر کس هر چه داده ام پس میگیرم."

آیت الله خمینی به حزبها و لیبرالها
میگوید آرا میباشید، یکدیگر را نکزند و بنجه به
روی هم نزنند تا همه با هم بتوا نیدرما به داری
و ابسته را هدایت کنید، جنبش را سرکوب کنید
و از فروپاشی کل سیستم جلوگیری نماند،
خمینی میگوید اگر شما (یعنی حزبها) -
لیبرالها) در شیوه سرکوب انقلاب بدر شیوه
مدیریت سرما به داری و ابسته اختلاف سلیقه
دارید، این امر نیا بد منجر به زهم گسختگی
و جدت طبقاتی شما شود، آری خمینی همه
جناح های بورژوازی را به اتحاد در برابر
جنبش فرامیخواند، اما در عین حال با کما
بلیبرالها می نماید، بنما ندکه دست از تعرض با ید
را برنده و رهبری حزبها را بپذیرند، او به
کنایه ای بیتی مدر میگوید: "اگر احساس وظیفه
بشود من به چه چیز هر چه داده ام پس میگیرم"
یعنی اگر شما نمی کل قوا را به تودا ده ام،
اگر قوا بر ما است جمهوری را به توستورده ام بزور
چماق ولایت فقیه بتوا نمان آنها را پس بگیرم و
همه را به حزبها محو م

به ترتیب روشن میشود که آنچه خمینی
را نگرین کرده است شدت گیری تا ده های
درون هیات حاکمه و گسسته شدن قدرت مقابل
- جو با جنبش های ارتجاع در برابر او و
گیری با زهم به جنبش است، آیت الله
خمینی بهما به چشمها، با زرگانها قیام
بهمن را متوقف ساخته است و وقوع قیام
دیگری بر خود میارزد، اما چرا، چرا دستم
جناح های ارتجاع از وقوع قیام خونین
دیگری میتوانند مانع بعمل آید؟
مبارزه طبقاتی و دورنمای انقلاب
سوال بطور قطع پاسخ منفی میدهد.

کارگران و زحمتکشان دیروز قیام کردند
و خون دادند تا برسرنوشت خویش خود حاکم
شوند، اگر دیروز کارگران کم کاری کردند،
اعتنا به کردند و در قیام شرکت نمودند بخاطر
آن بود تا سرما به داران و چپا ولگران را نابود
سازند، اما آیا آنها به اهدا خود رسیدند؟
نه و هرگز نه! پس چرا کارگران و مبارزین خود
ا داده اند؟ آیت الله خمینی آشکارا واقعیت
ها را می پوشاند تا کارگران را با فریبند، آیت -
الله خمینی میگوید چپا ولگران از کشور دور
نگه و کارگران به نتیجه رسیدند، ما می گوئیم
چرا کارگران و مبارزین در فقر و ستم غوطه
میرند؟ خمینی میگوید اعتنا به دیروز خوب
بود اما نتوانید، ما می گوئیم اعتنا به مبارزه
دیروز خوب بود، انقلابی بود تا ریشخا زبودو
اعتنا به مبارزین، امروز هم درست است و در راه
منافع انقلاب است، این اعتنا به و
مبارزه کماکان علیین مبارزه داران، چپا ول -
گردن رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی است،
آیت الله خمینی در هر از حرفها لیست
کموسه، منا و طبقه کارگر ملتسمه به کارگران
میگوید: "تعلیقات سو "بر حرا ش" و
اعتنا به جنبش آری و صیدا بد جنبش به از
قیام به ایستاد، بنفته است در تکامل
سقوط رژیم را بدینا بخواهد، شدت و به همین
خاطر در آستانه دومین سالگرد قیام ما تمام
قوا میگویند تا کارگران را از مبارزه و انقلاب
بر خوردارد، خمینی از موضع ایستادگی و ضعف
میگوید تا جلورشدمبار مبارزه طبقاتی
اما مگر جنبش توده ها داده اند؟
بهمن نمی باشد؟ مگر کارگران و
دربی آن نیستند تا قیام نیمه تمام را به
انقلاب کامل تبدیل سازند؟

فراخوان برای اتحاد با بورژوازی

در برابر بردورنمای او جگیری جنبش توده ها
ورشد انقلاب، آیت الله خمینی بورژوازی را
به وحدت در برابر جنبش فرامیخواند، او
میگوید: "شما باید توجه داشته باشید که هر
قشری از این کشور مسئول کاری است تضعیف
بشود، هر رگانی که در این کشور مشغول خدمت
است تضعیف بشود، این تضعیف، تضعیف همه
است و این انتحار است، "رشد جنبش توده ها
شکاف در میان هیات حاکمه را عمیق کرده
است، حزبها اکثر مواضع قدرت را در دست
گرفته و میگویند تا ریاست جمهوری را نیز از
چنگ آنها بیرون آورند، ولیبرالها نیز
میگویند تا مواضع کنونی را حفظ کرده و با
تعرض به حزبها و با مطلاع آرا دیخواه نشان
دادن خود بر جنبش سوار شوند، حزبها،
لیبرالها را طرفداران امیریا لیسیم خطاب
میکنند و لیبرالها حزبها را مستبد و دیکتاتور
میخوانند، هر قدر جنبش رشد میکند تا ده های
درون هیات حاکمه توسعه مییابد و بیروا ضح
است که حدت یابی این تفا دهها جز معنای از
هم گسختگی ارتجاع در مقابل انقلاب معنای
دیگری ندارد، خمینی ما ندتا صحت فئوق
طبقاتی به دو جناح نصیحت میکند که از دعوا

گرامی باد خاطره
پیکارگر شهید رفیق
محمود صدقی

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
شهادت یکی دیگر از پیکارگران دلیر راه
راهی طبقه کارگر رفیق محمود صدقی را به
کارگران و زحمتکشان اعلام میدارد، سازمان
ما افتخار میکند که در راه تحقق هدفهای
کمونیستی و انقلابی خود، تقدیر مصمانه پای
فشرده و سرخط مشی را در یکال خویش آن
اندازه ایستادگی کرده و خواهد کرد که ایمن
اندازه مورد خشم و کینه سرما به داران و رژیم
حاکم آنجا قرار گرفته است، اعضا و رهبران
سازمان ما بر سر آنند که تا آخرین نفس از
منافع طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان دفاع
کنند و دشمنان آنها را در هر چهره و لباس که
باشند بی مهابا برای توده ها افشا نمایند،
رفیق محمود صدقی یکی از رفقای فعال و
عزیز ما بود که در سر کارها روز دوشنبه ۱۲ بهمن
ماه بحکم جلادی بنا ما را یکی که حاکم شرع
ما هشر است به جوخه عدا مسپرد شد و خون
پاکش در آستانه دومین سالگرد قیام بهمن ماه
برچم مبارزه بگیریم کمونیست علیه امیریا -
لیسم ارتجاع را سرختر کرد.

در تاریخ ۶ ماهه نگاه ساعت ۹ تا
۱۰ شب مزدوران رژیم در ما هشر به خا نه رفیق
ریخته و راستگیر میکنند و به سببها ساداران
میبرند، رفیق سرخا نه در مقابل مزدوران
مقاومت میکنند و آزمان مقدس کارگران و
زحمتکشان و سازمانش دفاع می نماید، در
طول مدت زندانی بودن رفیق، اگر چه
خا نو ده اش با فشار تواتر مستند ملاقات بگیرند
اما مزدوران رژیم، هجو قوت و ضدیت رفیق را
روشن نکردند و همواره او را خا نو ده اش را در
حالت نگرانی نگاه داشتند، این وضعیت تا
آمدن حاکم شرعی بنا ما را یکی به ما هشر
ادامه میداد می کند، او همچون خلخالی جلادی
ورسوا، برای زندانیان سیاسی ما هشر
"کیفر" های سنگینی را تعیین میکند (مثلا
برای بخش اعلامیه ۱۰ سال زندان و حتی ابد)
و عده ای را نیز محکوم به اعدام مینماید، یکی
از آنها رفیق شهید محمود صدقی بوده است که
در تاریخ ذکر شده اعدام میشوند، خبر درج شده
در روزنامه اطلاعات شنبه ۱۸ بهمن اعدا میا
را چهار نفر ذکر میکند.

بی شک جزم بزرگ و بسیار بزرگ رفیق محمود
صدقی کمونیست بودن و پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
و دست زدن به حاکمیت سرما به داران و
رژیم امیریا لیسیم آنها هیچ جرمی به این
بزرگی نیست، در پیرونده این رفیق هیچ به
اطلاعات جرمی ایستکی به ما زمان وجود
نداشت.

رفیق شهید محمود صدقی دانشجوی دانشکده
م تربیتی دانشگاه تهران، یکی از رفقای
فعال، در سازمان دانشجویی، هاشا آموزشان
پیکار بود، ۱۵ ماه پیش برای اتمام نامه
"دا نشجویان در آستانه آموزشان پیکار در آبادان
به این ناحیه همزمان شدند و در طول این مدت
مسئول مسئولیت سازمان دانشجویی بود،
او وظایف محوله را بشده و با اشتیاق فسران و ان
دنبال میکرد و بنا به صدها پیش مسئولیت های
بیشتری به او سپرده شد، رفیق در مرگش

بقیه در صفحه ۸



مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست